



فراق نامه

مجله خبری - تحلیلی • زمستان ۹۶ • شماره ۱۴

گفت و گوی اختصاصی فراق با **محمد اکبرزاده**، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی:
خانواده‌ها با پشتیبانی جدا شده‌ها
در کشورهای حامی فرقه می‌توانند افشاگری کنند



همه چیز در فرقه رجوی مصنوعی بود
حتی شادی‌های عید نوروز ۲۴

شیوه‌های فریب فرقه رجوی برای جذب
اعضای جدید در فضای مجازی ۱۵



منتظر نظر، انتقاد و پیشنهادهای شما
مخاطبان محترم هستیم



پست الکترونیکی:

Faranggo@gmail.com

Faragh@chmail.ir

وب سایت:

www.feraghnews.ir



کانال:

@feraghnews



فیس بوک:

www.facebook.com/faragh.ngo



تویتر:

www.twitter.com /farangngo



اینستاگرام:

Feraghonline



گوگل پلاس:

plus.google.com/feraghnews

- زمستان می رود، بهار دل نشین می آید ۲
- اتحاد و همدلی در بین جامعه جدا شده ها پاسخ داد ۳
- فرقه تروریستی رجوی باز هم در لیست گروه های افراطی و تروریستی معرفی شد ۴
- فرقه تروریستی رجوی روی جوانان و به خصوص نسل دانشجوی سرمایه گذاری ویژه ای می کند ۵
- مریم رجوی و تاکتیک های دروغ رسانه ای در فاکس نیوز ۹
- پیامی از لجن زار ۱۲
- ارتباط جدا شده ها با اسیران برای فرقه قابل تحمل نیست ۱۳
- شبیه های فریب فرقه رجوی برای جذب اعضای جدید در فضای مجازی ۱۵
- خانواده ها با پشتیبانی جدانشده ها در کشورهای حامی فرقه می توانند افشاگری کنند ۱۷
- مجوز فرانسه به فرقه سرکوبگر رجوی برای برگزاری تجمع ۲۲
- همه چیز در فرقه رجوی مصنوعی بود حتی شادی های عید نوروز ۲۴
- خانواده های اسیران فرقه رجوی با نهادهای بین المللی نامه نگاری کنند ۲۶
- فرقه، خیلی ها را در آلبانی با پول خریده است ۲۷
- حافظه تاریخی مردم ایران، خیانتها و جنایت های فرقه رجوی را از یاد نخواهد برد ۲۹
- خانواده های انجمن نجات در این سال ها مورد ظلم فرقه رجوی قرار گرفته اند ۳۱
- آقای فیلابی ناپهلوان از طرف مردم حرف نزن ۳۲
- جولان چماقداران رجوی در تیرانا ۳۶
- «غسل در لحظه»، دکانی جدید در آلبانی ۳۸
- نگاهی به پرونده لابی «منافقین» در آمریکا علیه ایران ۴۱
- من نمونه ای از خیانت دیده ها هستم ۴۵
- اندکی صبر، سحر نزدیک است ۵۲
- همسران فداکار و چشم انتظار ۵۵
- خانواده ها با اعتراض خود به کمیساریا جدا شده ها را یاری کنند ۵۸
- بجنگ تا بجنگیم، اینجا عراق نیست ۶۱
- خدا لعنت کند به رجوی که زندگی خانواده را به هم ریخت ۶۵
- شرایط برای رهایی اسیران هموار است ۶۹
- تعهد اجباری، جنایتی دیگر از سوی فرقه ارتجاع رجوی ۷۶
- مادر به خاطر نیامدن برادرش دق مرگ شد ۷۷
- اقدامات سران فرقه تروریستی رجوی از سر استیصال و فلاکت است ۸۳
- ۸۰ درصد هزینه ها در فرقه رجوی مخصوص سران است ۸۹
- اعضای اسیر نباید از خروج و دنیای آزاد بترسند ۹۳
- درد و رنج سال های انتظار مرحمی جز آزادی ندارد ۹۸
- صدای خانواده ۱۰۰



زمستان می رود بهار دل نشین می آید

فصل زمستان تمام می شود و به دنبال آن بهار دل نشین با سرود زندگی می آید.

بهار عاریتی است که هست بودن آن از زمستان گرفته شده و برگ سبز طبیعت تنها سندی است که طومار برف را می پیچد و امضا می کند.

بهار، پیام آور عشق، رویش و موسم سرور و آشتی است. با آمدنش دل ها سرشار از طراوت می گردد و جان ها معرفت می یابد و به همین خاطر است که خواستنی است، دلی که بیدار هستند، در هر پدیده ای عبرتی می بیند و از هر نشانه ای، درسی می آموزد. بیدار دلان، از بهار، درس تحول و نوشدن یاد می گیرند. فصل بهار برای خانواده هایی که چشم انتظار دیدار هستند خیلی دل انگیز و امیدبخش است. خانواده های اسیران فرقه رجوی از مصداق این افراد هستند که با هر بهار، جای خالی عزیزان خود را بر سر سفره های هفت سین، سبز نگه می دارند.

سال هاست که قسمتی از دل خانواده های اسیران به هزار حيله و ترفند از آنها جدا شده و این خانواده ها بی صبرانه منتظر حضور سبزشان در کنار خانواده هستند.

این خانواده ها هر سال سفره هفت سین بهاری خود را را به امید دیدار این عزیزان سبزتر و پر از عطر دعای دیدار می کنند.

امیدواریم در سال جدید، تمامی اسیران دربند با عطر بهار الهی دگرگون شده و حضور آنها را در آغوش پرتراوت خانواده ها شاهد باشیم.

انجمن نجات استان اردبیل

بهار آمد که تا گل باز گردد | سرود زندگی آغاز گردد
بهار آمد که دل آرام گیرد | ز درد و غصه ها فرجام گیرد



خبر خوش به خانواده ها و اسیران گرفتار در فرقه سرکوبگر رجوی

اتحاد و همدلی در بین جامعه جدا شده ها پاسخ داد

اولین حقوق رسمی جمعی از جدا شده ها توسط کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان پرداخت شد
جداشده ها بدون اضطراب افشاگری می کنند



عالی سازمان ملل بدون هیچ قید و شرط موجی از خوشحالی در میان جداشده ها و اعضای اسیر در فرقه شکل گرفته است.

جمعی از جدا شده ها با خوشحالی از استقلالی که به دست آوردند به خبرنگار فراق گفتند: رها شده ها تا الان از ترس مستمری ماهیانه قادر به گفتن یک جمله در حق جنایت های این فرقه پست فطرت نبودند اما بعد از این ماهیت واقعی این فرقه را بدون واژه و اضطراب افشا خواهند کرد.

امید است استقلال و موفقیت این افراد در آزادی تمامی اسیران در بند در زندان این فرقه تاثیر گذاشته و به زودی رهایی تمام اسیران و نابودی فرقه سرکوبگر رجوی را شاهد باشیم.

بر اساس گزارش های رسیده به فراق، همچنین این خبر موجی از خشم و کینه در میان سران فرقه رجوی را رقم زده است و به دنبال جلوگیری و برخورد با انتشار آن در درون فرقه هستند.

این اتفاق مهم در حالی روی داد که سران فرقه ارتجاع، چند روز پیش با برگزاری نشست هایی مختلف با تحت فشار قرار دادن اسیران، آنها را مجبور نمودند تصمیم کمیساریا در جهت پرداخت مستقیم مستمری به جدا شده ها را محکوم کنند.

به گزارش فراق، سران فرقه با وعده هایی نظیر پول به مزدوران خود سعی در ایجاد تفرقه میان اسیران داشتند ولی پس از انتشار خبر دریافت حقوق ماهانه جدا شده ها از کمیساریای

در حالی که اسیران گرفتار در فرقه سرکوبگر رجوی روز به روز تحقیر، محدود و به فرسایش می روند جامعه جدا شده ها با اتحاد و همدلی توانستند اولین حقوق رسمی خود را از کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان دریافت کنند.

به گزارش خبرنگار پایگاه خبری - تحلیلی فراق، سرانجام بعد از پیگیریهای مختلف توسط جداشده ها در آلبانی، کمیساریای عالی سازمان ملل، روز جمعه ۲۰ بهمن ماه، به طور رسمی مستمری ماهانه جمعی از افراد را واریز کرد.

این عمل نه تنها باعث خوشحالی جدا شده ها گردید بلکه نویدی برای آزادی کامل اسیران گرفتار در فرقه تروریستی و منحوس رجوی است.

فرقه تروریستی رجوی باز هم در لیست گروه های افراطی و تروریستی معرفی شد



مرکز مبارزه با تروریسم در آلبانی، نام فرقه تروریستی رجوی را در لیست گروه های تروریستی و خشونت طلب قرار داد. به گزارش خبرنگار پایگاه خبری-تحلیلی فراق، این مرکز در گزارشی جدید که از رسانه های کشور آلبانی پخش گردید مدعی شد که فرقه رجوی به عنوان یک تشکیلات افراط گرا، آینده این کشور را به مخاطره انداخته و با جذب افراد، آنها را به سوی رفتارهای تروریستی تشویق می نماید. این مرکز همچنین به این منظور و آشنایی دانش آموزان کشور آلبانی با پدیده افراطی گری و خشونت طلبی، کتابچه هایی را منتشر کرده و در مدارس این کشور توزیع می نماید. عنوان این کتابچه «افراط گرایی خشونت آمیز در جهان و آلبانی» است که در آن اسامی برخی سازمان های خشونت آمیز و در راس آن فرقه رجوی لیست شده است. به گزارش فراق، این مرکز به طور رسمی فرقه رجوی موسوم به مجاهدین خلق را به عنوان یک سازمان خشونت آمیز و تروریستی معرفی نموده

فعالیت را ارائه آموزش های لازم برای جامعه آلبانی و به خصوص دانش آموزان این کشور عنوان کرده و افزوده است: دانش آموزان با شناخت از خطرهای گروه های افراطی گرا از آن ها نفرت پیدا کرده و هرگز در دام این گروه ها نمی افتند.

است. بنا بر بررسی های خبرنگار فراق در این کتابچه سه گروه داعش، جبهه النصره و فرقه تروریستی رجوی به عنوان گروه های های خطرناک، خشونت طلب و تروریستی در جهان معرفی شدند. به گزارش فراق، این مرکز هدف از انجام این

پاسخ قاطع مردم ایران به مریم رجوی: تویکی خفه!

تولید هشتگ #مریم_رجوی_خفه_شو انجامید. این هشتگ و نمونه های مشابه مثل #مریم_رجوی_خفه_شو به همراه تصاویر متعدد در فضای مجازی دست به دست می چرخد که خود پاسخ قاطع مردم ایران به پیام تمسخر برانگیز این عجزه همسو با سعودی است که نقش کلیدی در ترور دانشمندان ایرانی و تحریم مردم ایران ایفا کرده است.

ایران است که در سالهای گذشته بیشترین لابیگری را برای تحریم مردم ایران به انجام رسانیده است و حالا همسو با سیاستهای عربستان و اسرائیل درصدد است تا مسیر اعتراضات را به خشونت و ترور هدایت کند. به این مناسبت وی پیامی خطاب به مردم ارسال کرد که واکنش بسیار جالبی از سوی مردم ایران در شبکه های اجتماعی داشت و به

■ زهرا سادات میر باقری

اوپل دی ماه در برخی شهرهای ایران اعتراض هایی علیه گرانی صورت گرفت که مثل همیشه جریانات وابسته و تروریستی تلاش کردند از آن سوء استفاده کنند. مریم رجوی رهبر فرقه تروریستی مجاهدین و از منفورترین چهره های ضدایرانی در خارج

ناگفته های علی اکرامی از اسرار پشت پرده فرقه تروریستی رجوی در گفت و گوی اختصاصی با فراق:

فرقه تروریستی رجوی روی جوانان

و به خصوص نسل دانشجو سرمایه گذاری ویژه ای می کند

بخش آخر

دیگر نمی توان اعضا را در حصارهای ذهنی و فیزیکی نگه داشت



فراق: جدا شده های فرقه رجوی، مخزنی از اسرار خیانت ها و جنایت های فرقه رجوی هستند. این افراد با بیان سرگذشت و بازگویی دیده های خود نقش مهمی در افشای ماهیت پلید این فرقه دارند.

افشاگری های این افراد سیمای واقعی فرقه رجوی را آشکار ساخته و این گفتارها در نهایت آگاهی بیشتر مقام های بین المللی، خانواده ها و حتی اسیران فرقه رجوی را موجب می گردد.

علی اکرامی، یکی از جدانشده های فعال و پرتلاش فرقه رجوی است که تمام سعی خود را برای رهایی اسیران فرقه به کار گرفته است. وی بنا به گفته خودش تحت تاثیر احساسات پاک و صادقانه خود، جذب این فرقه شده و از سال ۱۳۵۸ به عنوان یک کادر شروع به فعالیت در آنجا نموده است. اکرامی در فرقه عضو شورای مرکزی، یکی از مسؤولان بخش روابط خارجی، امنیت، اطلاعات و اداره کار و کارگران پادگان اشرف بوده است.

بخش دوم ناگفته های و اسرار پشت پرده فرقه رجوی را در گفت و گوی خواندنی پایگاه خبری-تحلیلی فراق، با علی اکرامی در زیر می خوانید:

فراق-آقای اکرامی مسعود رجوی چند سال است که پنهان شده و آیا هیچ وقت این سوال بین اعضا مطرح نبود که مسعود کجاست و چرا مخفی شده است؟

مسعود رجوی بلافاصله بعد از اشغال عراق

و البته بدلیل جو خفقان، اعضا اجازه نداشتند سوال کنند.

فراق-شخصیت مریم رجوی را چگونه تحلیل می کنید؟ مساله جانشینی وی به جای مسعود چگونه مطرح می شد؟

من هیچگاه مریم رجوی را به عنوان یک موجود تاثیرگذار در فرقه به رسمیت نشناخته و نخواهم شناخت. او همیشه نقش سایه رجوی را بازی می کند و او فاقد هرگونه کاراکتر و شخصیت تاثیرگذار است. من شخصا در بسیاری از موارد چه در زمان همدردی و چه مسوول اولی از نزدیک با او برخورد داشته ام.

او به هیچ وجه یک شخصیت کارازماتیک و ذی نفوذ نیست بلکه به شدت ضعیف است. از نظر من خیلی از اعضای زن فرقه مانند ثریا شهری و محبوبه جمشیدی از او توانمند تر بودند ولی او صرفا به خاطر نقشی که در پاریس بهنگام زندگی مسعود رجوی با فیروزه بنی صدر ایفا کرد

توسط نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا مخفی شد. همسرش مریم به فرانسه گریخت. او در آخرین نشست با نیروهایش در عراق گفته بود چنانچه نیروهای آمریکایی به عراق حمله کنند او به همراه نیروهایش به ایران حمله نموده و کار حکومت ایران را یک سره خواهند ساخت.

آمریکا عراق را اشغال کرد ولی از جانب رجوی هیچ حرکتی دیده نشد. او همیشه در سر فصل ها و سرزنجا ها نیروهایش را در مقابل دشمن تنها گذاشته و فرار را برقرار ترجیح می داد. ۳۰ خرداد سال شصت یک نمونه بارز آن است. نیروهای آمریکایی بدون هیچ گونه مقاومتی اشرف را تصرف و نیروهای آن را خلع سلاح کردند. فرماندهان فرقه به فرماندهان آمریکایی گفتند آنها در جریان جنگ حامی آمریکا بوده اند و اعلام آمادگی کردند در هر زمینه ای به آن ها کمک کنند.

از آن زمان به بعد دیگر کسی مسعود را ندید

□ رجوی فکرمی کرد با آوردن خانواده‌ها به داخل پادگان اشرف علاوه بر حل مشکلات مالی می تواند قشر جوان خانواده را هم جذب و عضوگیری نماید

□ شبی که تصمیم گرفتیم به ایران برگردم زیباترین و خاطره انگیزترین لحظات زندگیم بود نمیدانم چرا آن شب آنقدر طولانی شده بود

□ فرقه تروریستی رجوی روی جوانان و به خصوص نسل دانشجو سرمایه گذاری ویژه ای می کند و روی مشکلات و معضلات جامعه و از جمله بیکاری، گرانی، مشکلات جامعه دانشجویی و خوابگاهها به عنوان سوژه‌های مناسب و جذاب برای فریب و به دام انداختن طعمه هایشان استفاده می کنند

استفاده می کنند. به همین دلیل کاربران جوان در عرصه فضای مجازی می بایست در این زمینه هوشیار باشند و به سرعت به هرکس اعتماد نکنند.

فراق-به نظر شما الان بعد از ۵۰ سال کسی برود در یکی از خیابان های تهران و بگوید من مجاهدین خلق هستم، مردم چگونه با او رفتار می کنند؟

در پاسخ به این سوال باید بگویم این فرقه را می بایست صرفا برای تجربه آموزی و عبرت تاریخی به آزمایشگاه ها سپرد. نسل قدیمی آنها را تروریست و خائن به مردم و میهن می دانند و نسل جوان آنها را نمی شناسند. اعضای جداشده از این فرقه هم به خاطراینکه ساله ا مناسبات ضدانسانی آنها را باگوش و پوست لمس نموده و سرمایه جوانی و عمر خود را بیهوده فدای آن کرده اند، فکرنمی کنم سرمایه افتخارآمیزی در خود سراغ داشته باشند که بخواهند در مقابل افکار عمومی و مردم به عنوان یک هویت مجاهدی به آن ببالند. من به شخصه فکر می کنم جز پوزش و شرمندگی در مقابل مردم ایران، چیزی نداشته باشم. گذشته آنها افتخار آمیز نیست آنچه می توانند به آن ببالند حال و آینده آنها و تلاشی است که برای آزادی دیگر اعضای اسیر به خرج می دهند.

فراق-چطور شد که تصمیم به جدایی از فرقه

فراق-فرقه رجوی آیا هم اکنون هم عضوگیری می کند؟ در مورد ترفند های عضو گیری لطفا توضیح دهید

فرقه با نام و پرچم مجاهدین دیگر هیچ گونه موجودیتی ندارد و صرف نظر از این به دلیل عمق خیانت ها و جنایاتش در حق مردم ایران و بدنامی که گریبان رهبرانش را گرفته دیگر تحت این نام به هیچ وجه نمی توانند پایه عرصه فعالیت های سیاسی و اجتماعی بگذارند زیرا به کلی سوخته اند.

ولی طبق اطلاعاتی ما این فرقه باهویت های مجهول و در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی تلاش کرده است تحت پوش و عناوین جعلی خبرنگاران مستقل، سندیکاهای کارگری، جامعه فارغ التحصیلان مستقل، پژوهشگران مترقی، نسل جوان انقلاب کاربران خود را فریب و جذب نمایند. آنها تا مدتها به هیچ عنوان نامی از فرقه مجاهدین خلق نمی آورند ولی بعد از به دام انداختن طعمه های خود ضمن معرفی هویت واقعی خود آنها را تهدید به ادامه همکاری می نمایند. فرقه تروریستی رجوی روی جوانان و به خصوص نسل دانشجو سرمایه گذاری ویژه ای می کند و روی مشکلات و معضلات جامعه و از جمله بیکاری، گرانی، مشکلات جامعه دانشجویی و خوابگاهها به عنوان سوژه‌های مناسب و جذاب برای فریب و به دام انداختن طعمه هایشان

عقل مسعود رجوی را ربود و درحقیقت زیبایی ظاهری و سرسپردگی محض که به گفته خودش ذوب در رهبری عقیدتی تعبیر می شد مهم ترین علت گزینش او به عنوان جانشینی مسعود بود. تمامی مباحث سیاسی وایدئولوژیکی سطر به سطر و نقطه به نقطه از طرف مسعود به اودیکته می شد و او درحقیقت فقط نشخوارکننده اراجیف مسعود بود و مساله جانشینی او کاملا فرمالیستی است.

فراق-مریم رجوی اخیرا زهرا مریخی را به عنوان مسوول اول و جانشین خود تعیین کرده ، لطفا درباره این انتخاب و شناختی که از زهرا مریخی دارید توضیح دهید

در رابطه با زهرا مریخی چون چندین سال در یک رابطه تنگاتنگ با ایشان کار می کردم ، شناخت کافی دارم. در سال های ۷۳ تا ۷۴ که در ستاد روابط خارجی بودم کل سیستم پشتیبانی تحت عنوان ارکان مسوولیتش با مهدی ابریشم چی بود که شامل روابط خارجی بغداد هم می شد. در آن موقع فرشته یگانه مسوول کارهای دفتری ابریشم چی و زهرا مریخی نفر اجرایی او بود. کار زهرا گرم کردن غذا و بردن چای برای مهدی ابریشم چی بود و چون محدودیت جسمی داشت مسوولیت دیگری به او سپرده نمی شد. به لحاظ ویژگی های فردی هم فاقد تمرکز لازم و توانمندی تشکیلاتی بود. یادم می آید که همیشه در نشست های اجرایی مورد انتقاد قرار می گرفت که نامه ها ارسالی و دریافتی به دفتر را گم می کند. مهم ترین ویژه گی او سرسپردگی مطلق او به مسوولش بود و کورکورانه و بدون اختیار هر دستوری را انجام می داد.

بعد از بحث های کودتای تشکیلاتی موسوم به انقلاب ایدئولوژیکی که فرمانبرداری مطلق و اطاعت کورکورانه تشکیلاتی شاخص صلاحیت تعریف گردید، امثال زهرا مریخی فرصت عرض اندام پیدا کردند و گرچه هیچ گونه پتانسیل بالقوه ای ندارد و صرفا نمایشی است.

نگاهی به جمعیت انداختم مادرم را نیافتم سراغش را که گرفتم غم و اندوهی سنگین وجودم را فرا گرفته بود. او سال ها قبل در آرزوی دیدن من به دعوت حق لبیک گفته بود ولی انبوه بچه هایی که بعد از من متولد شده بودند و در آن لحظه با تمام وجود من را به آغوش گرفته بودند به من می گفتند زندگی ادامه دارد.

فراق- زمان سفر خانواده ها به عراق جنابعلی در آنجا حضور داشتید از نحوه فعالیت تان در کنار خانواده ها و شرایط آن دوران توضیح دهید

من در دو مرحله شاهد حضور خانواده ها در عراق بودم. مرحله اول سال ۸۲ بود که من هنوز در تشکیلات فرقه رجوی بودم. بعد از سرنگونی رژیم مستبد صدام تعداد زیادی از خانواده ها به صورت خودجوش و بعد از سال ها به پادگان اشرف آمدند. تا قبل از آن سیاست سران فرقه حذف خانواده در اذهان اعضا و خاموش کردن آتش احساس و عواطف خانوادگی در قلب و ضمیر در وجود آنها بود.

حتی در مقطع کودتای معروف به انقلاب ایدئولوژیکی نام بردن از خانواده گناه و جرم محسوب گردیده و خانواده عنصر ضد مبارزه از طرف رجوی نامیده شد. اعضا طی سال ها از هر گونه ارتباط با خانواده هایشان محروم بودند ولی بعد از سرنگونی صدام رجوی با دو هدف درب اشرف را به روی خانواده ها در سال ۸۳ گشود.

جمع آوری امکانات مالی و سرکیسه کردن خانواده ها با توجه به اینکه فرقه رجوی بزرگ ترین حامی مالی خود یعنی صدام را از دست داده بود و به شدت به پول نیاز داشت. رجوی با این هدف که باکشاندن خانواده ها به پادگان اشرف و طرح موضوع مشکل مالی اعضا جهت خروج از عراق می تواند آنها را فریب دهد و آنها را به داخل پادگان اشرف کشاند. بعد از عملیات مرصاد باکشته شدن بسیاری از اعضا به شدت با کمبود نیرو مواجه بودند به خصوص اینکه طی آن سال ها نتوانسته بودند عضوی را جذب کنند. رجوی فکری کرد با آوردن خانواده ها به



خانواده، پدر، مادر، خواهران و برادرانم کجا هستند و چرا سال ها از آنها بی خبرم؟ چرا باید دوستانم که خواهان جدایی هستند از زندان های بدنام ابوغریب سر در بیاورند؟ ساعت ها در پشت سیاح های اشرف به این سوالات فکر می کردم تا اینکه یک روز تمامی این ذهنیت ها فروریخت، غل و زنجیرهای عینی و حصار فیزیکی را شکستم و با پیوستن به نیروهای آمریکایی از کلبوس وحشت سال ها رها شدم.

فراق- لطفاً از لحظه ورود به جمع خانواده خود توضیح دهید؟

شبی که تصمیم گرفتم به ایران برگردم زیباترین و خاطره انگیزترین لحظات زندگییم بود، نمی دانم چرا آن شب آنقدر طولانی شده بود. تابه خودم آمدم خودم را در فرودگاه تهران و خاک میهن دیدم. روزهای بعد در سالن اجتماعی، بعد از سال ها دوری بار دیگر خودم را در آغوش خانواده دیدم. یک نسل رفته بودند و چندین نسل جوان دیگر در غیاب من متولد شده بودند. خیلی از آنها را نمی شناختم، اشک شوق در چشمانم حلقه زده بود. زیبایی و عشق به زندگی را با تمام وجود احساس می کردم.

گرفتید؟

آنچه برای آزادی از این فرقه به من کمک کرد این بود که در تمام سال های اسارت، از حضور در این فرقه ناراضی بودم. آخر من از همان روزهای شکل گیری فعالیت های این فرقه و در نهایت برای خوشبختی، سعادت و رفاه مردم به این فرقه پیوستم. در اوج ساده لوحی، غفلت جوانی و با احساس و بدون منطق انتخاب کردم که شعارهای آن ها همان آمال آرزوهای مردم ایران است. با همین نیت خالص و پاک جوانی تمامی عمر و سرمایه جوانی ام را به پای این فرقه ریختم. وقتی به عراق رفتم و مناسبات آنها را از نزدیک لمس کردم به سرابی که در آن گرفتار شده بودم آگاهی یافتم که دیگر خیلی دیر شده بود. به خودم بارها در خلوت خودم نهیب می زدم که در خاک دشمن و درسنگر دشمن چکاری کنم؟ چرا سلاحم را به سمت مردم کشورم نشانه رفته ام؟ چرا باید در قبال موشک باران شهرها و کشته شدن هموطنان بیگناه خوشحال باشم؟ چرا باید وسیله ای برای اسیر کردن سرباز هموطن و تحویل دادن آن به دشمن متجاوز و شاهد شکنجه او باشم؟

داخل پادگان اشرف علاوه برحل مشکلات مالی می تواند قشر جوان خانواده را هم جذب و عضوگیری نماید. با این تصورات خام اجازه داد خانواده ها وارد اشرف شوند. از طرف دیگر سران فرقه روی پایبندی اعضا به انقلاب مریم هم خیلی حساب باز می کردند و فکرنمی کردند دیگر عنصر خانواده بتواند روی آنها تاثیر مثبت بگذارد. مدتی بعد تحت تاثیر دیدار اعضا با خانواده ها عواطف و احساسات سرکوب شده بار دیگر زنده شد و بیش از ۵۰۰ نفر از فرقه جدا شدند. رجوی بعدها ضمن انتقاد از خود گفت اگر می دانستم دیدار با خانواده این میزان بریده روی دست من می گذارد هرگز اجازه نمی دادم درب اشرف را باز کنند. منظور رجوی از بریده جدا شدن اعضا بود. از آن تاریخ به بعد رجوی شعار ملاقات ممنوع را مطرح کرد و دیگر درب اشرف برای همیشه به روی خانواده ها بسته شد.

فراق - جناب آقای اکرامی بیش از یکسال از انتقال فرقه رجوی از عراق به آلبانی می گذرد چشم انداز آینده این فرقه را چگونه می بینید؟

بله به یک سوال مهم و تعیین کننده که ممکن است سوال بسیاری از تحلیل گران و خوانندگان شما درخصوص تحولات و چشم انداز آینده این فرقه باشد اشاره کردید.

برای پاسخ به این سوال اجازه بدهید به قبل از شهریور پارسال برگردیم. رجوی سال ها شعاری داد که خاک عراق کانون اصلی و تنها ظرف ارتش آزادی بخش ملی و مبارزه مسلحانه است.

سلاح ناموس ما و لباس فرم نظامی ارتش آزادی بخش به مثابه شرف ماست. رجوی در یکی از نشست های موسوم به طعمه در سالن اجتماعات پادگان اشرف خطاب به هزاران نفر از اعضای شرکت کننده گفت: روزی که سلاح را زمین بگذاریم، لباس شرف ارتش آزادی بخش را از تن خارج کنیم و خاک عراق و پادگان اشرف را ترک کنیم روز مرگ ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و استراتژیکی ماست.

در آن روز دیگر شرف و آبرویی برای ما باقی

نخواهد ماند و خلق قهرمان و تاریخ ما را لعن و نفرین خواهند کرد.

رجوی تا قبل از کنترل پادگان اشرف توسط ارتش عراق باز هم شعاری داد که «کوه اگر بجنبد اشرف زجانچند!» به راستی چه شد که رجوی تمامی به قول خودش لعنت خلق و تاریخ را به جان خرید. لباس شرف از تن خارج کرد، سلاح و یا همان ناموسش را دو دستی تقدیم امپریالیسم کرد و در یک عقب نشینی مفتضحانه از تمامی شعارهای استراتژیک دست کشید و به آلبانی عقب نشینی کرد!

رجوی همیشه در توجیه مشی مسلحانه و حضور در خاک عراق می گفت این استراتژی ماست. از شعارهای استراتژیک نمی توان دست کشید چون نابودی فیزیکی و سیاسی ما را به دنبال خواهد داشت. حالا این حرف رجوی را در کنار این شعار مریم که عقب نشینی از عراق و حضور در آلبانی را انتقال بزرگ و پیروزی استراتژیک فرقه تحلیل کرد بگذارید تا به عمق دجالیته و عوام فریبی این دو دجال پی ببرید.

البته خانواده های بزرگ ترین نقش را در عقب نشینی رجوی از پادگان اشرف داشتند. همان عنصری که رجوی سال ها تلاش کرده بود در اذهان اعضا دشمن آنها القا نماید.

تجمع و حرکات اعتراضی و تحسن آنها در شرایط گرما و سرمای عراق و به جان خریدن فحش و ناسزا و سنگ پراکنی بالاخره نتیجه داد. خانواده ها پادشاه آن همه صوری رنج و حرمان را گرفتند و نشان دادند نباید کننده ایده های رجوی هستند.

بی دلیل نبود که رجوی از آنها به شدت وحشت داشت. اکنون در آلبانی روزانه خبر جدایی اعضا را می شنویم. ۲۵۰ نفر ظرف یک سال جدا شده اند و نزدیک به همین تعداد، در خروجی فرقه در انتظار جدایی هستند.

تشکل جامعه جداشدگان در آلبانی شکل گرفته و مشغول روشننگری در سطح افکار عمومی مردم و دولت آلبانی هستند.

به دلیل همین تلاش ها کمیساریای سازمان

ملل در آلبانی (رمسا) علی رغم تمامی تهدیدات جانی و قطع مستمری فرقه، موجودیت جداشدگان را به عنوان یک واقعیت به رسمیت شناخته است.

خانواده ها با وجود تمامی مشکلات و موانع قانونی راه آلبانی را باز کرده اند. فرقه رجوی دیگران دست باز را در کشور آلبانی ندارد و از طرفی دیگر تهدیدات و ترندهای یک ساله مریم هم نتوانسته کمترین تاثیری روی اعضای معترض بگذارد.

با در نظر گرفتن تمامی این معادلات می توان امیدوار بود که سیر تحولات به زیان فرقه رجوی است. باید به یاد داشته باشیم شرایط آلبانی با عراق به طور کیفی متفاوت است و در فضای باز آلبانی دیگر نمی توان اعضا را در حصارهای ذهنی و فیزیکی نگه داشت.

فراق - پیام شما به اعضای اسیر و ناآگاه در فرقه چیست؟

اعضایی که سالیان دریند مناسبات فرقه ای بودند و هیچ گونه تماسی با تمدن شهری نداشتند اکنون باشنیدن صدای خنده و گریه کودکان از درون متلاشی می شوند. وقتی به چشم خود می بینند که در خیابان های تیرانا مردی دست همسر و فرزندش را گرفته و از زندگی لذت می برد از خود می پرسند ما چرا نه؟ خوب این مظاهر سرزندگی است. این روابط عاشقانه و کانون گرم خانوادگی چون پتک سنگین بر سر آنها فرود می آید و تمامی رسوبات ضدانگیزی خانوادگی، عشق و عواطف را شکسته و دور می ریزد.

فکر می کنم بالاترین پیامی که من به عنوان یک دوست سابق به آنها بدهم این است که عینک رجوی را از چشم بردارید و برای یکبار هم شده سعی کنید خودتان واقعیت ها را ببینید.

نگاهی به خانواده ها، طبیعت و زیبایی اطراف ببندازید و از خود پرسید چرا من نه؟ به این فکر کنید که با چه هدفی به این فرقه پیوسته اید و اکنون بعد از سال ها در چه نقطه ای هستید و مختصات شما کجاست؟

مریم رجوی و تاکتیک های دروغ رسانه ای در فاکس نیوز

فرزاد رهنما



روز شنبه ۱۳ ژانویه ۲۰۱۸، گزارشی از شبکه خبری فاکس نیوز پخش گردید که پشت پرده آن به مریم رجوی و فریبکاری مجاهدین در تظاهرات اخیر ایران اختصاص داشته است. شبکه خبری فاکس نیوز که از رسانه های زیر مجموعه روبرت مرداک می باشد، یکی از غول های رسانه ای آمریکا است که بشدت از دونالد ترامپ حمایت کرده و خانه رسانه ای جنگ طلبان و محافظه کاران ضد ایرانی محسوب می گردد.

این شبکه در گزارشی که تنها منبع آن کنال های وابسته به مریم رجوی و شبکه چت اینترنتی برخی اعضا و هواداران فرقه در خارج کشور بوده، مدعی شده بطور مستقیم با تظاهر کنندگان در داخل ایران ارتباط برقرار کرده و «معترضان ایرانی ضمن تشکر از دونالد ترامپ خواستار تحریم های قوی علیه ایران می باشند» شبکه خبری فاکس نیوز با اینکه در ابتدا عنوان می نماید به دلیل خطری که مردم را تهدید میکند، نمی تواند هویت و صدای معترضین و تظاهر کنندگانی که با آنها در تماس بوده را فاش نماید، بلافاصله در قدم بعدی اشاره می کند که «آنها از اعضای فرقه رجوی و حامیان شبکه شورای ملی مقاومت به رهبری مریم رجوی هستند که در تظاهرات ضد حکومتی ایران، تصاویر مقامات ایران را پایین کشیده و بجایش تصاویری از مریم رجوی نصب کرده اند. آنها امیدوار هستند تا پایان سال ۲۰۱۸ به ایران فعلی پایان دهند.»

از دیگر دروغ پردازی های شبکه فاکس نیوز علیه مردم ایران، می توان به درخواست تحریم های شدید اشاره نمود که در واقع تکرار سخنان مریم رجوی در اطلاعیه های گوناگونی است که ذیل نام او انتشار یافته است. فراموش نباید کرد که شبکه فاکس نیوز اولین رسانه ای بود که

تماس زنده بوده گفته است: «در سال ۱۳۸۸ اوپاما و دولت آمریکا از معترضان در ایران حمایت نکردند، اما این بار که مردم ایران به اراده خود اعتراض می کنند، آمریکا کنار آنها می ایستد.» در صورتیکه این سخنان مربوط به نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل و جلسه شورای امنیت ۵ ژانویه ۲۰۱۸ بوده که مسعود و مریم رجوی نیز در یکی از پیام ها از آن متن استفاده کرده است.

گزارش جعلی و بدون پشتوانه فاکس نیوز که بنام تظاهر کنندگان ایرانی عضو و هوادار مجاهدین خلق از آنتن این شبکه پخش گردیده، نشان می دهد که دست مریم رجوی و سازمان های تروریستی وابسته به او در خارج کشور، چقدر از صحنه واقعی و مردم ایران کوتاه و بریده است. طوریکه حاضر می شوند با ترفند های رسانه ای و تماس های جعلی از سایر کشورها، حق و حقوق مردم ایران را در یک رسانه ضد ایرانی برابند تا خوشایند ضد ایرانی ترین افراد جهان قرار گیرند.

صراحتاً از قول جنگ طلبان و همکاران آمریکایی و منطقه ای مریم رجوی، خواستار بمباران شهرها، و تحریم نفتی - بانکی ایران شده بود. جان کری وزیر خارجه پیشین آمریکا در یک افشاگری اعلام کرده بود: «قبل از آن که در سال ۲۰۱۵ توافق اتمی با ایران را امضا کنیم، برخی از شخصیت های آمریکایی و سازمان های خشونت طلب ایرانی، کشورهای اسرائیل، مصر و عربستان سعودی از ایالات متحده خواستند ایران را بمباران کند.»

این رسانه محافظه کار که مریم رجوی و فرقه رجوی را بعنوان آلترناتیو معرفی نموده و تظاهر کنندگان را اعضا و هواداران مجاهدین خلق می داند، در گوشه ای دیگر از گزارش خود مدعی شده است بیش از ۸۰۰۰ نفر از تظاهر کنندگان دستگیر شده و اکثر آنها در آستانه اعدام قرار گرفته اند.

رسانه دروغ پرداز فاکس نیوز در یک فریبکاری مطلق، ظاهراً از زبان مردمی که در حال تظاهرات در تهران بوده اند و با آنها در

آخرین اخبار از وضعیت نجات یافتگان از فرقه رجوی در آلبانی همه نجات یافتگان به این نتیجه رسیده اند که می شود فرقه رجوی را شکست داد

زینال شهیدی



● مقر منافقین در آلبانی

موضوع با کمیساریا فریب فرقه رجوی را بخورد و به شرایط قبل برگردد باید بداند که دیگر جایی در میان جامعه نجات یافتگان در آلبانی نخواهد داشت و به عنوان عامل فرقه شناخته و ترد خواهد شد.

این مستمری پناهندگی که کمیساریا می دهد فقط پول خانه، آن هم در صورتی که چند نفر با هم شریک شوند، و خوراک حداقل می شود. یعنی پول پوشاک و خرجهای دیگر را کفاف نمی دهد و در اینجا حتی کمیساریا هم حق نفقات را تمام و کمال نمی دهد و هنوز هم با فرقه همدستی می کند و نجات یافتگان را تحت فشار قرار می دهد و سعی می کند شرایط را به حالت قبل برگرداند.

برای نمونه الان در زمستان هستیم و دمای هوای اینجا به زیر صفر هم می رسد. بعضی شبها

همین می ترسد و وحشت دارد. او هرگز تصور این را نمی کرد که نجات یافتگان بتوانند همه با هم متحد شوند و این تو دهنی را به او بزنند که در هفته های بعد خبرهای خوبی به شما خواهیم رساند.

استیصال فرقه رجوی را ببینید به کجا رسیده که الان دنبال جداسدگانی که می خواست اقرارنامه خیانت امضاء کنند افتاده که حاضر است بیشتر هم بدهد اما شرایط به صورت قبل باشد. ولی جداسدگان گفته اند که حاضرند کمتر بگیرند ولی زیر بار منت و زیر یوغ فرقه رجوی نروند.

نجات یافتگان غیرت به خرج دادند و اتحاد خود را حفظ نمودند و خیانت نکردند و پیشنهاد فرقه را پس زدند. اما لازم به ذکر است که اگر احيانا هر کس به هر دلیل بعد از حل شدن

در جریان هستید که نجات یافتگان توانستند با اتحاد و همبستگی و با مقاومت خود فرقه رجوی را ناکام بگذارند و قرار شد مستمری پناهندگی خود را از کمیساریا بگیرند که از این ماه به احتمال فراوان پول نفقات از جانب کمیساریا به حسابشان واریز خواهد شد. این تو دهنی بزرگی به مریم رجوی بود که اصلا چنین شکست خفت باری را تصور نمی کرد.

این کار باعث می شود که نفقات داخل فرقه رجوی هم دیگر ترسی از بابت اینکه مستمری پناهندگی را بعدا فرقه ندهد نداشته باشند و به راحتی جدا شوند و این دیگر مسئولیت و وظیفه ما است که نفقات داخل را آگاه کنیم و با حقوق خودشان آشنا گردانیم.

شکی نیست که ریزشها دوباره با سرعت بالایی آغاز خواهند شد و مریم رجوی هم از

ناچیز کمیساریا زندگی کنیم ولی به پول فرقه رجوی که نجس و حرام است نزدیک نشویم که این نشان دهنده عزم جزم نفرات و اراده راسخ آنان برای ادامه مبارزه شان از طریق مجاری قانونی است.

الان همه نجات یافتگان به این نتیجه رسیده اند که می شود فرقه رجوی را شکست داد و ترس های گذشته فرو ریخته اند. همه می دانند که اگر با هم متحد شویم و سختی را به جان بخریم و تسلیم نشویم پیروز خواهیم شد. این همان چیزی است که فرقه رجوی از آن به شدت هراس دارد.

ما با تلاش و پشتکار خود حتی می خواهیم که نفرات داخل تشکیلات که در اسارت این فرقه مخوف هستند را هم نجات دهیم چون آنها تمام امیدشان به ما هست و ما هم به خانواده ها قول می دهیم که از سرما و گرما و کم پولی و تهدیدهای فرقه نترسیم و روحیه خود را حفظ کنیم و به پیش برویم.

من سعی می کنم که هفته ای یکبار وضعیت نفرات در آلبانی، چه جدا شده و چه نفراتی که هنوز در فرقه رجوی اسیر هستند را برای شما شرح بدهم تا عزیزان و خانواده ها از وضعیت فرزندان شان آگاه باشند و لازم است بگویم که بعضی مواقع حرفهای نادرستی هم در برخی سایت ها گفته می شود که پایه و اساسی ندارد. امیدوارم که روزی خانواده های محترم بتوانند عزیزان خود را در آغوش بگیرند و می خواستم به خانواده های این عزیزان در بند بگویم که خیالتان راحت باشد، ما موانع را کنار می زنیم، همانطور که موانع اصلی را کنار زدیم بقیه را هم کنار می زنیم، که فرزندان را روزی در کنار خود ببینید.

این قول تمام جدا شده ها در آلبانی است.

■ الان همه نجات یافتگان به این نتیجه رسیده اند که می شود فرقه رجوی را شکست داد و ترس های گذشته فرو ریخته اند. همه می دانند که اگر با هم متحد شویم و سختی را به جان بخریم و تسلیم نشویم پیروز خواهیم شد. این همان چیزی است که فرقه رجوی از آن به شدت هراس دارد

■ ما با تلاش و پشتکار خود حتی می خواهیم که نفرات داخل تشکیلات که در اسارت این فرقه مخوف هستند را هم نجات دهیم چون آنها تمام امیدشان به ما هست و ما هم به خانواده ها قول می دهیم که از سرما و گرما و کم پولی و تهدیدهای فرقه نترسیم و روحیه خود را حفظ کنیم و به پیش برویم

سیاسی است که البته این فشارهایی است که فرقه منحوس رجوی از طریق مزدورانش در کمیساریا ایجاد می کند. حالا که خودش نتوانست مستمری ها را کم کند و تعهد بگیرد با همدستی کمیساریا فشار می گذارد. ما هم به تلاش و مقاومت خودمان ادامه می دهیم و کوتاه نخواهیم آمد. وضعیت نفرات به این گونه است که البته مسبب اصلی آن مریم رجوی و فرقه اش است. تعداد نفرات زیادی هم سرمای شدیدی خورده اند ولی باز با این که وضعیت از لحاظ مالی از قبل هم بدتر شده ولی همه نفرات بدون استثناء گفته اند که حاضریم با این مقدار پول

افراد به خاطر اینکه پول برق زیاد می شود نمی توانند گرمایش مطلوب را داشته باشند و شبها نفرات با دو پتو و چند لباس روی هم می خوابند. خیرهایی از نفراتی که در هتل کمیساریا زندگی می کنند رسیده که مسئول کمیساریا رفته و در هر خانه که سه شوفاژ بوده (شوفاژ کوچک برقی) دو تا از آنها را به زور برده که گفته پول برق زیاد آمده و باید شما در هر خانه ۱۰۰ متری که اسم هتل روی آن گذاشته اند با یک شوفاژ زندگی کنید. کمیساریا هجمه کرده و شوفاژهای به قول خودشان اضافی را برده اند. این کار ضد حقوق بشری علیه پناهندگان

پیامی از لجن زار



■ طنز روزگار اینکه قاتلان و تروریست های دیروز و کسانی که با بمب و گلوله مردم را می کشتند و سربازان ایرانی را در مرزها به شهادت می رساندند، امروز می خواهند خود را حامی حقوق بشر و مردم دوست جا بزنند

■ ماهیت این فرقه تروریستی است و هر قدر هم به خودشان رنگ و لعاب های حقوق بشر زده و با ترفندهای غربی خود را بزرگ کنند باز تروریست هستند که هستند و از این کوزه شکسته در حال نابودی (فرقه تروریستی رجوی) همان تراود که در هنگام ترورهای کورمی تراوید

دیدن جنایت ها و خیانت های رجوی از این فرقه جدا شده است.

حال این پاچه خوار، خوی جنایت کارانه و تروریستی فرقه رجوی را بهتر مشخص کرده و تعدادی از مخالفان ملت ایران در خارج از کشور را که در حوادث اخیر با فرقه تروریست هم نظر نبودند را در مطلبی با عنوان «اسلحه خلق ما به سینه خائنان همیشه غرنده باد : پاسخ من به همه خائنان در خارجه» که در سایت های فرقه انتشار داده شده، به کشتن و ترور تهدید نموده است .

رجوی های تروریست نمی توانند دست از ماهیت تروریستی و خشونت طلب خود بردارند حتی اگر با غلیظ ترین انواع بزک های حقوق بشری غربی ضرورت خود را پوشانده باشند.

انجمن نجات مرکز مازندران

می تراوید.

یکی از بینه هایش فردی به نام محمد اقبال است که در تشکیلات فرقه به تن لش معروف بود . به دلیل اینکه او در پاچه گیری دیگران چیزی کم نمی گذاشت و همزمان به پاچه خواری رجوی ها می پرداخت و تنها جایی که او حال و انرژی انجام کاری را داشت، در نشست های عملیات جاری بود که اعضای دیگر را سرکوب می کرد یا در نشست های رجوی ها که به مجیزگویی های تهوع آور می پرداخت.

حاصل این اقدامات کثیف این بود که رجوی ها او را به پاریس بردند. نامبرده در آنجا هم دست از سرکوب دیگران بر نمی دارد. یکی از کسانی که مورد توهین های بی شرمانه او قرار گرفته خواهر خودش یعنی خانم عاطفه اقبال می باشد که وی نیز سالها عضو فرقه بود اما با

به دنبال اتفاقات ماه گذشته فرقه در گل مانده رجوی و شخص در گور یا سوراخ موش مانده رجوی، بر اساس شعار محوری خودش یعنی «تغاری بشکند ماستی بریزد جهان گردد به کام کاسه لیسان» برای کاسه لیسای سراز قبر در آورده و قصد بهره برداری دارد.

طنز روزگار اینکه قاتلان و تروریست های دیروز و کسانی که با بمب و گلوله مردم را می کشتند و سربازان ایرانی را در مرزها به شهادت می رساندند امروز می خواهند خود را حامی حقوق بشر و مردم دوست جا بزنند.

اما ماهیت این فرقه تروریستی است و هر قدر هم به خودشان رنگ و لعاب های حقوق بشر زده و با ترفندهای غربی خود را بزرگ کنند باز تروریست هستند که هستند و از این کوزه شکسته در حال نابودی (فرقه تروریستی رجوی) همان تراود که در هنگام ترورهای کور

مریم رجوی مثل مار زخم خورده به خودش می پیچد ارتباط جدا شده ها با اسیران برای فرقه قابل تحمل نیست

محمد هاشمی



ریختگی بیشتر در تشکیلات او می شود. البته خبر رسیده که مریم هم سراسیمه برای فرماندهان نیرویی پیام فرستاده که با توجه به اینکه افراد جدا شده دستشان برای رابطه با افراد درون فرقه باز شده، لذا فقط ترددات ضروری و پزشکی به شکل خیلی محدود با نفر همراه از لایه های بالا مجاز است.

ما نجات یافتگان به مریم رجوی گفته بودیم که روزی روی سرت آوار می شویم، حالا دیدی که ما صحنه را بردیم، حالا نوبت ماست که با دست باز افراد اسیر در فرقه را آگاه سازیم و آنها را از زیر یوغ تو رها بکنیم. محدودیت در تردد هم چاره کار مریم رجوی نیست چون کلا دوران این تشکیلات فرقه ای به پایان رسیده و همه مشاهده می کنند که در حال اضمحلال است.

تا همه بدانند که حرفهای رجوی برای جلوگیری از جداسدن چقدر فریبکارانه است.

الان در درون فرقه رجوی تعداد زیادی خواهان جدایی هستند. فرقه تابه حال از حربه مستمری استفاده می کرد و آنها را می ترساند و به افراد از دنیا بی خبر گفته بود که هر کس فرار کند، یا خارج از کادر ما تنظیم و اقدام نماید، هیچ مستمری به او داده نمیشود و باید در پارک بخوابد و از گرسنگی بمیرد.

ما هم برای کمک به دوستانمان برای آزادی از تشکیلات در هر کجا به آنها اطلاع می دهیم که بدانند دیگر ترس نداشته باشند و مستمری دادن اعضا کنار رفته و مستمری را کمیساریا بدون قید و شرط می دهد.

مریم رجوی بهتر از هر کس دیگر می داند که این موضوع باعث ریزش نیرو و به هم

بنا به خبر موثقی که یکی از دوستانم در داخل فرقه رجوی به ما داد موضوع از این قرار است که از آنجا که کمیساریا قول داده که مستمری ماهانه افراد جدا شده از فرقه رجوی را مستقیما هر ماه به حسامان بریزد، و ما هم دیگر حاضر نشدیم مستمری با هزار تحقیر و تهمت از فرقه بگیریم، فرقه رجوی به وحشت افتاده است که مبادا دست ما برای افشاگری باز شود.

فرقه می داند که ما با برخی از دوستانمان که هنوز در تشکیلات رجوی اسیر هستند ارتباط داریم. این برای مریم رجوی و تشکیلاتش قابل تحمل نیست و مثل مار زخم خورده به خودش می پیچد.

مریم رجوی خوب می داند که ما دستمان بازتر شده و تمام دروغهایی که رجوی در درون تشکیلات به خورد افراد می داد را فاش میکنیم

زندگی اعیانی مریم رجوی در کاخ های مجلل و زندگی نباتی اعضای اسیر فرقه در سوله !



نوساخته رجوی است یا خودنمایی رهبران مارمولک آنها و یا دفاع از ملت ایران؟
مریم قجر همچون مترسک برای مهمان های اسقاطی و وامانده خرج می کند تا شاید بتواند جنایت های خود را لاپوشانی کند.
البته ملت بزرگ ایران پاسخ این فرقه را به خوبی داده اند و برای خودشان هم ثابت شده است که ایران محل جولان کفتاران و کرکسان پیر و وامانده نیست.

زندانیان ۳۰ ساله در قلعه های الموتی این فرقه تمام هستی و جوانی خود را در پای آرمان های رهبران فرقه نابود کردند؟
این مهمان های جیره خوار که جمع هستند آیا از وضعیت فعلی اسیران در زندان آلبانی، مجتمع تیرانا و «اشرف سه» اطلاعی دارند؟
این هزینه ها و ریخت و پاش از کجا تامین می شود تا این مگس وزن، سرپا باشد؟
هدف از این برنامه ها رونمایی از قلعه های

مریم رجوی در حالی که در تمام دنیا برای خود کاخ های مجلل و اعیانی ساخته ، در آنجا زندگی و با غرور سخنرانی می کند، اعضای اسیر فرقه را در سوله های انبار مانند زندانی کرده است.
سوال بزرگ اینجاست که چرا مریم قجر در این چنین نشستها و اجلاس ها اعضای خود و عزیزان اسیر خانواده ها را شرکت نمی دهد؟
آیا پذیرایی از مهمان ها واجب است یا

شیوه های فریب فرقه رجوی برای جذب اعضای جدید در فضای مجازی



جنگ طلبان امریکایی و پول های پاک و طیب شیوخ سعودی دردمان زدن به خشونت و به انحراف کشاندن حرکت های اعتراضی و مسالمت آمیز مردمی و به خصوص به آتش کشاندن مراکز تجاری و اداری واز همه مهم تر پرچم این نماد استقلال و هویت ملی مردم صف خود را از این مزدوران جدا کردند .

سرکردگان فرقه رجوی که در صحنه اجتماعی در محقق کردن خواسته های نامشروع خود و اربابانشان طرفی نیستند به فضای مجازی روی آورده اند. آنها طی هفته های اخیر ده ها نفر از اعضا و وابستگان خود را در فیس بوک به کار گرفته و با ساختن اکانت هایی با هویت جعلی سعی دارند آنها را در قالب شهروندان عادی جا زده و شروع به جذب نیرو نمایند. استفاده از عکس های عادی در پروفایل ها و آیدی های

در تهیج نسل جوان و به کارگیری نیروهای فریب خورده خودی برای به خشونت کشاندن تظاهرات مسالمت آمیز مردم و سوء استفاده از کشته شدگان احتمالی بخشی از نقشه های راهبردی سرکردگان این فرقه ضد ایرانی بود.

در چنین فضایی بود که یک بار دیگر لاشه متعفن مسعود رجوی که سالها پیش توسط ترکی فیصل در جریان میتینگ این فرقه در پاریس و در حضور مریم قجر عضدانلو کفن پوش و مدفون شده بود بار دیگر نیش قبر و اطلاعیه هایی از جانب وی داده شد. جالب اینجاست در حالی که سرکردگان این فرقه در بوق و کرنا کرده بودند که شرایط سرنگونی فرا رسیده و جمهوری اسلامی از این بحران راه خروجی نخواهد داشت باز از انتشار پیام تصویری و یا صوتی رجوی خوداری کردند. ولی بعد از افشای نقش

علی اکرامی نوشت: فرقه ارتجاع رجوی طی هفته های اخیر ده ها نفر از اعضا و وابستگان خود را در فیس بوک به کار گرفته و با ساختن اکانت هایی با هویت جعلی سعی دارند آنها را در قالب شهروندان عادی جا زده و شروع به جذب نیرو نمایند.

در جریان حرکت های اعتراضی مردم در هفته های اول دیماه که به منظور دست یابی به مطالبات مشروع و در شکل کاملا مسالمت آمیز صورت گرفت فرقه آزادی کش رجوی همانند هرسرزننگاه تاریخی در منتهی فرصت طلبی سیاسی و در راستای مطرح کردن و عرضه کردن خود به سردمداران جنگ طلب حاکمیت امریکا و شیوخ مرتجع و وابسته منطقه و با چراغ سبز آنها وارد معرکه شد .

استفاده از شیوه های روحی و روانی و تبلیغی

■ سرکردگان فرقه رجوی در محقق کردن خواسته های نامشروع خود و اربابانشان به فضای مجازی روی آورده اند

■ آنها طی هفته های اخیر ده ها نفر از اعضا و وابستگان خود را در فیس بوک به کار گرفته و با ساختن اکانت هایی با هویت جعلی سعی دارند آنها را در قالب شهروندان عادی جا زده و شروع به جذب نیرو نمایند

■ استفاده از عکس های عادی در پروفایل ها و آیدی های دختران و زنان با پوشش هایی که قابلیت جذب بالا برای نسل جوان پسر و دختران دارد و همچنین کامنت گذاشتن سیاسی زیر پست های عادی بخشی از این شیوه های فریب فرقه رجوی برای جذب اعضای جدید است

اعضای معترض و خواهان جدایی وعده داده اند که چند ماه دیگر صبر کنید در صورت محقق نشدن سرنگونی می توانند جدا شوند. این وضعیت بخوبی نشان می دهد که تلاش های مذبحخانه سران فرقه در فضای مجازی در حقیقت سرپوشی بر بحران های عمیق تشکیلاتی در آلبانی است. آنها به خوبی می دانند که در عرصه اجتماعی هیچ پایگاه و مشروعیتی بین مردم ایران و نسل جوان و فرهیخته ندارند به همین دلیل همانند دزدان شب در فضای مجازی و در قالب هویت مجهول به فریب و شکار جوانان اقدام می کنند فارغ از اینکه این یک توهم کودکانه ای بیش نیست و این کوتوله های به استخدام درآمده به هیچ وجه نمی توانند حتی یک ایرانی را فریب دهند و به کارگیری این شیوه های بارها منسوخ شده دردی از فروپاشی آنها در آلبانی علاج نمی کند.

مریم رجوی که به دنبال افزایش روند جدایی اعضا در باتلاق آلبانی دست و پا می زند و حتی انتقال اجباری اعضا به اسارتگاه اشرف سه هم نتوانسته دردی از هزاران درد لاعلاج او را درمان نماید برای انحراف اذهان عمومی و به خصوص اعضای معترض و خواهان جدایی در آلبانی تصمیم گرفت افکار عمومی را متوجه بحران های ساختگی و جعل واقعیت های داخل ایران نماید. طبق اخبار دریافتی از اشرف سه سرکردگان فرقه به دستور مریم برای مقابله و لاپوشانی اعتراضات اعضا به شرایط نابسامان زندگی در اشرف سه برگزاری نشست های سیاسی وایدئولوژیک تحت عنوان ضرورت آمادگی صد درصدی در مرحله سرنگونی را در دستور کار قرار داده است تا به اعضا القاء نماید که ظرف چند ماه آینده ایران سرنگون خواهد شد. مسئولین فرقه حتی از قول مریم رجوی به

دختران و زنان با پوشش هایی که قابلیت جذب بالا برای نسل جوان پسر و دختران دارد و همچنین کامنت گذاشتن سیاسی زیر پست های عادی بخشی از این شیوه های فریب فرقه رجوی برای جذب اعضای جدید است. البته نسل هوشیار و جوان و مردم ایران که طی سالیان با خیانت ها و جنایت های سران این فرقه آشنا و از آنها به شدت متنفر هستند فریب آنها را نخورده و در یک اقدام خود جوش با شرکت هزاران نفر و هشتک مریم رجوی خفه و گمشو مژدور مشت محکمی بر دهان آنها زده اند و نشان دادند مردم ایران خیانت های سران این فرقه و مزدوری آنها را در حق خلق و میهن فراموش نکرده اند. آنچه در جریان حوادث اخیر به خوبی برای افکار عمومی جهانیان و حتی اربابان این فرقه مشخص شد این بود که در تمامی صحنه ها حتی یک شعار در حمایت از آنها داده نشد.

گفت و گوی اختصاصی و تفصیلی فراق با محمد اکبرزاده، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی:

خانواده ها با پشتیبانی جدا شده ها در کشورهای حامی فرقه می توانند افشاگری کنند

سایت فراق صدای همه خانواده های دردمند و چشم انتظار اسیران فرقه رجوی است
خانواده ها با دست خالی دژ رجوی را نابود کردند



فرزند بود ولی همیشه می گفت خانواده اصلی من شما هستید که در کشور بیگانه به دنبال عزیزان گم شده خود می باشید.

در کل باید گفت مسئولیت پذیری و حس همدردی ایشان در بین خانواده ها در اشراف بی نظیر بود که قابل توصیف نیست. به این بهانه پایگاه خبری - تحلیلی فراق گفت و گویی با ایشان انجام داده که در ادامه می خوانید:

های اردوگاه اشرف را داشت و در اسکان خانواده ها، مدیریت در امور خرید و بقیه مسائل همکاری های لازم را به عمل می آورد.

اکبرزاده به دنبال برادر ربوده شده خود به عراق آمده بود و خود مردی دردمند و زخم خورده روزگار که با تعصب خاصی حامی خانواده ها بود. البته او چندین بار در اثر فشار کار در بیمارستان پادگان ارتش بستری نیز شد. هر چند وی خود متاهل و صاحب خانه، زندگی و دو

خانواده های اسیران فرقه رجوی مخزنی از رنج ها و درد ها هستند. برخی از این خانواده ها سال هاست که شب و روز برای دیدار با عزیزان خود تلاش می نمایند. محمد اکبرزاده، یکی از این خانواده ها می باشد که با روحیه صبورانه و مهربان خود در چهارسال تحصن خانواده ها در اشرف، شریک غم خانواده ها شد و تلاش های فراوانی انجام داد. وی در آن زمان مسئولیت حفاظت از درب

فراق - لطفا خودتان و اعضای خانواده خودتان را معرفی کنید؟

اینجانب محمد اکبرزاده فرزند اسفندیار اکبرزاده می باشم ابتدا از فرصتی که به من داده شد تشکر و قدردانی می نمایم.

فراق - برادران چگونه وارد فرقه رجوی شد؟

برادرم عیسی اکبرزاده برای کار به کشور ترکیه سفر کرد. مدت طولانی بود که وی در ترکیه مشغول کار بود و وهر ازگاهی برای دیدن خانواده به ایران می آمد و مدتی پیش خانواده می ماند و دوباره به کشور ترکیه می رفت ولی متأسفانه در آخرین سفرش به دام دلالان فرقه رجوی گرفتار شد.

آنها ابتدا طی سناریویی از قبل تعیین شده پاسپورتش را دزیده بودند و بعد به عنوان دوست وارد شده و عنوان نمودند که ما کمکت می کنیم. فقط کافی است مدتی با ما باشی هم برایت کار وهم اقامت و ویزای هرکشوری که خودت بخواهی فراهم می نمایم. نوکرهای رجوی متأسفانه برادرم را به طور قاچاق از کشور ترکیه خارج کرده و به زندان اشرف بردند. برادرم عیسی به هیچ عنوان انسان سیاسی ویا تفکر سیاسی نداشت و وابسته به هیچ گروه و حزبی نبود.

فراق - شما چگونه از اسیری وی خبردار شدید؟

آخرین باری که برادرم تماس گرفت گفت من مدتی برای یک دوره آموزشی به جایی می روم ومدتی نمیتوانم با شما تماس بگیرم به محض اینکه شرایطم مشخص شد با شما تماس می گیرم . متأسفانه از تاریخ ۱۶ اردیبهشت ماه ۸۰ به مدت یکسال و اندی هیچ تماسی نداشت و در این مدت من از همه مراجع قانونی استعلام گرفتم از جمله وزارت امور خارجه ترکیه که ورود ثبت شده بود ولی خروج نداشت. از بیمارستان های ترکیه، زندان های ترکیه و افرادی که در چند ماه اخیر فوت کرده بودند استعلام گرفتم ولی هیچ رد و نشانی از وی نبود .

از صلیب سرخ جهانی، پلیس اینترپل هم استعلام گرفتم ولی متأسفانه باز خبری نشد.

بعد از مدت یکسال از نهادهای امنیتی شهرمان با بنده تماسی گرفته شد و من حضوری مراجعه نموده در آنجا بود که متأسفانه متوجه شدم برادرم گرفتار فرقه تروریستی رجوی شده است.

فراق - واکنش پدر و مادران به این موضوع چه بود؟

متأسفانه این خبر برای پدر ومادرم شوک بسیار سنگین و وحشتناکی بود . پدرم تحت هیچ شرایطی قبول نمیکرد که عیسی مهربان ما جذب یا عضو چنین گروه بی رحم شده باشد. مدتها پدر و مادرم در خانه خودشان را محوس کرده بودند و بیرون نمی رفتند حتی اگر مهمانی می آمدم می گفتند بگوئید ما نیستیم.

فراق - از خصوصیت های اخلاقی برادر خود بگوئید؟

برادرم عیسی واقعاً مهربان ودلسوز بود. او درکار هنر پیشگی وتئاتر فعالیت داشت. عیسی بسیار شاد و پر از انگیزه و امید بود. ولی چون نتوانستیم کاری برایش پیدا کنیم به ناچار به کشور ترکیه رفت.

فراق - آیا با برادران بعد از ورود به فرقه گفت و گویی داشتید؟

بعد دوسال از اولین گفت و گویم با وی در مهرماه سال ۸۲ در اشرف بود که بعد از مشکلات فراوان توانستم چند دقیقه ایی در پارک اشرف با برادرم تنها صحبت کنم ولی هیچ تماسی در این مدت با ما نداشت چون به طور کل فرقه همچین اجازه ای به نفرات نمی داد مگر اینکه قصد ونیتی به نفع خودش داشته باشد.

فراق - لطفاً از تصمیم سفرتان به عراق و اتفاق های خاصی که آنجا افتاد بگوئید؟

از آنجائیکه من وابستگی شدیدی به برادرم دارم وشناخت خیلی محدودی از فعالیت های سازمان داشتم نمی خواستم برادرم در جمع آنها باشد تصمیم گرفتم که به هر قیمتی شده برادرم

را از آن جهنم نجات دهم.

در اسفندماه سال ۸۸ از طریق انجمن نجات من وتعدادی از خانواده های استان قزوین به عراق و از آنجا به اشرف رفتیم. دیدم خانواده های دیگری در آنجا حضور دارند که از استان های مختلف برای دیدن فرزندانسان پشت درب های اشرف آمده وتحصن کردند. از جمله کرمانشاه ، تبریز، اردبیل و ... تعدادی مادر، برادر، خواهر همگی با حداقل امکانات در انتظار چند دقیقه ملاقات حضوری با فرزندانسان التماس و گریه می کردند ولی متأسفانه سران فرقه رجوی بی تفاوتی و با برخورد های توهین آمیز برخورد می کردند.

آنجا بود که تصمیم گرفتم با تمام وجودم تا آخرین لحظه و برای تک تک اسیران بمانم ومبارزه کنم اما اتفاقاتی که در زمان حضور ما خانواده ها در اشرف افتاد باید بگویم هر لحظه حضور در اشرف خاطره بود.

اولین سال نوبی که ما در اشرف بودیم عید ۸۹ بود. افسران عراقی گفتن احتمال دارد که برای شب عید سران فرقه موافقت کنند که فرزندانان به دیدار شما بیایند و ما خیلی خوشحال شدیم. در انتظار ملاقات با فرزندانمان بودیم ولی متأسفانه تعدادی از نفرات فریب خورده را به نزدیکی در ورودی که بعدها معروف به باب الاسد شد فرستادند وتا پاسی از شب به فحاشی وتهدید سپری شد. من در چهره مادرانی که در جمع ما بودند دنیایی از غم و ناامیدی را می دیدم. به این صورت مبارزه ما خانواده ها و سران فرقه تروریستی رجوی شروع شد و این اتفاق بارها در اشرف تکرار شد. ما با دست خالی وآنها با تمام قدرت و توانشان در مقابل خانواده ها. ما با حداقل امکانات فقط تصمیم داشتیم. صداهایمان را به گوش فرزندانمان برسانیم. مقاومت می کردیم سران فرقه در شعارهایشان می گفتند ما مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم در صورتیکه ما قصد جنگیدن نداشتیم. ما فقط می خواستیم چند دقیقه ای آزاد و به دور از



فرقه با دستگاه هایی مخصوص روی صداهای خانواده ها پارازیت ایجاد می کرد

یگانه بود. ما خانواده ها بسیار خوشحال شدیم و کم کم این روند ادامه پیدا کرد یک نفر، دوفنر و همچنان این فرار ادامه دارد.

فراق - به نظر شما خانواده ها در حال حاضر برای رهایی عزیزان خود چه تلاشی می توانند انجام دهند؟

به نظر من خانواده ها باید همچنان در صحنه باشند و به فعالیت خود ادامه دهند. البته خانواده ها با فعالیت و از خود گذشتگی خود قبلا در اشرف وحتى لیبرتی نهایت تلاش و فعالیت خود را انجام داده اند و ثابت کردند که حتی برای آزادی عزیزانشان حاضرند از جان خود هم بگذرند. به نظر من فعالیت خانواده ها با همکاری و پشتیبانی مسئولین جواب و نتیجه می دهد چون اکنون اسیران ما هزاران کیلومتر از ما دور هستند و تنها کاری که ما می توانیم انجام دهیم ادامه افشاکاری علیه جنایت ها و خیانت های فرقه تروریستی رجوی است. اگر ما خانواده ها امکان حضور در آلبانی را داشته باشیم این کار باعث تضعیف فرقه در موقعیت جدیدش در آلبانی خواهد شد.

فرمانده هان عراقی می آوردند گاهی ما را محدود و حتی تهدید می کردند.

فرقه به جایی رسیده بود که در نشست ۳۰ خرداد خودش در ویدئو کنفرانسی که داشت به اعضا می گفت خانواده ها آمده اند و دستشان را روی گلولی ما گذاشته اند و داریم خفه می شویم و از نفرت خود راهکاری خواستند. اینجا بود که خانواده ها توانستند با دست خالی فرقه را به جایی برسانند که تسلیم شده و طی قراردادی که با دولت عراق منعقد شد به شکلی از دست خانواده ها فرار کرده و به پادگان لیبرتی نقل مکان کرد.

یکی از شرط های فرقه این بود که دیگر خانواده ها حق آمدن به لیبرتی را نداشته باشند. ما هر روز قوی و قوی تر می شدیم و از اطلاعات و خبرهایی که از خود نفرت جدا شده می گرفتیم به افشاکاری پرداختیم. به این شکل بود که اسیران فرقه در داخل اشرف متوجه شدند که سران فرقه تا چه اندازه به آنها خیانت کرده اند و کم کم نفرت شروع به فرار و نجات خود شدند. یادم هست اولین نفری که فرار کرد ایمان

سران و فرمانده هان فرقه رجوی چند دقیقه ای با فرزندانمان صحبت کنیم. بعد از مدتی ما توانستیم بلندگویی داشته باشیم تا با آن داد و فریاد بزنییم و صحبت کنیم.

اعضای فریب خورده فرقه تروریستی با نصب بلندگوها در بالای درختان و پشت بام ها مانع رسیدن صدای خانواده ها به اسیران زندانی در اشرف می شدند.

آنها بلندگوهای متعددی را مقابل ما روشن کردند تا صدای ما به گوش فرزندانمان نرسد ولی ما خانواده ها نا امید نشدیم و همچنان به کار خود ادامه دادیم.

این مقاومت ما باعث شد تا خانواده ها از شهرهای دیگر به جمع ما بپیوندند و ما چند خانواده با هم تصمیم گرفتیم تا پایان راه و برچیده شدن اشرف در آنجا بمانیم و به شکلی این تحسن را حفظ کنیم.

فراق - وقتی در اشرف ماندید آنجا چه کارهایی می کردید؟

بعد از اینکه من در شرایط مکانی اشرف قرار گرفتم و وضعیت تاسف بار و غم انگیز اسیران را در اشرف دیدم دیگر به نجات شخص خاص مثل برادرم فکر نمی کردم من برای آزادی ورهایی تک تک اسیران فرقه فکر و تلاش می کردم و این عقیده همه خانواده هایی که به طور ثابت فعالیت داشتیم بود.

کار ما هر روز صبح بعد از نماز شروع می شد و به جلوی درب می رفتیم، خودمان صحبت می کردیم. خاطرات و افشاکاریهای جدا شده ها را پخش می کردیم و گاه صدای خانواده هایی که به دلیل مشکلات قادر به حضور در اشرف نبودند را پخش می کردیم.

حضور خودمان را با طبل به عزیزانمان خبر می دادیم تا جائیکه از دستهایمان خون جاری می شد و این کار تا پاسی از شب ادامه داشت. ما تصاویر اسیران اشرف را در سرتاسر درب ورودی نصب می کردیم و با مخالفت فرمانده هان قرارگاه مواجه می شدیم و آنها با فشارهایی که به

فراق - دلنگ برادران می شوید چه چیزی آرامتان می کند؟

من خیلی تنها شدم. بعد از اسارت برادرم مدتی بعد پدر و مادرم را از دست دادم. تنها چیزی که به من آرامش وانگیزه می دهد همان فعالیت ها و تلاش من در اشرف بود. چون به نظر خودم نهایت تلاشم را برای نجات برادرم انجام دادم. شاید برادرم به دلایل مختلف نجات پیدا نکرده و آزاد نشده ولی شکر خدا صدها نفر و شاید بیشتر از برادران و خواهرانم آزاد شدند و اکنون در جمع کانون خانواده شان در حال زندگی هستند و این مرا آرام می کند.

فراق - وضعیت فعلی فرقه رجوی را در آلبانی چگونه می بینید؟

فرقه رجوی در آلبانی به آخر خط رسیده، هرچند نشست هایی برای نفرت خود می گذارد ولی دیگر قادر به کنترل آن نفرت نخواهد بود چون اسیران فرقه اکنون با دنیای آزاد آشنا شدند و تناقض های گفتاری و رفتاری سران فرقه پی بردند. به نظر من یکی از دلایل مهمی که باعث شده جدا شدن نفرت به کندی صورت گیرد خجالت اسیرانمان از خانواده های خود و در نهایت از کشورشان می باشد.

فراق - چه سخنی با مسعود و مریم رجوی دارید؟

مسعود و مریم قجر ما خانواده ها با دست خالی دژ مستحکم تو را نابود کردیم. یادت هست که در آن پیام های کذایی پشت پرده خود می گفتمی کوه اگر بجنبد اشرف زجا نجنبد.

حالا هر سال هرچه قدر می خواهی آن سناتورهای تاریخ مصرف گذشته و بازنشسته را دور خود جمع کن و کارتون خواب ها و دانشجویهای بیکار را با هزینه های کلان به «اورسورواز» دعوت کن. به زودی زود به یاری خدا ما خانواده ها در اورسورواز تو را ملاقات و محاکمه می کنیم.

فراق - پیام شما به برادر اسیر خود که در فرقه مانده چیست؟

پیام من به برادرم این است که عیسی جان هر چه سریعتر تصمیم نهایی برای نجات خود را بگیر، همانطور که تا حالا متوجه شدی این فرقه تروریستی برای شما و آینده شما هیچ ارزشی قائل نمی شود و نخواهند شد و فقط دنبال اهداف و منافع شخصی خودشان هستند.

برادر جان می دانم که حضور و فعالیتیم فرار را برای تو کمی سخت کرده و سران این فرقه شدیداً مراقب تو هستند ولی من به شما ایمان دارم، می دانم که خلاصه یک روزی خیلی زود خودت را نجات خواهی داد.

— با توجه به اینکه جناب عالی مسئول انجمن نجات هستید برنامه های انجمن نجات مراکز استان ها را در راستای تلاش برای رهایی اسیران چگونه ارزیابی می کنید؟

خدمت شما عرض کنم که همه استان ها به فراخور فعالیت هایی دارند البته بعضی از استانها فعالیت هایشان جامع تر و شاخص تر بوده است از جمله مرکز ارومیه، اردبیل و تهران، ولی به عقیده بنده اگر فعالیت تمام استان ها متمرکز و برنامه ریزی شده در یک سو قرار بگیرد نتیجه مطلوبتری خواهد داشت تا اینکه هر استانی جداگانه و بدون برنامه ریزی دنبال یک برنامه باشد.

فراق - لطفاً نظر خود را درباره فعالیت پایگاه خبری - تحلیلی و نشریه فراق بفرمائید؟

پایگاه خبری - تحلیلی فراق با اینکه مدت کوتاهی است شروع به کار نموده در این مدت کوتاه پیشرفت چشم گیر و فعالیت بسیار خوبی داشته و اطلاع رسانی به موقع و جامعی دارد.

بنده خود به عنوان یک مرجع خبری مورد اطمینان از سایت خبری و تحلیلیش استفاده می کنم و همچنین نشریه فراق نیز بسیار جامع و پرمحتوا می باشد و به اعتقاد من سایت خبری - تحلیلی فراق صدای همه خانواده های دردمند و چشم انتظار اسیران دربند فرقه رجوی می باشد.

فراق - در پایان هرگونه مطلبی را که لازم به توضیح می دانید بفرمائید؟

در پایان مخاطب من مسئولینی هستند که احتمالاً این مقاله و مصاحبه را مطالعه می کنند ابتدا بنده به عنوان یک خانواده از طرف خودم و همه خانواده های هم استانی خودم از همه مسئولان بابت تمام زحماتی که برای آزادی فرزندانمان تاکنون کشیده اند تشکر و قدردانی می نمایم. با توجه به فعالیت های و جنب و جوش شبانه روزی سران فرقه رجوی مدتی است بعد از انتقال نفرت به آلبانی ما به جز افشگری در سایت ها و مقاله ها کار جدیدی انجام نداده ایم و آنها و سران فرقه از این فضا به نفع خود در حال سوء استفاده هستند. ما خانواده ها با پشتیبانی نفرت جدا شده و با حمایت مسئولین مربوطه باید یک گروه روابط بین المللی داشته باشیم و در کشورهایی که در حال حمایت از فرقه تروریستی هستند در آن کشورها افشگری کرده و چهره واقعی این فرقه تروریستی داعشی را آشکار کنیم. حضور این گروه در جلسه سالانه سازمان ملل بسیار مفید و تاثیر گذار خواهد بود و فرقه ارتجاع رجوی را ضعیف و فعالیتش را بی اثر خواهد کرد. ما می توانیم به طور منظم و برنامه ریزی شده از نفرت جدا شده جدیدی که وارد کشور شده اند برای امیدوار کردن خانواده ها استفاده کنیم تا همچنان خانواده ها امیدوار و پرشور برای فعالیت عزیزانشان تلاش کنند در پایان بار دیگر از فرصتی که در اختیار من گذاشتید تشکر و قدردانی می نمایم و توفیقات روزافزون را برای شما آرزو مندیم.

فرار از پاسخگویی ویژگی خاص فرقه تروریستی رجوی است

علی جهانی



خلاصه کجاست و چرا این همه مدت مفقود شده و غیبش زده و خبری از او نیست؟ ۵ - در حال حاضر سرنوشت مقولاتی نظیر انقلاب ایدئولوژیک و ارتش به اصطلاح آزادی بخش و شورای به اصطلاح ملی مقاومت و سرنوشتی چه می شود؟

اینها سوالات واقعی و اساسی و کلیدی هستند که رجوی ها از پاسخگویی به آنها طفره می روند و از نظر بنده مهمترین دلیلی که باعث جریان مسئله داری و موج روز افزون ریزش نیرویی در مقاطع مختلف در تشکیلات وارفته و روحیه باخته شده است همین عدم پاسخگویی به این سوالات اساسی می باشد و حال که فرقه تروریستی رجوی در کمپ آپارتمانی تیرانا مهمترین مشکل عظیم و لاعلاجی ریزش نیرویی و جریان مسئله داری می باشد به خاطر عدم پاسخگویی سران فرقه تروریستی رجوی به این سوالات اساسی و کلیدی می باشد.

به نظرم راه برون رفتی برای سران فرقه تروریستی رجوی به جز پاسخگویی به سوالات واقعی و اساسی و کلیدی وجود ندارد و نخواهد داشت.

که انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران نوپا بود و همچنین مردم درگیر یک جنگ خارجی با عراق بودند فرقه رجوی اعلام مبارزه مسلحانه کرد در حالی که تاکنون استراتژی جنگ مسلحانه نه تنها هیچ دستاوردی نداشته بلکه باعث کشته شدن تعداد زیادی از هموطنان و نیروهای فرقه شده است؟

۲- چرا در حالی که صدام حسین با ایران در حال جنگیدن بود و هر روز مردم و شهرهای مختلف ایران را بمباران می کرد و عده زیادی از هموطنان عزیزمان را کشته و زخمی و بی خانمان می کرد شما به عراق رفته و پیمان مزدوری با صدام حسین امضا کردید؟

۳- چرا بعد از سه سال ماندن در کشور عراق و به کشتن دادن نیروهای سازمان با بهانه های مختلف نظیر عملیات سرنوشتی و حفظ اشرف و حفظ اموال اشرف و اصرار بر ماندن در کشور عراق، بدون هیچ دستاوردی مجبور شدید تن به اخراج مفتضحانه از عراق و انتقال به کمپ آپارتمانی تیرانا بدهید؟

۴- چرا وضعیت مسعود رجوی را مشخص نمی کنید که بالاخره زنده است یا مرده و

یکی از ویژگی های بارز فرقه تروریستی رجوی و به طور خاص رهبری این فرقه فرار از پاسخگویی به سوالات واقعی می باشد.

سران فرقه و به طور خاص مریم عضدانلو سرکرده فعلی فرقه تروریستی رجوی و شخص مسعود رجوی نه تنها هیچ وقت حاضر به پاسخگویی نبوده و نیست بلکه سعی می کند با دروغ پردازی و دجالیت خاص خودشان سوال کنندگان را مزدور و سازشکار و خائن خطاب کند. اما در این میان یک سری سوالات اساسی هست که رجوی ها هیچگاه حاضر به پاسخگویی نبوده و نیستند چون اگر بخواهند بدین سوالات پاسخ درست بدهند بایستی بپذیرند که اشتباهات فاحشی مرتکب شده و همین اشتباهات باعث فروپاشی تشکیلات قرون وسطایی و پوسیده شان گردیده است و همچنین باید قبول کنند علیه مردم ایران مرتکب خیانت و جنایت های بی شماری شده اند و بایستی در یک دادگاه عادلانه محاکمه شوند.

به نظر بنده سوالات اساسی به قرار زیر می باشد:

۱- چرا در سی خرداد سال شصت در حالی

اعتراض انجمن نجات استان اردبیل به دولت فرانسه:

مجوز فرانسه به فرقه سرکوبگر رجوی برای برگزاری تجمع دم خروس از مدعیان حقوق بشر بیرون زد



جمهوری اسلامی ایران در موضوع حقوق بشر در کنار موضوع موشکی و دفاعی شد. این در حالیست که کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه فرانسه مخصوصاً پس از برجام دائماً حرف از دوستی با دولت و ملت ایران را می زنند اما در عمل دست دوستی به دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران می دهند.

اجازه برگزاری نشست برای دومین بار در یک هفته

دولت فرانسه چند روز پس از ۲۰ آذرماه، بار دیگر هم به منافقین برای اعلام سرسپردگی به تروریست های دنیا اجازه نشست داد.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، فرقه تروریستی رجوی با دعوت از برخی چهره های سیاسی سوخته از اروپا، امریکا و برخی کشورهای عربی اقدام به برگزاری نشستی با موضوع آنچه «وضعیت انفجاری در ایران» نامیده اند کرد. در این نشست مریم رجوی سرکرده فرقه تروریستی رجوی بار دیگر خواستار افزایش فشارهای قدرتهای زورگو بر ملت ایران در تمام بخش ها از جمله حقوق بشر و دفاعی شد.

وزارت خارجه فرانسه دست به تجمع زدند. جالب اینجاست زان پبیر میشل سناتور سابق فرانسوی نیز در تجمع فرقه تروریستی رجوی سخنرانی کرد. تعداد این افراد که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر گزارش شد حین برگزاری این مراسم دائماً رو به کاهش رفت چرا که دیده شد افراد اجاره ای پس از حضور و غیاب و دریافت وجه خود محل تجمع را ترک می کردند. بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم و مسئولان جمهوری اسلامی ایران در حملات فرقه رجوی به شهادت رسیده اند. این درحالی است که آمریکا، نام منافقین را پس از عمری ترور در ایران و عملیات های خرابکارانه برضد کشورمان از فهرست سازمان های تروریستی خارج کرده است. آمریکا برای سالهای متوالی فرقه رجوی را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داده بود. چند وقت پیش نیز پارلمان اتحادیه اروپا در اقدامی وقیحانه با دعوت از مریم رجوی سرکرده گروهک تروریستی منافقین بار دیگر در موضوع حقوق بشر نقاب از چهره برگشود. مریم رجوی در دیدار با برخی نمایندگان پارلمان اروپا خواستار فشار بر

به دنبال مجوز دولت فرانسه جهت برگزاری تجمع توسط فرقه تروریستی رجوی، انجمن نجات استان اردبیل با انتشار نامه ای به دولت فرانسه این عمل را به شدت محکوم کرد.

دولت فرانسه، چندمین بار به فرقه تروریستی رجوی مجوز داده است تا به بهانه واهی حقوق بشر، علیه جمهوری اسلامی و ملت ایران تجمع برپا کند.

این تجمع دوشنبه ۲۰ آذر در پاریس برپا شد و برای چندمین بار است که دولتمردان فرانسه به منافقین برای برگزاری چنین تجمعاتی مجوز صادر می کنند. فرقه ای که جنایتهای بی شماری در ایران انجام داد و هزاران نفر از مردم بی گناه کشورمان را به منظور دستیابی به خواسته های نامشروع سرکرده های این گروهک تروریستی به شهادت رساند. دولت فرانسه در حالی به منافقین تروریست مجوز برگزاری تجمع داده است که همواره از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم دم می زند. تعدادی از اعضای فرقه تروریستی منافقین و افراد اجاره ای علیه حقوق بشر در ایران در میدان اتولید پاریس در کنار

دست از سر بچه‌های مردم برنداری تنها کسی هستی که پشیمان می شوی



حال و روز این روزهای باند رجوی مثل تابر ماشینی شده که پراز وصله است و خیال می کنه پنچری های قبلی رو گرفته ولی وقتی تیوب رو درمیارن میزارن توی آب میبینن که از هزار جا پنجره. چسب های قبلی رو هم که نمی شه کند باز وصله بزرگتر روی وصله های قبلی. اون قدر ادامه میدن که کلا تابر لنگ میزنه زیر ماشین. حالا رجوی خیال می کنه که با جابجایی نفرات به زندان اشرف جدید تضادی ازش حل میشه و جلوی ریزشهای بعدی رو میگیره.
اکبر حسنی از آلبانی نوشت: مگه مسعود رجوی خودش نگفت:

— هر کس که بخواهد آزادی‌های انسانی، انقلابی و اسلامی را محدود بکنه، نه اسلام، نه انسان و نه انقلاب را شناخته است. آزادی ضرورت دوام انسان در مقام انسانی است.
— تاریخ سیر تکامل خود را طی خواهد کرد و سرانجام معلوم خواهد شد که ظالم کیست و مظلوم کیست.

— مگر می‌شود خورشید را کشت؟ مگر می‌شود باد را از وزیدن بازداشت و باران را از باریدن، مگر می‌شود اقیانوس را خشک کرد؟ مگر می‌شود بهار را از آمدن بازداشت و مانع روییدن لاله‌ها شد؟ و مگر می‌شود ملتی را تا به ابد اسیر نگهداشت؟ مگر می‌شود خلقی را تا به ابد در زنجیر نگهداشت؟ نه... نه... چرا؟ زیرا خواست خداست. اراده خلق است. سنت تاریخ و قانون اجتماع است. میعاد خداست؛ میعاد تخلف‌ناپذیر. بله سنت خداست. سیر تاریخ است. بشارت همه انبیا و پیام‌آوران، مصلحین و انقلابیون بزرگ جهانی این است، خلق پیروز می‌شود. آینده تابناک است. (استادیوم امجدیه تهران - خرداد ۱۳۵۹) این ریلی که دارین میرین و نفرات دارن میرن چند وقت دیگه روزی میاد که رجوی که خیلی ساله که مژده اومدنش رو میدن که میگفت

خیال می کنی که نفرات رو از شهر دور کنی که نتونن توی شهر بیان ایزوله شون کنی راحت می شی؟
خیال میکنی که همه چیز تموم می شه؟ چند نفر دیگه رو باید به کشتن بدی که دیگه خون خوردن بستون باشه چقدر؟
اون وقت به خودتون هزار لقب دهن پرکن می دین که کیو گول بزیند؟ تو اونقدر باید دولا راست بشی که شاید اربابانت خوش رقصی تو رو قبول کنن. ببین بهت نصیحت می کنم دست از سر بچه‌های مردم برداری. اگه برنداری خودت تنها کسی هستی که پشیمون می شه. خفه نکن آدم ها رو با مثلا سوگند جلاله و دست روی قرآن. انگار فقط اونا دست گذاشته اند روی قرآن. انگار که نورچشمی هاتون که الان دارن فقط عکس یادگاری می گیرند دست نگذاشته بودند روی قرآن. دست از خرافات بردارین که به افراد می گین فلان می شید بهمان می شید. پسر رحمان مگه دست روی قرآن نگذاشته بود یا خود مصطفی (محمد) رجوی؟ پس آدمها رو با بحثهای تکراری شوهر گور به گور شدت خفه نکن، چون این طناب تا آخر دور گلولی اونا نمیمونه دور گردن خودت و هم دستاتون هم می آید.

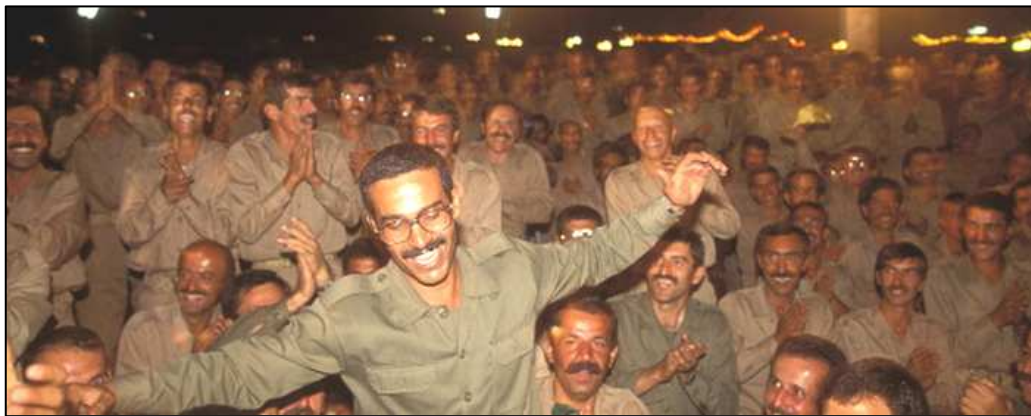
فقط مریم هم برام بمونه کافیه داریم میرسیم به آن روز انشاءالله.
یه حساب دو دوتا چهار تا همه چیز رو مشخص میکنه.
مریم رجوی، خیال می کنی که آدمها رو میزاری زیر ماکزیمم فشار عصبی، بعد هنوز بمونن برده زر خریدت که نیستن یا غلام حلقه به گوش خودت و اون شوهر گور به گور شدت بردی نفرات رو به یک جهنم بدتر از اون اشرف خراب شده باز می خوای زیر بیگاری بکشی آدم هارو.
هر چی فکر می کنم که تو و شوهرت و هم دستاتون به خدا اعتقاد دارید یا نه نمونه ای که اثبات کنه شماها خدا رو قبول دارید نمیتونم پیدا کنم. خیال می کنی من و ما گول اون کر بلا رفتن و فرش انداختن توی حرم رو می خوریم یا اون دولا راست شدنتون رو می خوریم نه از این خبرا نیست با چشم دیدیم که چطور میهدی فتحی ها رو زجرکش کردین با چشم دیدیم که اکبر عزیزی ها رو تکه تکه کردین خیال می کنی همه یادشون می ره خیال می کنی این که مثلا واسه مسئولیت تری هم خرد نمیکنن از کجا در میاد؟
بالاخره وقتی باد بکاری طوفان درو می کنی.

افشاگری یک جدا شده:

همه چیز در فرقه رجوی مصنوعی بود حتی شادی های عید نوروز

به حال نفراتی که هنوز اسیر چنگال رجوی هستند خون گریه می کنم

■ اکبر حسینی



فضاحت بود که صدای عراقی ها در اومد که بیاین برین لودر و ماشین آلات راهسازی کرایه کنید. بعد هم توی نشست های مختلف میگفتند که کسی از کار کردن که نمی میره اگر هم از زور کار کردن مرد روی سنگ قبرش می نویسیم از بس کار کرد مرد.

حالا باز این اسرا رو می خوان ببرن اشرف تازه ساز مثلا باز هم بیگاری پشت بیگاری حتما می خوان بگن که آلبانی رو گلستان کردیم جانش را یک سری می کنند پزشک رو مریم رجوی میدهد. رجوی که حتی زحمت اتو کردن لباس های خودش رو هم به خودش نمیده. آگه پاچه خوار های رجوی بخونن می گن که بله مشغول پیش برد امر سنگین مبارزه هست که من توی مقاله قبل نوشتم که گردن درد نگیری رجوی از بس میری دست بوسی اربابانت. واقعا هر کس هر کاری از دستش بر میاد باید برای این اسرا انجام بده. تنها کاری که من و امثال من می تونن و باید انجام بدن افشاگری هرچه بیشتر چهره واقعی این هیولا است

ندانسته حقیقت رو گفت البته یکی از صد هزار هم نبود. سرها افتاده، کمرها خم، چشم ها نگران و به دنبال کمک گرفتن. فقط خدا می داند که چی توی ذهن نفرات بود ولی بنا به تجربه می شه حدس زد که به چی فکر می کردند. بیگاری و باز بیگاری و باز هم بیگاری، تا زمانی که نفرات زیر دست و پای رجوی و دارو دسته اش تلف بشن. روزهای لیبرتی جلوی چشمم می اد که داشتیم زیر کارها ذره ذره می سوختیم و جان می دادیم و کسی هم نبود که صدای ما رو بشنوه. البته مگر می شد از دیوارهای سانسور رجوی حرفی بیرون بره، شده بودیم آدم کوکی همه چیز مصنوعی مثلا شادی های عید نوروز و لبخندهاش لبخند نبود که زهرخند بود که روی صورت ها بود. روزهای درست کردن مثلا زمین فوتبال در لیبرتی یادم میاد با بیل و کلنگ های دست ساز عهد حجر. نه اینکه نباشه بهترش هم بود ولی واسه مفر مثلا مسئولین بود که حتی سالی یک بار هم محض قسم حتی نوک انگشتشون رو به دسته بیل هم نمیزدند. این بیگاری اون قدر پر

چند روز پیش اتفاقی گذرم خورد به نزدیک مقر اسیران در بند فرقه رجوی در تیرانه‌وای خدا کاش نمی رفتم اون سمت، خدا رو شکر که شما اون نگاه ها رو ندیدید، هزار و چند حرف داشت، یکیش این بود: «هل من ناصر ینصرنی؟» تمام نگاه ها فقط همین جمله را فریاد می زد: «آیا کمک کننده ای هست که ما را یاری کند». واقعا داشتیم خون گریه می کردم به حال نفراتی که هنوز اسیر چنگال رجوی هستند.

خیلی چیزها مثل برق و باد از جلوی چشمام گذشت. سال های بیگاری های اشرف و لیبرتی که رجوی و دارو دسته اش به اردوگاه کار اجباری تبدیل کردن. اردوگاه کار اجباری که دار و دسته رجوی تبدیل به اردوگاه مرگ تدریجی کردند. البته نمی دانم که شهردار سابق نیویورک جولیان روی حساب بر تحقیقات گفت یا همین طوری به قول معروف تیری توی تاریکی انداخت ولی شک ندارم پولی که فرقه رجوی می داد برای هر موضع گیری حتما که خیلی سبیل آقا رو چرب می کرد اما هر چی بود به خال خورد و ناخواسته یا

دادستان تهران خبرداد:

پرونده شکایت از فرقه سرکوبگر رجوی در دادسرای بین الملل

از جمله پرونده‌های مهم این دادسرا تعقیب بین‌المللی داعش و منافقین، پرونده شکایت از برخی مقامات کنگره و دولت آمریکا و پرونده تلگرام است



جنایات بین‌المللی مانند جنایات علیه بشریت و نسل کشی در شرح وظایف این دادسرا است. جعفری دولت‌آبادی در باب عملکرد دادسرای بین‌الملل طی چند سال اخیر، به پیگیری بین‌المللی ابعاد خارجی پرونده‌های فساد، انجام سالانه ده‌ها درخواست معاضدت قضایی و استرداد از سوی سایر کشورها اشاره کرد و افزود: از جمله پرونده‌های مهم این دادسرا تعقیب بین‌المللی داعش و منافقین، پرونده شکایت از برخی مقامات کنگره و دولت آمریکا و پرونده تلگرام است و در حوزه انتقال محکومان به حبس بر اساس موافقت‌نامه‌های انتقال محکومان و عمل متقابل، حدود ۷۰ نفر از زندانیان کشورهای مختلف مانند چین، تایلند، افغانستان، عراق و قطر به ایران منتقل شده و تحت نظر دادسرای بین‌الملل در حال تحمل کیفر هستند.

عمومی و انقلاب تهران، دادستان تهران دادسرای امور بین‌الملل را از ساختارهای جدیدی دانست که می‌تواند در اجرای کردن فرمان مقام معظم رهبری خطاب به قوه قضاییه مبنی بر این که از مظلومان در سراسر جهان حمایت کند و موثر واقع شود و در شرح وظایف این دادسرا، گفت: جرایم علیه اتباع آمریکا، اعلام جرم و شکایت علیه دولت آمریکا و اتباع خارجی واجد مصونیت؛ رسیدگی به جرایم واجد جنبه بین‌المللی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران مانند پرونده‌های علیه مسئولان ایرانی، اجرای نیابت‌های قضایی خارجی؛ استرداد مجرمان، رسیدگی به جرایم اتباع خارجی که در ایران مرتکب جرم می‌شوند یا در ایران دستگیر می‌شوند به استثنای اتباع کشورهای افغانستان، بنگلادش، پاکستان، عراق و هندوستان و رسیدگی به

دادستان تهران با اشاره به ایجاد دادسرای بین‌المللی، گفت: از جمله پرونده‌های مهم این دادسرا تعقیب بین‌المللی منافقین است. به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، عباس جعفری دولت‌آبادی در پنجمین همایش تخصصی دادسراهای استان تهران با موضوع «انعکاس موازین حقوق بشر در قوانین کیفری ایران» که با حضور محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه، محمدجواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه و امیر دریابان شمشانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران برگزار شد با اشاره به لزوم حمایت وزارت امور خارجه از اقدامات دستگاه قضایی در خارج از کشور، اظهار کرد: برخی پرونده‌های قضایی دارای عنصر خارجی است که همکاری‌های دیپلماتیک را ایجاب می‌کند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دادسرای

خانواده‌های اسیران فرقه رجوی با نهادهای بین‌المللی نامه نگاری کنند



داوطلبانه به این زندان ابدی رفته اند. رفتن این افراد به محل جدید فرقه که هم اکنون نام آن را اشرف ۳ گذاشته اند، یادآور پادگان مخوف اشرف در عراق که افراد در آن زندانی مادام العمر و بدون ملاقات بودند. انجمن نجات استان اردبیل از خانواده های اسیران فرقه رجوی می خواهد تا ضمن تماس و ارسال ایمیل برای کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، نگرانی خود در مورد این اقدام غیرانسانی منافقین را ابراز داشته و آنها را از این دسیسه سران فرقه رجوی با خبر کنند.

سران منافقین در حال جابجا کردن نیروهای خود به محلی دور افتاده و ایزوله است که در آنجا دسترسی به دنیای آزاد تقریباً غیر ممکن است. این محل با دیوارهای بلند به شدت محصور شده و همچون زندانی است که فرار از آن فوق العاده مشکل است.

به نوشته انجمن نجات، فرقه رجوی به بهانه مشکلات امنیتی و همچنین مسائل مالی، تلاش دارد تا افراد را با دادن وعده و وعید برای شرایط و امکانات بهتر به محل جدید ببرد و از آنان دستخطی گرفته است مبنی بر اینکه خودشان

در پی افزایش فرار اعضای فرقه تروریستی رجوی از چنگال سران فرقه رجوی، این فرقه تصمیم گرفته زندانی همچون اشرف را در آلبانی راه اندازی کند.

بعد از خروج اعضای منافقین از عراق و اسکان نیروهای این فرقه در آلبانی و بعد از موج گسترده فرار اعضا و رسوایی ناشی از افشاکاری آنها از مناسبات فاسد داخل فرقه، سران منافقین در پی یافتن راه حلی برای این معضل خود، گزینه انحصار و محدودیت مطلق که در اشرف برقرار بود را برگزید.

سوال همه از مریم رجوی این بود که اگر پول نداری، هزینه هواپیمای اختصاصی تو را چه کسی می دهد؟ فرقه، خیلی ها را در آلبانی با پول خریده است

■ سعداله سیفی



شده و افراد بایکوت کردند و نرفتند. چندین و چند بار زهره اخیانی از مسئولین بالای فرقه برای ما نشست گذاشت که سر این مسائل را باز کند و از زیر زبان آدمها بیرون بکشد که این کاری را که ما می کردیم اشتباه بوده و می خواستند بدانند که از کجا آب می خورد و این را اهرم فشاری برای نفرات کرده بودند. تعداد بسیار زیادی می گفتند که ما در مقرهای خودمان که فرقه فروشگاه تاسیس کرده است تمام اجناس آن بونجول است و به درد ما نمی خورد و شما که برای این اجناس پول می دهید پول آن را به خود نفرات بدهید که خودشان بروند از فروشگاه بیرون تهیه کنند و فرقه به دروغ می گفت ما نقد ندادیم بلکه اجناس را نسیه می گیریم و بعد پول آنها را می دهیم. تازه بعد هم اگر قبول می کردند باید چند نفر می شدیم و با یک مسئول بالا همه با هم

می شود از همین یک روز در هفته هم به یک شکل خوبی استفاده کرد به طوری که جای هر روز را بگیرد و به بچه ها گفتند بهتر است به اماکن تفریحی مثل تله کابین و قلعه و فروشگاه بروند. ولی متأسفانه پول اتوبوس نداشتیم بدهیم. فرقه قبول کرد که ۱۲ یورو ماهیانه به هر نفر برای اتوبوس و مقداری خوراکی بدهد. دو هفته این مبلغ را دادند ولی بعد از دو هفته گفتند فرقه بودجه ندارد و چند میلیون بدهی دارد و غیره. چون دیدند که اوضاع از دستشان در می رود و کنترل نیرو مقداری سخت می شود. این بهانه را آوردند که بودجه ندارند و یک مورد هم ضابطه این بود که هر گروهی که می رود باید یک دست نشاندگی که آنها تعیین می کردند با آن گروه باشد که نفرات اعتراض کردند و گفتند که ما می خواهیم با هر کسی که راحتیم بیرون برویم نه با نفرات تعیین

ای تف بر تو رجوی که روی یزید را سفید کرده ای. ای ریا کار فکر کرده ای تاریخ در برابر تو به قضاوت نخواهد نشست؟ منتظر باش که روزی پاسخ همه این رنج و درد و کشتن انسانهای بیگناه را در برابر مردم بدهی. یادم هست وقتی که ما وارد آلبانی شدیم یک تعدادی زودتر از ما به آلبانی آمده بودند و به ما گفتند که می شود هر روز به کوه رفت ولی سر ساعت ۸ صبح باید برای شروع کار برگشت. بعد از یکی دو مرتبه رفتن به کوه مانع این کار شدند و گفتند دیگر نمی شود هر روز رفت. گفتند که ضابطه شده که از این به بعد دو روز در هفته می شود به کوه رفت. بعد متوجه شدیم که این دو روز هم با انواع و اقسام ضوابط و کنترل و غیره می شود. بعد از دو هفته تحمل این را هم نداشتند کردند یک روز، و بعد از این که کلا رفتن به کوه یک روز شد به نفرات گفتند

”

ای رجوی،
منتظر باش که
روزی پاسخ این
همه رنج، درد و
کشتن انسانهای
بی گناه را در
برابر مردم بدهی



می آید؟ شاید ماشین هم نسبه می دهند که ما نمی دانیم. تازه بعضی مواقع هم که در نشستهای خودتان برخی از قبیل جواد خراسان می گویند که فرقه مشکل مالی ندارد و اگر بخواهد می تواند آلبانی را با پول بخرد. آیا این را درست میگوید؟ شاید اشتباهی از ذهنش در رفته یا مقصودی دارد. ولی این را ما عینا دیده ایم که فرقه خیلی ها را در آلبانی با پول خریده است. حرف ما این بود و هست که چرا نفرات را بعد از سالیان زندان و زجر و شکنجه از طرف خودتان حالا محتاج ۱۰ یورو پول کرده اید و حسرت به دلی دو سیخ کباب را می کشند.

ای تف بر تو رجوی که روی یزید را سفید کرده ای. ای ریا کار فکر کرده ای تاریخ در برابر تو به قضاوت نخواهد نشست؟ منتظر باش که روزی پاسخ همه این رنج و درد و کشتن انسانهای بیگناه را در برابر مردم بدهی. ای لعنت بر مسعود رجوی ملعون و مریم رجوی عفریته

بیاییم و این همه پول هزینه اتوبوس شود؟ اما این همه اش کار فرقه بود و به حرف کسی مگر گوش می داد.

سوال همه از مریم رجوی این بود که اگر پول نداری هفته ای دوبار هواپیمای اختصاصی تو را چه کسی می دهد که از فرانسه پا می شوی برای هیچ به اینجا میایی و بر می گردی ولی یک نفر که برای قرار پزشکی می رود یک یورو پول اتوبوس او را نداری بدهی که بنده خدا با هزار درد با پای پیاده به قرار می رود. یا اینکه فقط برای ما نفرات که الان در هر کجای دنیا که بودیم برای خودمان کسی بودیم ماهیانه ۸ دلار اختصاص می دهی که پول ۴ عدد پفک است. چطور برای اکثر دم و دنبالچه های خود از قبیل مژگان پارسایی و زهره اخیانی و صدیقه حسینی و غیره ماشین اختصاصی می خری؟ یک نمونه اش هم که نزدیک به ۱۰۰ خودرو خریدی که معلوم نیست این پولها از کجا

فقط به فروشگاه های خاص برویم. افراد همه اعتراض می کردند که مگر ما بچه هستیم که یک آقا بالا سر برای ما می گذارید و نمی رفتند. این هدف خود فرقه بود که با اعمال محدودیت ها افراد را از خریدن جنس از بیرون و به گردش رفتن منصرف کنند چون فرقه اگر زورش به نفرات نمرسید با حربه های خاصی افراد را مجبور به منصرف کردن می کردند.

فرقه همیشه برای مسائل مختلف به نفراتش دروغ می گفت و همه چیز را تحت نداشتن پول سر پوش می گذاشت. این درحالی بود که فرقه میلیونها دلار هزینه و خرج برای مهمانی ها در آلبانی می کرد. یک نمونه هم برای بردن افراد به نشست نزدیک به صد اتوبوس هر هفته کرایه می کردند. بعضی مواقع هم دو بار در هفته که این اتوبوسها برای بردن نفرات به نشستهای مغزشویی بود. حرف نفرات این بود که اگر پول ندارید این خرجهای الکی چه است و چرا شما به مقرات ما نمایید تا نشست بگذارید و ما باید

وقتی به اجبار دستور می دادند
صفحات مجازی مریم رجوی را لایک کنیم!

حافظه تاریخی مردم ایران، خیانتها و جنایت های فرقه رجوی را از یاد نخواهد برد

■ منوچهر عبدی

هر شب از ساعت هفت الی
هشت به مدت یک ساعت
دستور تشکیلاتی داده بودند
که همه باید اکانت‌های
توئیتری مریم رجوی رو راس
یک ساعت، با همان اکانت‌های
قلابی که هر نفر چند تا
داشت، لایک و فالو
می کردیم تا در ترند جهانی
بالا برود



کارش بودیم.

دیدیم تمام فالورهایمان و کسانی که به ما وصل بودند شروع به ریزش کردند. حالا علت چی بود؟ چون ارزشهایی که خود فرقه آنها را نمایندگی می کرد از بحث های ایدئولوژیک و سیاسی که با هموطنان می کردیم می دیدیم که هموطنان متنفردند. همه فحش و فضحیت بود که نثار ما و فرقه می کنند. ما واقعا تعجب می کردیم که خدایا مردم چرا با ما اینطوری تنظیم می کنند. وقتی هم به مسئولین فرقه این موضوع را می گفتیم پاسخ می دادند که اشکال ندارد شما با اکانت‌هایی وارد بشوید که هویت غیر

یکی از طرفنها و حقه بازیهای این فرقه شیاد این بود که در فضای مجازی تمام این اکانتها و حساب‌هایی که در توئیتر و تلگرام داشتند همه آنها قلابی بود. یعنی اکانت ها یک شخصیت حقیقی را نمایندگی نمی کرد و هویت واقعی نداشت. به ما گفته بودند میتونی چندین اکانت توئیتر و تلگرام داشته باشی. حالا علت چی بود؟ علتش جالبه. ما اوایل نمی دانستیم. طبق همان برنامه ای که گفته بودند خط کار را پیش می بردیم. بعد از مدت کوتاهی در توئیتر در یک نقطه ای

ما وقتی از عراق اخراج شدیم و به آلبانی منتقل شدیم پنج الی شش ماه که در کمپ بودیم به قسمت آپارتمانهای مفید منتقل شدیم. بعد از چند ماه سرگردانی فرقه یک سازماندهی جدید را شروع کرد. همه اعضا را جمع کرد و یک گسترش پوشالی که قبلا هم زیاد انجام دادند را به اسم سیستم روابط عمومی ابلاغ کردند.

جالبه که مسئولان فرقه می گفتند که اسم قدیمی و قبلی که سیستم داخله بود را به کار نبرید. بعد ما علت را می پرسیدیم می گفتند نگید داخله برایمان مشکل سیاسی پیش میاد. کار این روابط عمومی تلاش برای نیروگیری از داخل ایران بود. این دستگاه به این شکل بود که بعد از یک مدت که من خودم با توئیتر و تلگرام در این زمینه فعال بودم با داخل ایران تماس و ارتباط برقرار می کردیم. با اقشار مختلف برای نیرو گیری سعی در ارتباط داشتیم و کاری که مسئولین فرقه می گفتند را انجام می دادیم.

بعد از چند ماه که با هموطنان به شکل های ناشناس ارتباط داشتیم یک باره یک چیزی در ذهن ما فرو ریخت. چون سالیان طولانی توی ذهن و فکر و ضمیر ما القا کرده بودند که یک حمایت اجتماعی خیلی قوی، عمیق و گسترده ای در بین اقشار مختلف مردم ایران دارد. ولی خیلی زود ما متوجه شدیم که اینها تماما شعر و شعاره چون ما خودمان مستقیما دست اندر

■ یکی از ترندها و حقه بازیهای این فرقه شیاد این بود که در فضای مجازی تمام این اکانتها و حسابهایی که در توئیتر و تلگرام داشتند همه آنها قلابی بود. یعنی اکانت ها یک شخصیت حقیقی را نمایندگی نمی کرد و هویت واقعی نداشت. به ما گفته بودند میتونی چندین اکانت توئیتر و تلگرام داشته باشی. حالا علت چی بود؟ علتش جالبه. ما اوایل نمی دانستیم. طبق همان برنامه ای که گفته بودند خط کار را پیش می بردیم بعد از مدت کوتاهی در توئیتر در یک نقطه ای دیدیم تمام فالورهایمان و کسانی که به ما وصل بودند شروع به ریزش کردند. حالا علت چی بود؟

تا داشت، لایک و فالو می کردیم تا در ترند جهانی بالا برود. البته اینها هیچ وقت در ترند جهانی بالا نرفتند و اول هم نشدند. نکته این بود که حتی به لحاظ فنی هم این را نمی توانستند بفهمند و تشخیص بدهند که این کارشون نقض قوانین توئیتره و از طرف توئیتر تمام حسابهای مقرر مفید بسته شد. چون همه در یک زمان بندی آمدیم اکانتهای مریم رجوی را لایک و فالو می کردیم.

این حمایت اجتماعی گسترده که فرقه مدعی آنست دروغه. حمایت اجتماعی وجود نداره. پایگاه مردمی ندارند. الان هم در باتلاق آلبانی گیر افتادن و هر روز بر شمار فرارها از فرقه افزوده می شه و به طور اتو دینامیک روند فروپاشی را طی می کنند. آلبانی مدفن تاریخی فرقه رجوی خواهد شد و در آینده بسیار نزدیک سران جنایتکار فرقه باید به مردم ایران حساب خینت هاشون رو پس بدهند.

که این فرقه چه خینت ها و جنایت هایی در طول این سالین در حق مردم ایران کرده. باور نکردنیه. اون مهدی ابریشمچی یکی از اون آدمای لمپن و بسیار مزور و دروغگو مدعی شده که این فرقه مستقل و مردمیه. در حالی که در همان کلیپ هفت گناه نابخشودنی با سندهای بسیار موثق و محکم تمام اسناد خینت‌هایشان هست که چطور اطلاعات جنگ را به دیکتاتور سابق عراق صدام حسین می فروختند و به مردم ایران از پشت خنجر می زدند.

فرقه تروریستی رجوی به هیچ عنوان پایگاه اجتماعی در بین مردم ایران ندارد. الان هم که از طریق فضای مجازی در آلبانی دارند فعالیت می کنند، مردم فحش می دهند و از این سازمان متنفرند. یکی از موارد دیگری که بود هر شب از ساعت هفت الی هشت به مدت یک ساعت دستور تشکیلاتی داده بودند که همه باید اکانتهای توئیتری مریم رجوی رو راس یک ساعت، با همان اکانتهای قلابی که هر نفر چند

مجاهدی داشته باشه. یعنی دوز مجاهدی خودتان را پائین بیاورید. ساده تر بگویم رنگ عوض کنید. ما واقعا ذهنمان درگیر تناقض مان بود که چرا مگر ما حرف حق نمی زنیم؟ مگر مدعی نیستیم که حقیق؟ چرا باید به هموطنانمان دروغ بگویم و با هویت غیر مجاهدی وارد بشیم. هویت مجاهدی که رو می شد می دیدیم همیشه همه نیروها ریزش می کنند. مسئولین فرقه هم گفته بودند نگید مجاهدیم. حتی آنرا مرز سرخ کرده بودند.

رفته رفته متوجه شدیم که فرقه در گذشته جنایتهایی کرده است. هموطنان سوالهایی می کنند. وقتی هم ما به بالا این سوالات را منتقل می کردیم مسئولین فرقه میگفتند که اشکال نداره چون مردم در فضای اختناق هستند و با ما آشنایی ندارند، طبیعتا نمی توانند درک درستی از این سازمان داشته باشند.

می خواهم این را بگویم که همش حقه بازی و شارلاتانیسم بود. باور بفرمایید حمایت اجتماعی گسترده که فرقه رجوی مدعی آن است همه آن کشتک و پوشاله. حافظه تاریخی مردم ایران تمام خینت‌ها و جنایت هایی که این فرقه و رهبریش مریم رجوی و مسعود ملعون کرده را از یاد نخواهند برد. ما که اینجا دست اندر کار مستقیم بودیم، به من واقعا ثابت شد که اینها جنایت کارند. مردم ایران اصلا اینها را قبول ندارند. قشر جوان جامعه که اینها را اصلا نمی شناسند، اونهایی که می شناختند فحش می دادند، می گفتند که در جنگ ایران و عراق خینت کردند. ما خودمان باورمان نمی شد چون چهارده سال در عراق با دنیای بیرون ارتباط نداشتیم، توئیتر و فیس بوک و یوتیوب و کلا اینترنت نمی دونستم چیست، واقعا داستان چیه؟

من خودم این مدتی که جدا شدم مشغول مطالعه هستم. مثلا در یوتیوب کلیپ هفت گناه نا بخشودنی را دیدم. به همه هموطنان پیشنهادم اینه که هفت گناه نابخشودنی را ببینند

خانواده های انجمن نجات در این سال ها مورد ظلم فرقه رجوی قرار گرفته اند



خانواده اش را عذاب.

بدنیست آن ها ثریا عبداللهی ها، نرگس بهشتی ها و خواهران ایرانیور را مد نظر داشته باشند تا از فریب فرقه منفور و فریبکار رجوی در امان بمانند.

خانواده های انجمن نجات که در این سال ها مورد ظلم فرقه رجوی قرار گرفته اند همه معترض به انتقال عزیزانشان به مکان جدید هستند و دلیلش پیش بینی جنایت هولناک پیش روست و البته در واکنش به این اعتراضات انتظار می رود، فرقه رجوی مانند همیشه نگرانی و اعتراض خانواده ها را سوز و گداز، ترس و تحلیل های احمقانه ی این چنین تفسیر کنند اما تکلیف خانواده های انجمن نجات علاوه بر آزادی عزیزانشان، پیشگیری از فریب و اسیر شدن سایر هموطنان است، ولو آن که رجوی تفسیرهای خودش را داشته باشد هزاران انگ و برچسب به آن ها بزند.

انجمن نجات مرکز سیستان و بلوچستان

خانواده هاست.

اما زنگ خطر ماجرا اینجاست که احتمالاً رجوی ها با انتقال به مکان قرون وسطایی قصد تغییر نسل داشته باشند و با فریب هواداران خارج کشور همان بلایی را به سرشان بیاورند که بیش از سه دهه، بر سر خانواده هایی همچون انجمن نجاتی ها آورد.

اگرچه خانواده هایی در کشور های اروپایی و آمریکایی با فریب و پول فرقه رجوی گوش به زنگ هستند تا روانه آکسیون ها و تجمعات مضحک این فرقه شوند اما باید بدانند با رقم خوردن اشرف ۳ سرنوشت تلخی در انتظارشان است. فرقه رجوی پول مفت به کسی نمی دهد و اشرف ۳ فرزندان آن ها را هدف قرار خواهد داد. فرقه رجوی نیاز به تامین اعضا تازه نفس دارد و این اعضا را از خانواده ی شما ها تامین می کند. بدنیست این خانواده ها نگاهی به سرنوشت سمیه محمدی بکنند و ببینند چطور فرقه رجوی این دختر را در نوجوانی فریب دادند و

وضعیت رو به اضمحلال فرقه رجوی با گرایش اعضا آن به جدایی، روز به روز وخیم تر می شود و البته که طرح اشرف ۳ راه حل موقت این شرایط رجوی هاست.

ریزش چشمگیر و غافل گیر کننده اعضا از پیکره نیمه جان فرقه رجوی، جرقه ی تجدید قوا و تغییر نسل را در فکر سرکردگان این فرقه زد و لذا طبیعی است آن ها مقررشان را به محلی پرت و دور از دسترس انتقال دهند.

مقرر فعلی رجوی شامل افرادی است که دیگر امیدی به بیرون نداشتند و جوری پرورش یافتند که از فضای آزاد بیرون می ترسند. در شرایط فعلی کل دارایی رجوی همین هاست و برای آن که چشم و گوششان باز نشود مجبور است آن ها را در فضایی مشابه اشرف و لیبرتی اسکان دهد. حال این جا به جایی کمی شرایط را برای دسترسی خانواده ها به عزیزانشان سخت می کند که البته نیازمند چاره اندیشی مسئولین و

آقای فیلابی ناپهلوان از طرف مردم حرف نزن

یادداشت از وحید



شما به همراه سلطنت طلب ها وانسان های نا آگاه ، مدام از هزینه ی این اقدامات ضد سلطه گری ایران صحبت به عمل میآورید والبته بطور خائنانه ای هرگز مطرح نمیکنید که مخارج این اقدامات که برای حفظ امنیت ایران است ، چقدر بوده است.

به نظر آگاهان اقتصادی ، این مبلغ آنچنان ناچیز است که درارقام بودجه ی ایران نمیخواند و اثری بر بحران های اقتصادی ایران که حاصل ۴۰۰سال انحطاط تحمیل شده ازطرف استعمار است ، نمیگذارد و شما به همراه هرکس دیگر که این واقعیات را نداند، احمق واگر میدانند وبه اعضای تشکیلات خود نمیگویند، تبهکار است.

با این حساب حرف ازطرف مردم زدن به حد کافی احقانه نیست که این ناپهلوان چنین کرده است.

انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی

آزادی ومیهن ، رابطه ای غیر قابل برپا وتضاد شما با این مقولات از نوع آنتاگونیستی (آشتی ناپذیر) است وبنابراین صلاح شما درعدم دخول دراین مقولات است تا لاقفل از گزند قلم های تیز درامان باشید!

باند رجوی و مخالفت با تروریسم، شما که هنوز به ترورهای خود که درتاریخ ایران بی نظیر است ، افتخار میکنید ، ادای ضد تروریستی درآوردنتان، یکپا مسخره است.

آن تروریسمی که شما ایران را متهم بدان میکنید ، عین مبارزه با تروریسم درسوریه و ... است واتفاقا یکی ازافتخارات بزرگ ایران هم همین است.

عشایر انقلابی شما (داعش) به مرزهای ایران رسیده بود و شهر اربیل در معرض سقوط قرار داشت که حضور ایران مانع این کار شده وخطر بزرگی را از میان برداشت وآیا شما این عمل ایران را تروریسم می دانید؟

درونشته ای منتشر شده درمطبوعات رجوی که امضای « نا پهلوان فیلابی» را دارد می خوانیم:

« مردم ایران مصمم هستند و با جان و مالشان در پی براندازی هستند. مردم ایران در شهرهای مختلف از کرمانشاه تا مشهد و به خصوص همشهریهای دلاور قوچانیم تنفر خود را از این حکومت ضد ایرانی اعلام کردند.»

اگر این آقای فیلابی از طرف خودش ویا معبودش رجوی هاسخن میگفت ، من ایدا درصدد نقد نوشته اش بر نمیآمدم اما حیف که بد ذاتی کرده و ازطرف مردم حرف زده ومرا ناگزیر به پرداختن به موضوع کرد.

شما آقای فیلابی رهبر عقیدتی تان کارهایی کرد که چیزی جزاستبداد، وطن فروشی و... را در ذهن کسی متبادر نمیکند وربطه ی تشکیلات جهنمی شما با مقولاتی مثل مردم ،

افشاگری ثریا عبداللهی، یکی از مادران پرتلاش اسیران فرقه رجوی از فسادهای درون فرقه رجوی

شیرین ترین لحظه ما زمانی بود که اسیران در پادگان اشرف خود را به پشت سیم خاردارها می‌رساندند تا فرار کنند



ابریشمچی می‌گوید که قصد دارد زن او را که آموزش و تجربه خوبی دارد در فاز نظامی با خود همراه کند بنابراین بایستی از او جدا شود.

وی تصریح کرد: از زبان خود جدا شده‌ها شنیدم زمانی که مسعود رجوی شیفته مریم پلید می‌شود همزمان طلاق اجباری نیز در پادگان اشرف رویه قانونی می‌گیرد که براساس آن باید تمام مردها، زن‌هایشان را طلاق می‌دانند. وی اضافه کرد: مسعود رجوی در همان شبی که ابریشمچی همسر خود مریم را طلاق می‌دهد به او دستور می‌دهد فردا صبح خود سفره عقد را بچیند و همزمان بعد از خطبه طلاق خطبه عقد را جاری می‌کند.

مادر اسیر فرقه رجوی تصریح کرد: مریم رجوی به شورای سرکردگی که بتول سلطانی،

داشتند که بعدها به دستور طلاق اجباری مسعود رجوی که توأم با انقلاب ایدئولوژی بود از هم جدا شدند.

به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی فراق، وی ادامه داد: بعضی از این زن‌ها بدون آموزش نظامی به جنگ فرستاده و عده ای از آنها کشته می‌شدند و موقع برگشت زن‌ها را به این فرقه تروریستی می‌آوردند و برخی از آنها باید از شوهران خود طلاق می‌گرفتند.

وی در خصوص زمان اجرای حکم طلاق اجباری افزود: طلاق اجباری زمانی اتفاق افتاد که مسعود رجوی در پی امیال شیطانی خود شیفته مریم رجوی شد در حالی که مریم رجوی همسر مهدی ابریشمچی بود.

عبداللهی ادامه داد: مسعود رجوی به

مادر پرتلاش و فعال یکی از اسیران فرقه تروریستی رجوی با بیان اینکه مسعود رجوی تاکید داشت که سرکرده جنایتکار فرقه تروریستی منافقین زنان و دخترانی را که به روش خود عقد کرده بود با آرایش کامل به خوابگاه ارتش آمریکا و بلندپایه‌های ارتش عراق می‌فرستاد.

«ثریا عبداللهی» مادر امیراصلان حسن‌زاده اسیر فرقه تروریستی رجوی در مورد سال‌ها انتظار و اعتراض خود در مقابل پادگان اشرف و جنایت‌های سرکردگان گروهک تروریستی منافقین علیه زنان این تشکیلات گفت: عده‌ای از این زن‌ها زن و شوهرهایی بودند که توسط این فرقه تروریستی دزدیده شده و عده‌ای از همان ابتدا در پادگان اشرف نسبت زن و شوهری

مریم سنجلی و زهره میرباقری اعضای آن بودند پیشنهاد می‌دهد که تمام زن‌ها و دختران در یک نشست موسوم به نشست بدیع‌زادگان در سالن بدیع‌زادگان حضور یابند.

وی ادامه داد: فردای همان روز در نشست، مسعود رجوی به دختران و زنان جوان دستور می‌دهد تمام حلقه‌های ازدواج و گردنبندهای خود را در سینی گذاشته و تقدیم مسعود رجوی کنند و فردا برای نشست دیگر آماده شوند.

مادر اسیر فرقه رجوی اظهارداشت: رجوی به زن‌ها شامپو و تور سفید داده و دستور می‌دهد که به حمام رفته و سپس با تور سفید و کاملاً عریان به نشست بیایند در روز نشست مریم جلوتر از مسعود رجوی حرکت می‌کند مسعود رجوی نیز با لباسی راحت و خندان و با کیک چندین طبقه و ۹۵۰ جعبه گردنبد به طرف سن می‌آید.

عبداللهی اضافه کرد: مریم رجوی پس سر مسعود رجوی حرکت می‌کند در این حین بتول سلطانی می‌گوید که چرا کنار مسعود رجوی نمی‌نشینید و او در پاسخ می‌گوید این صندلی جای من نیست این جا جای تک تک شماهاست و به آنها می‌گوید شما ناموس رجوی هستید و باید به عقد مسعود رجوی دربیایید.

وی ادامه داد: تمام زنان و دختران با حالت لخت و عریان در این نشست حضور داشتند و در این حین مریم به مسعود رجوی می‌گوید سرت را بلند و نگاه کن، سر کرده این گروهک تروریستی موقع نگاه کردن (نعوذبالله) می‌گوید «تبارک الله الحسن الخالقین» و تمام ۹۵۰ نفر از زنان را به عقد خود درمی‌آورد که این شب به شب شین معروف است.

عبداللهی تصریح کرد: پس از خواندن خطبه عقد گردنبندهای طلا را که دستور داده بود عکس خودش را بر روی آن نقش کنند به گردن دخترها و زن‌ها می‌اندازد و سپس شروع به رقصیدن با آهنگ تند در سالن بدیع‌زادگان با

همان حالت عریان می‌کنند.

وی ادامه داد: برخی از این زن‌ها ناخواسته حامله می‌شوند که در این بین مسعود رجوی دستور می‌دهد کل زنان و دختران را عقیم کنند.

عبداللهی اضافه کرد: پس از آن مسعود رجوی زنان و دخترانی را که به روش خود عقد کرده بود با آرایش کامل به خوابگاه ارتش آمریکا و بلندپایه‌های ارتش عراق می‌فرستاد.

وی تصریح کرد: رجوی دستور می‌داد که دختران عطراهایی را استفاده کنند که مورد علاقه ژنرال‌های آمریکایی بوده و آن‌ها را با یک سگ به خوابگاه آنها می‌فرستاد.

مادر اسیر فرقه رجوی گفت: این فرقه تروریستی همه امامان حتی امام زمان (عج) را رد کرده و رجوی (نعوذبالله) می‌گوید: من امام زمانم! روزی ظهور خواهم کرد، هرکس وارد جلسه رجوی می‌شد، باید با صدای بلند می‌گفت: اسرم عیبک یا مسعود رجوی! کسی که قرآن را تفسیر و تغییر می‌دهد، مسلماً می‌تواند فرزندانمان را نابود کند.

عبداللهی ادامه داد: نزدیک ۴ سال در مقابل پادگان اشرف اقامت داشتم، اولین دلیل حضورم دیدن تنها فرزندم بود، دلیل بعدی اصرار پی‌درپی خانواده‌هایی بود که فرزندانمان در این فرقه تروریستی گرفتار شده بودند و وجود خانواده‌ها به صورت دائم نور امیدی بود در دل مادران، خواهران، برادران و فرزندان که سالیان سال از گمشده خود بی‌خبر بودند.

وی افزود: زانی در بین خانواده‌ها حضور داشتند که ۳۰ سال از همسرانشان بی‌خبر بودند، فرزندی که می‌گفت: حسرت پدرگفتن بر دلم نشسته است، دختری صدا می‌زد: پدر به خدا مادرم هنوز منتظر توست، برادری که خواهرش برای ماه‌عسل به ترکیه رفته و دیگر برنگشته بود، مادری که فقط با بوی پیراهن، فرزندش را می‌شناخت و خواهری که زبان گفتن نداشت، لال بود، با علم اشاره و بغض ناتمام در گلو

می‌فهماند که تنها برادرش برای زیارت آمده و دیگر برنگشته بود، مادر و پدری که چشم دیدن و پای رفتن نداشتند، با ویلچر آمده بودند و چون پروانه به گرد من می‌گشتند که ما بچه‌هایمان را می‌خواهیم، فریاد می‌زدند و می‌گفتند «به خدا ما سرباز برای دفاع از وطن فرستاده بودیم، سربازهای ما در جبهه‌های جنگ گم شدند» و مادری دو فرزند تحصیلکرده‌اش که هر کدام مهندس مکانیک بودند و برای گردش به ترکیه آمده و دیگر برنگشته بودند.

عبداللهی ادامه داد: زمانی که خانواده‌ها به پشت سیاه‌چال رفته، منافقین از خدا بی‌خبر، سنگ و میلگرد تراشیده شده را به سمتشان پرت و بدترین فحاشی و اهانت‌ها را می‌کردند، بعضی وقت‌ها این سنگ‌ها و میلگردها به بدن ضعیف آنها می‌خورد، چنان ناله و فریادی سر می‌دادند که ما خانواده اسیران این فرقه تروریستی هستیم.

مادر اسیر فرقه رجوی اظهارداشت: این سرگذشت چهار سال حضور من در عراق برای رهایی فرزندم بود، تلخ و شیرین بود، شیرین ما زمانی بود که اسیران در پادگان اشرف به هر طریقی خود را به پشت سیاه‌چال و سیم‌خاردها می‌رساندند تا فرار کنند و وقتی که اشک شوق روی صورت مادر پیری می‌دیدم بهترین لحظه زندگی‌ام بود، ما کوه دردییم، نمی‌دانم کجا بروم و از چه کسی کمک بگیریم؟ چه کسی مرا در این جامعه قبول می‌کند و حرفهای مرا گوش می‌کند؟

وی در پایان گفت: هم اکنون اسیران فرقه رجوی به کشور آلبانی رفته اند و آنجا شرایط بهتری برای رهایی از زنجیرهای فکری فرقه رجوی برای اسیران وجود دارد لذا تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست تا روزی که به یاری خداوند رهایی تمام اسیران در فرقه و تنها پسرمان را شاهد باشیم.

افراد در فرقه رجوی یاد می گیرند که چطور به یک ربات تبدیل شوند

■ یادداشت از الف - عباسی



آشنا شوند و از این اسارت کشته نجات پیدا کنند.

در اینجا توجه مسئولین کشور آلبانی از وزارت کشور و امنیت و خارجه و حتی کمیساریای عالی پناهندگی را باین موضوع مهم و البته سرنوشت ساز جلب می کنم که هرگز اجازه انتقال این افراد را به آن مکان جهانی ندهند. چرا که آنجا را رفته رفته به قبرستانی برای نیروهای خود تبدیل خواهند کرد.

این افراد حتی اگر هم بخواهند که درون مناسبات سازمان باقی بمانند به این علت است که دیگر نای تصمیم گیری برای خودشان را ندارند و دیگر از بس تحت تاثیر شستشوی مغزی قرار داشته اند، آینده ای در خارج از تشکیلات فرقه برای خودشان متصور نیستند! لذا این افراد حتی اگر در مناسبات فرقه هم باشند بایستی حداقل هر ماه یکبار با نمایندگان صلیب سرخ یا کمیساریای عالی پناهندگی ملاقات داشته باشند تا مبادا به دست دار و دسته فرقه رجوی سر به نیست شوند!

اجرامی کنند.

آنها طی سالیان سال در عراق اجازه ارتباط افراد خود با دنیای خارج از مناسبات فرقه را هرگز نمی دادند و رفتن و ارتباط داشتن با دنیای خارج از خودشان یک مرز سرخ جدی و غیر قابل گذشت بود چرا که آنان خوب می دانستند که اگر پای نیروها به خارج از تشکیلات فرقه باز شود، مانند کسانی هستند که بعد از یک عمر بودن در غار، نوری و روزنه ای دیده اند و طبیعتا دیگر به آن دنیای سیاه پشت سر خود باز نخواهند گشت.

اما سران فرقه با این مسئله مشکل دارند. به همین دلیل دوباره دست به کار شده اند تا نیروهایشان را به مکانی دور از جامعه منتقل کنند. از این رو برای نجات جان کسانی که عمری است در اسارت این فرقه هستند و دیگر آنچنان با این مناسبات یکی شده اند و آنچنان پذیرفته اند که کل جهان و دنیا همین مناسبات سازمان است و بس باید دست بکار شد و کمکشان کرد تا بتوانند با حق و حقوق خودشان

اکنون مدتی است که در خبرها داریم که سران فرقه رجوی مکانی را خارج از شهر که گویا جلوتر از این محل استقرار نیروهای امریکایی بوده را مشغول آماده سازی هستند تا بتوانند نیروهای باقیمانده شان را به آنجا منتقل کنند. این مکان قطعا به محلی برای پیشبرد اهداف فرقه تبدیل خواهد شد و یک اشرف دیگر را این بار در دل آلبانی به راه خواهند انداخت!

فرقه رجوی یک فرقه حرفه ای با طرز فکری خشن و عقب مانده است. آنها با شستشوی مغزی افراد خود، آنان را به انسانهایی بی رحم و خشن و با قابلیت هایی که هر انسان معمولی به دلیل اینکه یک انسان معمولی با ویژگی های یک انسان معمولی است، ندارند تبدیل خواهند کرد. آنها یاد می گیرند که چطور به یک ربات تبدیل شوند که کارشان فقط انجام دستور است. آنها رهبر خود را جانشین خدا بر روی زمین می بینند و بدون اینکه از خودشان اراده و یا اختیاری داشته باشند، هر آنچه او می گوید را

جولان چماقداران رجوی در تیرانا

همایون کهزادی



رقم بزیند زیرا سالیان سال همگی تجربه کردیم و میدانییم که عاقبت حرفها و تهدیدها و زندانها و شکنجه‌ها به کجا رسید هر چند که البانی عراق نیست و صدام حسینی هم در کار نیست طبق آخرین اخبار قرار است که برای جلوگیری از این ریزشها سران فرقه به این نتیجه رسیده‌اند باید فضایی همچون اشرف را به وجود آورد تا بتوانیم حکمفرمایی را که در اشرف یک داشتیم را دوباره به دست آوریم باید کاری کنیم که کسی حتی به ذهنش هم خطور نکند از این فرقه جدا شود پس تا قبل از اینکه به اشرف سه نقل مکان نشده‌اید از این فرقه جدا شده و به دنبال زندگی شخصی خود بروید.

صورت گرفت دیگر خیالشان راحت است که نه تنها کسی جدا نمی‌شود بلکه حتی به ذهنشان هم نخواهد زد که جدا شوند.

به همین منظور تعدادی از چماقدارانش را به جان آن‌ها انداخته‌اند و با گرفتن فیلم و اذیت کردن سعی می‌کنند آن‌ها را بترسانند اما آن‌هایی که عزم جزم کرده‌اند که روی پای خود و سرنوشت خودشان را با دستهای خودشان رقم زده‌اند هراسی از این پاچه‌گیران پاچه‌خوار ندارند البته البته ناگفته نماند که کمیساریای عالی پناهندگان و سازمانهای حقوق بشری در جریان این تعقیب‌گریز توسط چماقداران می‌باشد لذا هراس به دلتان راه ندهید و سرنوشت خودتان را

چماقداران فرقه رجوی از جان کسانی که می‌خواهند به دنبال زندگی خود بروند چه می‌خواهند؟ این اسیران صدایشان به جایی نمیرسد و تنها ارگانهای بین‌المللی و انسانیهای شریفی همچون شما می‌تواند به کمک این اسیران بشتابد. از روزی که ریزش نیرو در فرقه شدت گرفت و هر روز تعدادی از اسیران از این فرقه جدا می‌شد، سران فرقه هم به فرماندهی مریم دست به کار شد و تیم چماقداران را راه اندازی کرد تا با این کار بتواند با تهدید و کت کاری مانع بیشتر تر شدن این ریزش شود و حداقل بتواند تا انتقال اسیران به اشرف سه کسی جدا نشود و وقتی که این نقل مکان

مطالبات به حق خانواده ها چیزی نیست که قابل فراموشی باشد

یادداشت از محمدی



با نگاهی گذرا به نقش فعال و خستگی ناپذیر مجموعه خانواده ها در تحسن جلوی قرارگاه اشرف در کشور عراق به مدت قریب به چهار سال، که نهایتاً منجر به تعطیلی قرارگاه گردید می توان ادعا نمود که کارسازترین اهرم حقوق بشری علیه فرقه رجوی همین خانواده ها هستند که تشکیلات رجوی به هیچ وجه جلودار آن ها نخواهد بود.

دانشمندان حوزه مطالعات فرقه ای و فعالان ضد فرقه و طرفدار حقوق خانواده متفق القول هستند که خانواده باطل السحر جادوی فرقه و مغزشویی است.

فرقه رجوی طی سال های قبل از فروپاشی قرارگاه اشرف، در نشست های تشکیلاتی، با زدن برچسب و اهانت های فراوان درصدد بود تا بتواند احساس و عاطفه ی خانواده ها را از اذهان فرزندان و وابستگانشان بزدايد. خانواده را مورد اهانت و لعنت قرار می داد و دشمن بچه ها قلمداد می نمود غافل از این که احساس و عاطفه بین خانواده و فرزند مقوله ای استوار و ریشه دار است که قلب هر انسان سالمی برای آن می تپد. خانواده ها تنها سرمایه هایی هستند که توانستند کرکره های دنیای شیطانی و وحشتناک قلعه اشرف را پایین بکشند. هجمه های صدای پر تلاطم خانواده ها از بلندگوهای مستقر شده جلوی قرارگاه اشرف، کارساز واقع شد و همه فرزندان را با یک اتصال عاطفی به خانواده ها مرتبط ساخت و شاهد بودیم که تعداد زیادی از افراد با انگیزه خانواده و نفرت از فرقه رجوی، از تشکیلات جدا شدند. کمپ لیبرتی به عنوان اشرف ۲، نتوانست در مقابل اراده پولادین خانواده ها دوام بیاورد و فرقه رجوی را وادار نمود تا با ترک اردوگاه موقت لیبرتی از عراق خارج شوند. استقامت خانواده ها در عراق، ثمره جدایی انبوه فرزندان آن ها در آلبانی را فراهم نمود به حدی که دسته های جدا شده از تشکیلات بسیار زیاد و غیر قابل تصور می باشد.

هستند و به اجبار و با ناآگاهی از شرایط آزاد و باز بیرون، جرأت انتخاب آزاد و رهایی را ندارند و از آینده ی آن وحشت دارند اما دیری نخواهد پایید که شاهد جدایی کامل فرزندان از چنگال شیطانی فرقه رجوی خواهیم بود.

مطالبات به حق خانواده ها نسبت به فرزندان، چیزی نیست که قابل فراموشی باشد و کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان در آلبانی موظف به فراهم نمودن آن می باشد: ۱- دیدار خانواده ها با فرزندان در آلبانی ۲- امکان برقراری تماس های تلفنی و اینترنتی بین آن ها

۳- شکایت های حقوقی علیه فرقه به منظور فنا نشدن عمر فرزندان

۴- جلوگیری دولت آلبانی از راه اندازی قرارگاه جدید فرقه ای در آن کشور

۵- فراهم نمودن حق انتخاب آزاد و تعیین سرنوشت انسان های اسیر در قرارگاه

۶- تعیین سرنوشت و برخوردار شدن از حقوق پناهندگی و اقامت در کشورهای اروپایی

۷- آزاد شدن فرزندان از مناسبات و برنامه های اجباری فرقه ای در کشور آلبانی

انجمن نجات مرکز تهران

سران فرقه رجوی با هزاران دست و پا زدن و ایجاد قرارگاه اشرف ۳ در آلبانی، در واقع پایان حیات خود را رقم می زنند.

اگر چه فعلاً به علت ممانعت ها و نبود شرایط لازم، حضور خانواده ها در آلبانی میسر نمی باشد ولی ریشه ی پیوند فرزندان با خانواده هایشان چنان مستحکم است که وجود خانواده های خود را در آلبانی حس می کنند و در تلاشند تا هر چه زودتر به خانواده هایشان وصل شوند.

لازم به ذکر است که در حال حاضر انبوه جداشدگان در کشور آلبانی به خوبی جای خالی خانواده ها را پر کرده و به بلای جان فرقه تبدیل گردیده اند. انبوه تماس ها و ابراز اشتیاق به حدی رسیده که فرقه رجوی تمام امکانات تماس نفرت با خانواده هایشان از قبیل موبایل و اینترنت را از دسترس آن ها خارج نموده است، غافل از آن که در این مسأله موفق نبوده و تهیه موبایل و مخفی کردن آن در دستور کار نفرت قرار گرفته است. نفرت از رفتن به محل جدید اشرف ۳ به شدت نگران و منزجر هستند و آن تعداد هم که با پذیرفتن تعهدنامه حاضر به حضور در قرارگاه اشرف ۳ شده اند، نیروهایی هستند که اکثراً مخالف دیدگاه های فرقه ای و تروریستی رجوی

«غسل در لحظه»، دکانی جدید در آلبانی

■ نوشته منوچهر عبدی



یکی از موضوعاتی که در موردش می‌خواهم بنویسم تشکیلات از هم پاشیده و وارفته فرقه رجوی می‌باشد. از زمانی که به آلبانی آمده و در مقر مفید ساکن شدیم، افراد تحت یک فشار بسیار شدید روحی و فکری قرار گرفتند. من تا به حال تشکیلات فرقه رجوی را به این شکل متلاشی ندیده بودم. بعد از هر نشستی با بچه‌ها که صحبت می‌کردیم اکثراً به لحاظ فکری به قدری تحت فشار بودند که به قرص‌های آرام بخش پناه برده و در جیب بیش‌نفرات انواع قرص‌های اعصاب بود.

وقتی با دوستان برای هوا خوری یا گردش بیرون می‌رفتیم، اکثراً به داروخانه‌ها برای خرید همین قرص‌های آرام بخش مراجعه می‌کردند. خدا لعنت کند رهبران این فرقه جهنمی را که باعث شدند نفرات به خاطر این فشارها به قرص پناه ببرند.

در مقر مفید صبح که از خواب بیدار می‌شدیم، پشت سرهم نشست و کار بود تا دوازده و یک نصف شب. تماماً حرفهای صد من یک‌گاز و بی‌سر و ته. خوب معلوم است که افراد تحت این فشارها عاصی می‌شوند. سوال هم می‌کردیم که آخر ما توی این آلبانی می‌خواهیم چه کار کنیم؟ تکلیف مان چیست؟ این سازمان می‌خواهد چه کار کند؟ هیچ جوابی نمی‌دادند.

این حرفها مرزسرخ بود و پاسگو نبودند. من یادم هست که یکی از افراد که اهل کرمانشاه بود، علیرغم اینکه فرقه برای بیرون رفتن انواع ضوابط را وضع کرده و سختگیری می‌کرد و نمی‌گذاشتند تکی بیرون برویم و می‌بایست با هم یگانی و مسئولان بیرون می‌رفتیم، اما این بنده خدا خودش هم خودش را زندانی کرده بود. به او می‌گفتیم که خود تشکیلات اتوبوس آورده امکانات فراهم کرده که برای روحیه و رفاه به

یا به هر جای دیگری برای خرید مراجعه می‌کردی. توی خیابان پنجاه متر به پنجاه متر گوشه خیابان جمع می‌شدیم دور هم و مسئول می‌گفت که خوب بیاید لحظه‌هایتان را بگویید. مثلاً این خانم‌هایی که توی خیابان یا فروشگاه یا هر جای دیگری دیده‌ایم باید بگوییم که چه حسی داشتیم و چه خطای ذهنی در این خصوص مرتکب شدیم و اعتراف کنیم و طلب مغفرت نماییم. یا فلان ماشین را دیدی یا فلان

گردش بیرون برویم، اما تعداد زیادی از افراد نمی‌آمدند. علت را سوال می‌کردیم. می‌گفتند ما می‌خواهیم از طبیعت و بیرون رفتن لذت ببریم، ولی باید بیست و چهار ساعته برای فرقه توضیح بدهیم که در ذهنمان چه می‌گذرد.

فرقه رجوی در آلبانی سیستمی به راه انداخته بود به اسم «غسل در لحظه». حالا این غسل در لحظه چی بود و چی می‌گفتند؟ مثلاً شما توی شهر با مسئولیت به فروشگاه می‌رفتی



فرقه رجوی در آلبانی سیستمی به راه انداخته بود به اسم «غسل در لحظه». حالا این غسل در لحظه چی بود و چی می گفتند؟ مثلا شما توی شهر با مسئولیت به فروشگاه می رفتییا به هر جای دیگری برای خرید مراجعه می کردی. توی خیابان پنجاه متر به پنجاه متر گوشه خیابان جمع می شدیم دور هم و مسئول می گفت که خوب بیاید لحظه هایتان را بگویید

مثلا این خانم هایی که توی خیابان یا فروشگاه یا هر جای دیگری دیده ایم باید بگوییم که چه حسی داشتیم و چه خطای ذهنی در این خصوص مرتکب شدیم و اعتراف کنیم و طلب مغفرت نماییم

افراد کلافه شده اند. آخر نمی شود که شما برای خرید به شهر بروی و بعد هر ۵۰ متر افراد دور هم جمع بشوند و در گوش هم بخوانند که مثلا فلان خانم را دیدم و فلان لحظه را داشتم. واقعا که خیلی وقیح و بی شرمند. این دستگاه و دکانی که راه انداختند همه فریب کاری برای درگیر کردن و کنترل ذهن افراد است که مبدا به این فکر بیفتند که فرقه رجوی کلا دارد در آلبانی چه غلطی می کند و چه استراتژی را دنبال می نماید. در حال حاضر فرقه رجوی با بحران تشکیلاتی بی سابقه ای مواجه است. جدایی در سطوح بالا و فرار فرماندهان سازمان را با مشکلات جدی روبرو ساخته و فروپاشی کامل فرقه را در چشم انداز نزدیک قرار داده است. به امید آزادی همه اسیران دربند فرقه که امیدوارم هر چه زودتر خود را از دست این فرقه شیطانی برهانند و بیش از این خانواده های خود را چشم انتظار نگذارند.

اعمال این مکانیزم ها موجب می شد که افراد کلافه و تحت فشار باشند. افرادی هم که به قرص پناه می بردند به خاطر همین کارها و فشارهای ذهنی فرقه بود که خیلی چیزهای دیگری مانند نافرمانی ها هم هست. افراد روحیه باخته و کسل و خسته اند. در عراق این همه بدبختی کشیدند. زیر بمب و موشک باران بودند. حالا در آلبانی هم با یک شکل و مکانیزم دیگر افراد را تحت فشارهای شدید روحی و ذهنی قرار می دهند.

افراد از بیرون رفتن و گردش کردن بیزارند. فرقه عمدا این کارها را می کند که نفرات همیشه تحت فشار باشند و بیرون نروند. فرقه رجوی می گوید که وقتی شما با دنیای آزاد ارتباط برقرار می کنید ممکن است هوای زندگی طلبی به سرتان بزند. فرقه وحشت زیادی از ارتباط اعضا با فضای شهر و دنیای آزاد دارد که این غسل لحظه ای را درست کرده است، ولی

لباس یا فلان دختر را که دیدی بگو لحظه ات چه بود و در دستگاه زندگی طلبی چگونه ذهنت خطا رفت. من در دل می گفتم که آخر من پنجاه و پنج سالم است و خودم دختر و نوه دارم، خانواده دارم. من اصلا لحظه ای نداشتم و فکری نکردم. اما مگر به اینها می شد گفت که من لحظه ای ندارم. باید یک چیزی به هر حال می گفتم که مثلا فلان خانم را دیدم و فلان احساس را داشتم.

می گفتند که این را باید گفت تا با سازمان یگانه شد. از این مزخرفات افراد واقعا کلافه شده بودند و به همین خاطر بیرون نمی آمدند. بخاطر همین مسائل بود که ماندن در مقر را بر گردش ترجیح می دادند. یعنی در همان دستگاه مغزشویی و کنترل ذهن میخواستند ذهن افراد را همیشه در گیر نگهدارند که یک لحظه هم به مسائل اصلی تر و به خانواده فکر نکنند.



فاضل فرهادی، یکی از جدا شده های فرقه رجوی: رجوی و سرانش مثل برده از ما بیگاری می کشیدند



رجوی و سرانش به ما بد کردند و مثل برده از ما بیگاری می کشیدند، بایستی این فرقه را هر چه بیشتر افشا کرد تا ماهیت آن برای همه گان روشن شود

همه گان روشن شود. فرهادی گفت: من به زودی خاطرات و گفتگوی خودم را در رابطه با عملکرد فرقه رجوی بر روی سایت انجمن درج می کنم. انجمن نجات مرکز اراک

فاضل فرهادی اظهار داشت: چه خاطرات بدی را در فرقه رجوی پشت سر گذاشتیم. وی افزود: رجوی و سرانش به ما بد کردند و مثل برده از ما بیگاری می کشیدند، بایستی این فرقه را هر چه بیشتر افشا کرد تا ماهیت آن برای

یکی از جدا شدگان فرقه رجوی در دفتر انجمن نجات استان مرکزی (اراک) حضور یافت و از خاطرات گذشته خود در فرقه رجوی سخن گفت. به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی فراق،

نگاهی به پرونده لابی «منافقین» در آمریکا علیه ایران



منافقین [اکنون] تلاش‌های بسیاری برای لابی در کنگره آمریکا به منظور تایید و به رسمیت شناختن ادعای بی‌اساس آنها درباره «اعدام هزاران نفر در سال ۱۹۸۸ در ایران» کرده و می‌کند. با لابی‌های این گروه تروریستی، سه ماه قبل یک عضو مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را با همین موضوع به کمیته روابط خارجی این مجلس ارائه داد.

«مایکل مک کال» رئیس جمهوریخواه کمیته امنیت داخلی مجلس نمایندگان آمریکا این طرح را با حمایت «اد رویس» رئیس جمهوریخواه و «الیوت انگل» نائب رئیس دموکرات کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ارائه داد.

طرح مذکور به کمیته فرعی امور خاورمیانه و شمال آفریقا در مجلس نمایندگان ارجاع شده است.

به نوشته فارس، فرقه تروریستی منافقین در پیشبرد یک دستور کار دیگر خود در سال ۲۰۱۶ موفقیت چندانی نداشته است و آن «قانونگذاری در کنگره آمریکا به منظور پرداخت غرامت از دولت عراق به ساکنان اردوگاه اشرف» امحل قبلی اسکان عناصر منافقین در عراق بود.

سال گذشته با حمایت آمریکا، ساکنان این اردوگاه از عراق خارج و به آلبانی منتقل شدند اما طرح تقنینی «تد یو» عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در حمایت از پرداخت غرامت به فرقه تروریستی رجوی، به جایی نرسید.

بود که مقامات دولت سابق آمریکا از او در کاخ سفید برای رایزنی درباره ایران میزبانی کردند. المانی‌تور می‌نویسد: «در انتهای سوی دیگر طیف سیاسی (ایرانی‌های مقیم خارج)، شورای ملی مقاومت ایران (منافقین) که خودش را تنها جایگزین مشروع، دموکراتیک و طرفدار غرب در مقایسه با روحانیان حاکم می‌داند، در سال ۲۰۱۶ به همراه با گروه‌های مرتبط با خود ۵۷۰ هزار دلار برای تاثیرگذاری بر سیاست آمریکا هزینه کرد».

این رسانه می‌افزاید: «این میزان هزینه شامل ۱۸۴ هزار دلار برای دفتر خود در واشنگتن (که فاصله اندکی با کاخ سفید دارد) و ۲۹۶ هزار دلار برای ابروت توسیدی، سناتور سابق دموکرات نیوجرسی و شرکت لابیگری روزمونت اسوسیت (Rosemont Associates) می‌شود. جدای از این، سال گذشته سازمان غیرانتفاعی جوامع ایرانی آمریکا (اویاک) که وابسته به فرقه منافقین است و در کنار دفتر آن در واشنگتن قرار دارد، ۹۰ هزار دلار به شرکت آکین گامپ پول داد».

المانی‌تور در ادامه گزارش خود درباره اقدامات منافقین در آمریکا می‌نویسد که دفتر این گروه در واشنگتن «هر چند وقت یک بار کنفرانس‌های خبری ترتیب می‌دهد و درباره پایبندی ایران به توافق هسته‌ای تردیدهایی وارد می‌کند».

طبق گزارش این رسانه، فرقه تروریستی

طبق گزارش پایگاه خبری تحلیلی «المانی‌تور»، فرقه تروریستی رجوی تنها در سال گذشته میلادی از طریق دفتر مستقر خود در واشنگتن که در نزدیکی کاخ سفید واقع است، لابی‌های گسترده‌ای علیه مردم ایران کرده است. یک رسانه آمریکایی یادداشتی درباره لابی‌های گسترده فرقه تروریستی منافقین علیه مردم ایران در دولت و کنگره آمریکا منتشر کرده است.

در ابتدای گزارش المانی‌تور، بر تغییر چشمگیر مواضع رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در قیاس با رئیس‌جمهور سابق این کشور در رابطه با ایران تاکید شده است.

در همین رابطه، رئیس «شورای ملی ایرانیان آمریکا» (ناپاک) که در پایتخت آمریکا مستقر است، اظهار نظر کرده است؛ شورایی که خود را سازمان غیرانتفاعی می‌داند که در جهت حمایت از حقوق سیاسی ایرانیان آمریکا در چارچوب قوانین در آمریکا تشکیل شد.

«تریتا یارسی» رئیس این شورا به المانی‌تور گفت: «یک حس شوک وجود دارد. ادبیات او (دونالد ترامپ) درباره ایران و اولین سفرش خارج از آنش (در مقام رئیس‌جمهور آمریکا) به عربستان سعودی همه اینها، مسیری را نشان می‌دهد که درگیری و تقابل را بسیار محتمل تر می‌کند».

اظهارات یارسی درباره مواضع ترامپ در حالی صورت گرفته که سال گذشته در خبرها آمده

حقوق بشر در فرقه ارتجاع رجوی

■ یادداشت از جواد فیروزمند



پس از جنگ جهانی دوم بود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با استناد به «اولین منشور حقوق بشر کوروش در بابل»، پیمان نامه بین المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رساند.

این اعلامیه برای اولین بار در جهان، حقوق تمام انسان‌ها را به صورت برابر پاس می‌دارد، انسان‌هایی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌بایست از آن برخوردار باشند.

در تعریف حقوق بشر آمده است: حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود.

این تعریف ساده عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به دنبال دارد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی، این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است.

از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زندگی می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد ضمن اینکه همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و... غیره، در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. این حقوق، حقوق قانونی یا حقوق طبیعی را که در قوانین ملی و بین‌المللی وجود دارد را نیز شامل می‌شود.

اما تعریف نقض حقوق بشر در مصوبه سازمان ملل متحد چیست؟

مداوم دیگران را به ظن اتهام و نقض حقوق بشر مورد حمله قرار می‌دهد و اعمال خود را در این رابطه موجه می‌نماید. بدون آنکه حتی یک مورد نقض حقوق بشر در میان تشکیلات آهنین خود پذیرفته باشد.

در فرقه ارتجاع رجوی؛

هیچ کس حق خروج ندارد. هیچ کسی حتی برای خدا حافظی از سیاست و تشکیل یک زندگی ساده جدا از تشکیلات فرقه را حق ندارد. افراد فرقه برده‌هایی هستند که تا پایان عمر باید بهای انتخاب اشتباه خود را بپردازند و زنده یا مرده مجبور به تحمل چنین اسارتگاه ابدی می‌باشند.

هیچ کس حق مخالفت پنهان یا آشکار با فرامین و دستور العمل‌های رهبری ندارد. هر مخالفتی به شدت سرکوب می‌شود.

— در فرقه ارتجاع رجوی که طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر بعنوان یک «بهاد غیر دولتی» تعریف گردیده، افراد مخالف یا منتقد درون

نقض حقوق بشر هنگامی اتفاق می‌افتد که توسط یک دولت یا نهاد غیردولتی برخی از افراد مورد سوءاستفاده قرار بگیرند، یا حقوق اساسی از جمله حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها انکار گردیده و نادیده گرفته شود.

همینطور زمانی که یک دولت یا نهاد غیردولتی بخشی از پیمان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا دیگر حقوق بین‌المللی و حقوق بشر انسان را در مورد برخی از افراد رعایت نکند.

لذا سازمان ملل متحد در مورد نقض حقوق بشر، شورای را تعیین کرده است که شورای امنیت نام دارد. این شورا تنها تریبون و دادگاهی است که در این‌گونه موارد تصمیم‌گیری می‌کند. حال با قوانینی که در سازمان ملل متحد تعریف و تصویب گردیده، به سراغ فرقه ارتجاع رجوی می‌رویم. تشکیلاتی که از ابتدای پیدایش تا کنون، مدعی حقوق بشر جهانی بوده و بطور

مرزی برای سوء استفاده جنسی از زنان وجود ندارد. برخی از زنان جدانشده از نقض شدید حقوق بشر سخن گفته اند و برخی از هم خوابگی تحت عنوان انقلاب ایدئولوژیک با مسعود رجوی. من خود شاهد این ماجرا نبوده ام و به همین دلیل چند سال پیش طی نامه شخصی و همینطور سرگشاده ای از مریم رجوی موضوع را پیگیری کردم. اما آنها نه تنها پاسخی ندادند، بلکه با پرونده سازی و فراقکنی مرا مامور ایران معرفی نمودند. از نظر فرقه رهبری شان پاک و منزه است و این حرف ها تبلیغات ایران می باشد.

هیچ کس در فرقه ارتجاع رجوی نمی تواند شخصا تصمیم گیری نماید. همه تصمیم گیری ها از بالا به پایین است. بدون هیچ چون و چرایی اعضاء ملزم به اجرای دستورات رهبری می باشند. هر مخالفت یا نقدی به معنای مخالفت با رهبری و تشکیلات سازمان است. مخالفین داخلی منافقین نیز تا کنون زندانی، شکنجه و یا سر به نیست شده اند.

نزدیک به چهل سال است که فرقه رجوی با دشمنان کشورشان ساخته و پیرو استراتژی جنگ طلبانه بیگانگان می باشند. از همکاری و همراهی با صدام حسین گرفته تا جنگ طلبان آمریکایی که خواستار تجاوز و جنگ در ایران می باشند. آنها معتقدند که مردم ایران را باید بمباران یا تحریم نمود تا از این طریق روزی بتوانند حاکمیت را در دست بگیرند و بر مردم ایران حکومت کنند.

فرقه رجوی زمانیکه توانایی عملیات های انتحاری یا بمب گذاری و ترور در ایران را داشت، چهره بسیار وحشتناکی از خود نشان داد. آنها علاوه بر نظامیان، مردم عادی را نیز در تیررس جنگ افزارهایشان قرار دادند و بسیاری از مردم عادی ایران را ترور نموده یا به قتل رساندند. براساس آماری که در نشریات، رادیو و تلویزیون مجاهدین طی دهه های گذشته منتشر گردیده، منافقین طی عملیات های گوناگون ده ها هزار ایرانی را به قتل رسانده اند. این آمار چندین برابر

در فرقه ارتجاع رجوی حتی فکر کردن به خانه و خانواده جرم محسوب می گردد. ابزارهای تفتیش عقاید از جمله نشست غسل هفتگی، نشست عملیات جاری و نشست های جمعی، وسیله ای برای کشتن و انهدام آزادی های فردی است.

برخی از افراد ناراضی و جدایی خواه در نشست های جمعی به بهانه واهی نفوذی ایران مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته، سپس در زندان ناپدید یا زیر شکنجه کشته شدند.

در چندین دوره، افراد بسیار زیادی دور از چشم یا اطلاع دیگران، مدت ها در زندان های فرقه ارتجاع رجوی، زندانی شده و به زیر شکنجه های شدید برده شدند. رجوی معتقد بود که این افراد نفوذی ایران هستند. اما پس از مدتی که تعدادی زیر شکنجه جان باختند، خود رجوی آنها را از زندان آزاد کرده و برایشان نشست گذاشت که ایران نفوذی فرستاده بود تا او را بکشد.

در فرقه ارتجاع رجوی هیچ کسی حق تحصیل، فراگیری علم یا حتی یادگیری زبان خارجی را ندارد.

هیچ کسی حق داشتن وسیله شخصی از جمله موبایل یا کامپیوتر و ارتباط با جهان آزاد را ندارد.

در فرقه ارتجاع رجوی، حتی اینترنت متصل به شبکه های بین المللی وجود ندارد.

هیچ کس حق تماس تلفنی با خانواده یا جهان خارج ندارد. اندک افرادی که توانسته بودند از پایگاه منافقین با خانواده خود تماس بگیرند به جاسوسی متهم شده، سپس محاکمه گردیده و با دستور رجوی به اعدام محکوم شدند. برخی از این افراد توانستند فرار کنند و موضوع را فاش نمایند.

در فرقه ارتجاع رجوی کسی پاسخگوی داخل و بیرون نیست. یعنی چنین مرامی در آنان وجود ندارد که پاسخگوی یک نقد یا شهادت باشند. آن طور که زنان جدانشده می گویند،

سازمانی به زندان و شکنجه گاه منتقل می گردند.

افراد منتقد فرقه ارتجاع رجوی در درون یا بیرون مورد آزار، ضرب و شتم، ترور اخلاقی و فیزیکی قرار می گیرند.

اعضا و رهبران، اعضای منتقد و جدانشده را فقط به این دلیل که از آنان انتقاد نموده، خاطره یا سرگذشتی را تعریف نموده که به مذاق منافقین خوش نیامده، عضو وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران معرفی می کنند. با این عنوان، هر فرد جدانشده ای که از فرقه انتقاد نماید یا عملی برخلاف میل آنان انجام دهد، دشمن تلقی می گردد و بنابه دستور رهبری ارتجاع، ریختن خون چنین افرادی دستور تشکیلاتی است، حتی اگر در خیابان های یک کشور اروپایی باشد!

مسعود و مریم رجوی بارها در درون تشکیلات فرقه که اخبار آن قبلا از طرف دیگر جدانشدگان نیز فاش گردیده دستور داده است؛ مخالفین و افراد جدانشده ای که علیه فرقه فعالیتی انجام داده اند به جستجوی شان بروید، هر کجا آنها را گیر آورید، با هر وسیله ای که می توانید، بکشیدش و روی سر جنازه اش بایستید تا پلیس بیاید. نترسید، زندان های اروپا، هتل های ستاره داری هستند که حتما به شما خوش خواهد گذشت.

در فرقه ارتجاع رجوی، هیچ کسی حق ازدواج و تشکیل خانواده ندارد. بنابه گفته مسعود و مریم رجوی در پیرویه انقلاب ایدئولوژیک، خانواده سم تشکیلات است. و کسی که نزد منافقین آمده و خود را مجاهد خلق می داند، پدر، مادر، فرزند، خواهر و برادری جز رهبری و همقطاران در فرقه، کسی دیگر را به رسمیت نمی شناسد. او در همین رابطه با استناد به انجیل و قرآن، و مقایسه خود و مریم با عیسی مسیح و مریم عدرا گفته بود؛ «هر کس خانواده خود را بیش از من دوست بدارد لایق من نیست.»



حسن نظام الملکی و ... دیگر فرماندهان مجاهدین جستجو نمود. آنجا که در زندان پادگان اشرف استخوان سینه ام را می شکستند، با خودکار چشمانم را در می آورند، انگشتان دستانم و بدنم را له می کردند. ... حقوق بشر را باید در زندان ها و شکنجه گاه های سازمان مجاهدین خلق جستجو نمود. حقوق بشر را باید در مسعود و مریم رجوی جستجو نمود، آنجا که حکم اعدام مرا با دستخط قرمز و زیر آرم سازمان مجاهدین خلق امضاء کرده و در برابر بیش از ۴۰۰۰ نفر به نمایش گذاشتند! وگرنه حقوق بشری که رهبران سازمان مجاهدین به دروغ مدعی آن شده اند را می توان با پول های جاسوسی برای صدام حسین، عربستان، سازمان های امنیتی بیگانه، لابی های رنگارنگ اروپایی و آمریکایی، در کریدورهای سازمان ملل و مجامع اروپایی خرید و فروخت. اما آیا این است حقوق بشر؟!

مریم رجوی و به اجبار از پدران و مادرانشان جداشده و بدون سرپرست به کشورهای غربی ارسال و قاچاق شدند تا خانواده ها مجبور به جنگ و عملیات شوند. حقوق بشر را باید در سیاه چالهای زندان ابوغریب صدام حسین جستجو نمود. آنجا که به دستور مسعود و مریم رجوی، اعضای ناراضی از پادگان اشرف به دست ماموران صدام تحویل داده می شد تا سر به نیست شوند و در بهترین حالت با اسرای ایرانی تعویض گردند! حقوق بشر را باید در زندان های سال ۱۳۶۴ کردستان عراق، ۱۳۷۳ پادگان اشرف، در زندان اسراء، در زندان پذیرش، و دیگر زندان های مخوف مجاهدین جستجو نمود که به منظور سر به نیست کردن اعضای جداشده بوجود آمده بود. حقوق بشر را باید در مسعود رجوی، مریم رجوی، مهدی ابریشمچی، مهوش سپهری،

بیشتر از اعضای کشته شده سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد. ... حال با چنین رویدادهایی، حقوق بشر را باید در درون پایگاه ها و تشکیلات فرقه رجوی جستجو نمود. در اشرف، لیبرتی و آلبانی! حقوق بشر را باید در پایگاه های اروپایی فرقه ارتجاع رجوی، در مجامع بین المللی، در اتحادیه اروپا و در جلسات جداشدگان، در خیابان های پاریس و آلمان جستجو نمود، آنجا که گله وار به تعدادی اندک از جداشدگان حمله ور می شوند، دشنام می دهند، ضرب و شتم می کنند، چشم در می آورند و گلو پاره می کنند! حقوق بشر را باید در فرقه مخوف رجوی و باند جنایتکاری جستجو نمود که از هیچ ترفندی برای ترور اخلاقی، ترور فیزیکی و خفه کردن منتقدان خود دریغ نکرد. حقوق بشر را باید در کودکان خردسالی جستجو نمود که سال ۱۹۹۰ به دستور مسعود و

علی قزل قارش از زندان فرقه رجوی تا زیارت کربلا می گوید من نمونه ای از خیانت دیده ها هستم

را نجات دهم و خدا رو شکر هر چند خیلی طول کشید این مسیر رهایی ولی توانستم دو نفر دیگر را به همراه خودم از این سیاه چاله نجات بدهم و آزادی را برای آنها به ارمغان بیاورم که اکنون آن دو نفر به زندگی خود مشغول هستند .

آقای قزل قارش ادامه می دهد که خیانتها و جنابتهای سران فرقه رجوی آن چنان زیاد است که می توان برای هر کدام از آنها کتابها نوشت و برای آگاهی مردم در بین آنها منتشر نمود و من خودم نمونه ای از این خیانت دیده ها هستم و با چشمان خود شاهد اعمال کثیف آنها در فریب دادن اعضاء نگون بخت بودم و همیشه نیز سر ناسازگاری با فرماندهان داشتم که خار چشمانشان شده بودم و همیشه مرا زیر نظر داشتند ولی با تمام این سختگیریها توانستم نجات پیدا کنم .

وی به برخی از دوستانش که در زندانهای فرقه رجوی بسر می برند نیز پیام می دهد که خودتان را از منجلاب رجویسم نجات دهید و اصلا نگران آن نباشید که نخواهید توانست در بیرون از اسارتگاه رجوی دوام بیاورید و یا خانواده شما را تحویل نگیرند برعکس من شاهد خانواده هایی هستم که از اقصی نقاط کشور از من سراغ فرزندشان را می گیرند و پیگیر آنها هستند و شما مطمئن باشید که خانواده ها منتظر شما هستند و هر چه زودتر خودتان را از بند اسارت رجویها نجات بدهید که آنها برای شما خوابهای بدی دیده اند و اهداف شومی برای شما دارند و از شما تنها برای پیشبرد اهداف شومشان می خواهند سوءاستفاده نمایند .

به امید رهایی و نجات تمام زندانیان فرقه رجوی

انجمن نجات مرکز گلستان

مان می گوید و تعریف می کند که چگونه از داخل کشور برایمان طوری بد تعریف می کردند که من هنگام خروج از آنجا ۸۰۰ قرص مسکن و غیره با خودم برداشته بودم و ۴ تا شلوار نیز پوشیده بودم با کلی لباس و زیر پوش که بعدا کم بیاورم که به محض رسیدن به هتل و برخورد صمیمانه مسئولین و اقامت چند روزه به دروغ بودن تمامی گفته های سران فرقه رجوی پی بردم .

علی آقا از پیاده روی که امسال برای روزهای اربعین به سوی کربلای معلا داشت صحبت می کند و می گوید سران فرقه رجوی به ما می گفتند که به محض رسیدن به داخل کشور یا اعدام می شوید و یا شما را مدت های طولانی زندانی می کنند که من اکنون بعد از آنکه توانستم در برخی مسائل زندگی مستقل شوم و آمادگی لازم را در خودم دیدم، پاسپورت تهیه کرده و برای اربعین راهی عراق شدم و هیچ مشکلی نیز در مسیر مرز و خروجی کشور نداشتم و اتفاقا در این چند روز که راهی کربلا بودم برایم بار معنوی بسیار زیادی داشت که قابل گفتن نیست .

او می گوید که وقتی وارد خاک عراق شدم نفرت عجیبی تمام وجودم را پر کرده بود، نفرتی که ۱۲ سال عمرم را بیهوده در پیش خائینی حیف نموده بودم که تمام تلاش آنها نه برای مردم و خاک ایران بلکه تنها برای رسیدن به کرسی قدرت برای سرکرده خودشان و ادامه هوسرانیهای بی حد و مرزشان بوده و من که به صورت شبانه روزی مورد شستشوی ذهنی و روحی قرار می گرفتم دیگر تاب و تحملم بریده بود و بعد از آنکه به هدفهای خبیثانه سران فرقه رجوی پی بردم دائما بدنبال راهی بودم که بتوانم خودم



بعد از گذشت ۶ سال دوباره به عراق سفر کردم که البته این بار به هوای پا بوسی آقام امام حسین (ع) که با تمام سفرهام فرق می کرد. با ۱۲ سالی که در جوارش بودم و اجازه ندادن برم زیارتش، آن زمانی که در زندان فرقه تروریستی رجوی گرفتار بودم و در هوای بد اشرف غرق شده بودم و سران فرقه حتی اجازه نمی دادند برای زیارت ائمه اطهار بریم و به شدیدترین وضع ما را به اسارت خودشان در آورده بودند .

علی قزل قارش یکی از عناصر رهایی یافته فرقه مخوف و خبیث فرقه رجوع می باشد که در دوران جوانی گرفتار حيله های خائنه سران فرقه رجوی شده و مدت ها تحت شستشوی شدید ذهنی و روانی آنها قرار گرفت و بعد از آنکه توانست یخ ذهن خود را آب نماید در اواخر سال ۱۳۹۰ خود را از اسارتگاه سازمان تروریستی رجوی نجات داد و همراه خود دو نفر دیگر را نیز نجات داد که اکنون آنها نیز به زندگی خود همراه با خانواده مشغول می باشند .

قزل قارش، از سختیهایی که در زمان حضورش در فرقه رجوی تحمل کرده برای

آموزش های تخصصی دولت آلبانی جهت اشتغال جدا شده های فرقه رجوی

■ فرید



سمت و سو گرفتن شرایط بهینه زیستی در دنیای بیرون فرقه و فراهم نمودن شرایط مساعد برای کار در آلبانی، این نوید را به جدا شده ها و هر کسی که در فکر جدا شدن است می دهد که بله می توان بدون کمک مالی فرقه در دنیای آزاد به فردائی بدون فرقه و آزاد اندیشید. این روزها هر چند شاید به دلیل در پیش رو بودن ایام جشن های کریسمس، وقفه ای در برگزاری با تعداد بالا در این کلاس ها، برای جدا شده ها ایجاد شود، اما مطمئنا، این امر ضامن یک شروع زیبا و بدون وابستگی به فرقه رجوی برای کسانی خواهد بود که اراده کردند در دنیایی خارج از زندان فرقه ای رجوی ها مستقل، زندگی کنند.

شاید این تصور تا حدودی درست باشد که عزیزان جدا شده ما در کشوری دور افتاده بی پناهند اما بی شک آنها در آغوش خداوند هستند.

انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی

همچنین این امر در یک کشور دور افتاده که برای جدا شده ها غربت محسوب می شود موجب دلگرمی است.

تشویق و تبلیغ این کارهای هر چند کوچک و جزئی، می تواند کمک موثری به جدا شده ها کرده و همچنین، جرقه امیدی در دل کسانی باشد که اکنون در تشکیلات فرقه انحرافی رجوی هستند و به دلیل اینکه سالیان از جامعه عادی دور بودند و از آن وحشت دارند بنمایند.

فرقه سالها کوشیده که با اقدامات ضد انگیزه ای، تمامی اعضای فرقه، فاقد تخصص هائی باشند که در دنیای بیرون به درد می خورد و به زعم خود از این طریق می کوشد تا مانع جدایی و فرار اعضا شود اما از این امر غافل است که تخصص های ضروری در یک جامعه، اکتسابی است و می توان بعد از جدائی، با برگزاری چند کلاس چند هفته ای آن را حل کرد.

حل شدن معضل بیکاری جدا شده ها و

آخرین اخبار رسیده از جامعه جدا شدگان در آلبانی حاکی است، دولت آلبانی و کمیساریا، اخیرا نسبت به برگزاری کلاس های تخصصی برای جدا شدگانی که از آنها حمایت می کند، اقدام کرده است. دولت آلبانی و کمیساریا در تلاش است، به هر طریق ممکن، تضاد کار جدا شده ها را حل کرده و در وصل و ذوب جدا شدگان به جامعه مردم عادی تیرانا کمک کند.

موضوع از هر قرار که باشد، این امر حاوی نکته جالبی است، آن هم اینکه فرقه ارتجاع در یک تلاش حداکثری و البته شیدانه، می کوشد جدا شده ها را در آلبانی به شکست کشانده و به خیابان خوابی، گدائی، فحشاء و اعتیاد بکشاند تا از این فرآیند با ایجاد وحشت از دنیای بیرون در درون فرقه، تبلیغ منفی نماید.

اما کمیساریا هر چند ناقص، نسبت به دادن غذا و مسکن حداقلی در سر وسامان گرفتن جدا شده ها همیاری می کند

آخر عمر فرقه در کجاست؟

فرقه رجوی می داند که افراد را در مکانی دور افتاده بهتر تحت کنترل ذهنی و فیزیکی قرار می دهد.

افراد گرفتار در چنگال رجوی نمی دانند که این جا به جایی به مکان جدید شرایط آن هزار بار بدتر از قرارگاه اشرف در عراق است، در این مکان اعتراضات بیشتر و فشار و سرکوب بیشتر خواهد شد و هیچ راه فراری وجود نخواهد داشت، بخصوص که برخلاف میل باطنی از آنان تعهد گرفته شده که تا آخر عمر در آنجا بمانند. فرقه رجوی در آستانه فروپاشی است. در عراق و در پادگان اشرف فضای اختناق و سرکوب حاکم بود افراد هیچ راه نجاتی نداشتند اگر کسی با خط و خطوط رجوی مخالفت می کرد بشدت با آن برخورد می کردند و در یک حصار بسته در بیابانهای عراق افراد را نگه داشته بودند. یقیناً فرقه از همان ابتدا و قبل از ترک عراق و انتقال به آلبانی، فکر راه اندازی اشرف سه را در سر داشته و بنا به دلایلی نتوانسته آنرا عملی کند ولی با دیدن جدایی نیروها، آماده سازی اشرف ۳ را علناً در دستور کار خویش قرار داد

اینکه رجوی و فرقه ننگینش به آخر خط رسیده شکی در آن نیست فقط دست و پا زدنهای او بیشتر شده او زمانی با زور و شکنجه می توانست افراد را در یک حصار بسته نگه دارد اما دیگر امروز گذشته چرا که آن افراد و نیروها دیگر آنها نیستند، مگر می شود فردی که پس از چند دهه اسارت ولو بصورت اندک کمی شمیم خوش آزادی را استنشام کرده دو باره به قفس کشاند.

نهایتاً اینکه اشرف سه هم راه بجایی نخواهد برد و مسیر اشرفی را که روزی شرف مسعود بود و آن را به باد داد طی خواهد کرد و در واقع اشرف سه نقطه پایان حیات فرقه خواهد بود.

انجمن نجات مرکز یزد

سران فرقه به جای انتقاد از خود و پذیرش مسئولیت خون‌هایی که بیهوده بر زمین ریخته شد، در یک فریبکاری و حقه‌بازی جدید، لیبرتی را که کمپ ترانزیت نام گرفته بود، به عنوان «اشرف ۲» مطرح کرد و خروج از آن را خط قرمز معرفی کرد و افراد محصور در آن را تهدید کرد.

اما آنجا هم نتوانست در مقابل حضور همیشگی و دائمی خانواده ها تاب و توان بیاورد و علیرغم میل باطنی خویش که دوست داشت در عراق بماند تا استراتژی و توجیه مبارزه کاربرد داشته باشد، تن به خروج از عراق داد و با وساطت عمو سام، آلبانی تنها کشوری بود که حاضر به پذیرش آنها شد.

اما در آلبانی شرایط کاملا با اشرف و لیبرتی فرق اساسی داشت کسانی که نزدیک به سه دهه در قرارگاه ها محصور فیزیکی و ذهنی بودند اینبار چیزهایی را می دیدند و تجربه می کردند که سابق براین تجربه نکرده بودند ارتباط اعضای فرقه با دنیای آزاد در تیرانا باعث جدایی و ریزش نیرو گردید و فرقه قادر نبود در آن شرایط آنان را به شدت کنترل کند و مانع از تردد شود به همین خاطر بخت برگشته ها را به این زندان مخوف به عنوان رفت بی برگشت می فرستد و برای همیشه با دنیای آزاد و اجتماع وداع خواهند کرد.

فرقه رجوی در روزهای اخیر برای محدود کردن هرچه بیشتر اعضای خود به صدور «ویزا» برای رفت و آمد آن‌ها در شهر و یا ساختمان‌های مختلف این فرقه، اقدام کرده است. تردد افراد بدون داشتن ویزا ممنوع است. فرقه تروریستی رجوی تمام توانش را به کار گرفت تا اشرفی دیگر بسازد تا بتواند افراد اسیر را در آن ایزوله کند و امکان جدایی برای اعضای بخت برگشته وجود نداشته باشد تا بتواند راحت تر آن‌ها را مغز شویی نماید.

بدون شک، هدف از راه‌اندازی «اشرف ۳» در آلبانی چیزی نیست جز برای به بند کشیدن هرچه بیشتر نیروها. نیروهایی که هرچند بصورت اندک فضای بازتری را در آلبانی نسبت به عراق تجربه کرده اند و نتیجه آن، از هم پاشیدن شالوده فرقه و ریزش نیروها بود. لذا فرقه رجوی با دادن رشوه به مقامات آلبانی، درصدد ایجاد زندان جدید خود در مرکز اروپاست.

همه می دانند که در ادبیات فرقه رجوی، قرارگاه اشرف به عنوان «کانون استراتژیک نبرد» خوانده می‌شد و مسعود رجوی در حالی که خود و مریم قجر و بخش زیادی از فرماندهانش از صحنه نبرد گریخته و خود را به محل‌های امن در اروپا و منطقه رسانده بودند، شعار می‌داد «چو اشرف نباشد، تن من مباد». و یا «کوه زجا بجنبند اشرف زجا بجنبند.»

به یاد داریم که این زوج با مغزشویی اعضای درمانده و گاه به اجبار آن‌ها را به مصاف نیروهای تاندان مسلح عراقی فرستاده و به آن‌ها تلقین می‌کردند که شعار دهند برای اشغال اشرف بایستی از روی جنازه‌های ما رد شوید. و یا ادعا می‌کردند «اگر اشرف بایستد، دنیا می‌ایستد». علیرغم همه‌ی این ادعاها، آن‌ها با دادن تلفات بسیار مجبور به ترک اشرف شدند آن هم هنگامی که دیدند حضور خانواده ها در مقابل اشرف، هست و نیست آنها را به باد داده و چاره ای جز فرار نداشتند و مسعود که اشرف را شرف خود می دانست آن را رها کرد

با نگاهی گذرا به نقش فعال و خستگی ناپذیر مجموعه خانواده ها در تحصن جلوی قرارگاه اشرف در کشور عراق به مدت قریب به چهار سال، که نهایتاً منجر به تعطیلی قرارگاه گردید می توان گفت که نمود کارسازترین اهرم حقوق بشری علیه فرقه رجوی همین خانواده ها هستند که تشکیلات رجوی به هیچ وجه جلودار آن‌ها نخواهد بود.

قبرستان اشرف و حکایت قبرهای ناشناس



اینها خودکشی کرده اند. یاد صحبت های نفراتی افتادم که میگفتند خودمان دیدیم برخی افراد مخالف سر به نیست شدند یا زیر شکنجه جان دادند. حرف این افراد درست بود. آنجا بود که لعنت فرستادم به باعث و بانی همه اینها یعنی مسعود و مریم رجوی. رجوی ها میگفتند که ما تا به حال کسی را نکشتیم و نخواهیم کشت. مسعود رجوی میگفت حتی در حملات به ایران یکی از مرز سرخهای من این است که به افراد میگویم افراد غیر نظامی را نکشید که دروغ می گفت و خیلی ها می گویند که تأکید می کرد که کسی را زنده پشت سر نگذارید. رجوی نفر سرسپرده خودش را براحتی می کشد، آدم عادی آنطرف مرز که جای خود دارد. افراد داخل تشکیلات حرفهای زیادی از مرگ های مشکوک در داخل فرقه دارند که روزی تماما بازگو خواهد شد.

می شد همه با خبر میشدند ولی چرا بعضی ها را اعلام نمی کردند؟ آن نفرات کسانی بودند که زیر فشارهای جسمی و روحی این فرقه و بعد از نشستهای مغزشویی خودکشی کرده بودند یا اینکه خود فرقه کسانی که تهدید به حساب می آمدند را سر به نیست کرده بود. خبردار شدم که افرادی در جاهایی دفن شده اند که حتی سنگ قبر هم ندارند. آنها نفراتی بودند که به رجوی ها نه گفتند و در برابر آنان مقاومت کردند و دیگر اثری از آثار آنان پیدا نیست. بعضا از مسئولم می پرسیدم که چرا برخی سنگ قبرها اسم ندارند؟ این ها چه کسانی هستند؟ او هم نمی دانست. یا سؤال میکردم که فلان فرد فوت کرد اما چرا کسی خبردار نشد؟ یک بار مسئولم به من اعتماد کرد و گفت که به تو میگویم ولی بین خودمان باشد. من هم آدم رازداری بودم. گفتم خیالت راحت باشد. گفت

زینال شهیدی، نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی نوشت: همیشه در داخل فرقه رجوی جای، و کسی بود که خاطراتی برای دیگران بازگو شود. نفراتی در درون تشکیلات بودند که دل و جرات بالایی داشتند و خاطرات خوب و بدشان را با طرف مقابل که البته قابل اعتماد تشخیص داده می شد در میان می گذاشتند. یکی از این خاطرات که خیلی ذهن مرا درگیر کرد و باعث شد تا نفرتم از مسعود رجوی چندین برابر شود مرگ های مشکوک در داخل فرقه بود. یادم هست که به قبرستان اشرف میرفتم و برای خودم پرسه میزدم و در گوشه و کنار که زیاد در دید نبود سنگ قبرهایی بود که اسم نداشت یا اینکه اسم داشت و می شناختم ولی تعجب می کردم که چرا مرگ آنان اطلاع داده نشد. اگر کسی در فرقه فوت می کرد یا کشته



خانواده ممنوع!

محمد علی قدرتی

سازی کنند و حصار و دیوار بکشند. دیگر جلوی انتخاب آزاد نفرات را برای تعیین زندگی آینده شان نمی توانند بگیرند. من از تمام خانواده های عزیز و محترم درخواست دارم تا تمام تلاش خودشان را بکنند تا عزیزانشان را از اسارت فرقه رجوی نجات دهند.

به نوشته بنیاد خانواده سحر در فرقه ها پنج ممنوعیت اصلی وجود دارد:

- ۱- عشق ممنوع - هر نوع عاطفه خصوصا نسبت به خانواده و نزدیکان ممنوع است.
- ۲- ارتباط ممنوع - تماس با خارج از فرقه خصوصا با اعضای خانواده ممنوع است.
- ۳- انتقاد به رهبر ممنوع - انتقاد و اعتراض به رهبر و نافرمانی ممنوع است.
- ۴- امر فردی و شخصی ممنوع - هیچ امر خصوصی مربوط به اعضا وجود ندارد.
- ۵- خروج ممنوع - عضویت در فرقه مادام العمل بوده و جدانشدن بالاترین گناه است. البته در کل ممنوعیت ها نامحدود هستند ولی اساسا در این پنج محور خلاصه می شوند.

نشود و انواع فشارها را می آورند. در عمل هم در طول این سالها می دیدم که نفراتی که در سازمان مجاهدین خلق اصرار بر خروج داشتند و کوتاه نمی آمدند بعد از یک مدت سر به نیست می شدند و دیگر هیچ کس هیچ خبری از آنها نداشت. الان هم در همین آلبانی افرادی هستند که می خواهند جدا شوند ولی آنقدر آنها را تحت فشارهای روانی قرار داده و ترسانده اند که جرأت این کار را ندارند. کاری می کنند که فرد به زبان اشهد خودش بگوید که غلط کرده است و پشیمان است. این یک نمونه از شارلاتان بازی های مسعود رجوی است که حرف تا عملش ۱۸۰ درجه تفاوت دارد.

چرا رجوی نمی گذاشت تا فرد به راحتی جدا بشود؟ چرا در عمل می بینم که نفرات به نقطه ای کشیده می شوند که مجبور به پذیرش ریسک و فرار می گردند؟ پس این مسعود رجوی چه می گفت و چرا چنین ادعایی داشت؟ اما دوران دروغ ها و ترفند های رجوی تمام شده است. الان هر چقدر می خواهند زندان

این روزها که ما در تیرانا زندگی می کنیم شاهد جدانشدن نفرات زیادی هستیم که از اسارت فرقه رجوی نجات پیدا می کنند. ولی واقعیت این است که در فرقه رجوی قانون خروج ممنوع وجود دارد و جدا شدن از این فرقه اصلا کار راحتی نیست.

شاهد بودم در سال هایی که در فرقه رجوی اسیر بودم، مسعود رجوی هر بار در نشست ها می گفت که آمدن به داخل مجاهدین خلق سخت هست ولی بیرون رفتن راحت است. می گفت درهای ورودی بسته اما درهای خروجی باز است، که دقیقا برعکس بود و او از روی نیرنگ و فریب این را می گفت. واقعیت این بود که خودم در طول سال هایی که در فرقه رجوی گرفتار بودم با چشمان خودم شاهد بودم که چقدر با دروغ و دغل افراد را جذب می کردند و بعد به زور نگاه می داشتند و امکان خروج به آنها نمی دادند. در حقیقت هر فردی که می خواست جدا بشود کار سختی در پیش داشت و تمام مسئولین علیه او بسیج می شدند تا جدا

افشاگری نجات یافته های از فرقه رجوی در تلویزیون آلبانی فرقه رجوی درباره کشتن انسان ها همه چیز را یاد می داد

یک عضو جدانشده از فرقه تروریستی رجوی در آلبانی گفت: در فرقه همه چیز را در مورد سلاح ها و کشتن انسان ها یاد گرفتیم و بسیاری از این افراد که شما اینجا می بینید انسان نیستند، ماشین قتل و کشتار هستند.

عضو جدا شده از فرقه رجوی این سخنان را در برنامه «فیکس فاره» شبکه تلویزیونی تاپ چنل آلبانی بیان کرد. در این برنامه تلویزیونی در مورد آنچه که در واقع در اردوگاه فرقه اتفاق می افتد سخن می گویند.

■ در فرقه همه چیز را در مورد سلاح ها و کشتن انسان ها یاد گرفتیم و بسیاری از این افراد که شما اینجا می بینید انسان نیستند، ماشین قتل و کشتار هستند

با تصمیم دولت آلبانی زمینی به مساحت ۲۰ هکتار در اطراف شهر دورس، واقع در شهرک مانزا در اختیار عناصر فرقه تروریستی منافقین قرار گرفته است. اعضای این فرقه تروریستی در بدو ورود به این کشور در ابتدا، در دو منطقه از کاشار آلبانی مستقر شده بودند.

از ماه مارس ۲۰۱۳ تا ماه سپتامبر سال ۲۰۱۶ کشور آلبانی حدود ۳۰۰۰ عضو این فرقه از عراق به آلبانی انتقال داده شده اند.

برنامه تلویزیونی فیکس فاره با برخی از اعضای سابق این فرقه گفتگو کرده است. (بیش از ۲۰۰ عضو در آلبانی از این فرقه جدا شده اند) به گفته افرادی که از فرقه منافقین جدا شده اند، عناصر رجوی شرایط بسیار سختی دارند و ارتباط آنها با خانواده هایشان به شدت ممنوع شده است. آنها به زودی دچار مشکلات شدیدی خواهند شد به دلیل اینکه هیچ گونه مدرکی، وضعیت مهاجرتی و یا پناهندگی سیاسی ندارند. به گفته سه تن از جدا شدگان که در این برنامه پخش شد، آنها در آلبانی آینده ای ندارند و همه چیز برایشان تاریک است.

این افراد افزودند: عوامل رجوی به آنها گفته اند اگر سازمان را ترک کنید زنده نمی مائید.

به گفته جدانشدگان از فرقه رجوی، آنهایی که به آلبانی منتقل شده اند امکان اشتغال ندارند و هیچ مدرکی نیز برای خارج شدن در دست ندارند.



فریاد رجوی از قرار گرفتن در لیست گروه های تروریستی جهان هیچ سازمان معتبر بین المللی بدون دلیل و مدرک به کسی مارک نمی زند

نمونه هایی که برای شما گفتم یک از هزار است. دیگر مجبور شدند بگویند که یک فرقه افراطی تروریستی است. در مستندات تلویزیونی که در آلبانی پخش شد مشخص گردید که مردم به شدت از این گروه متنفر هستند و همه خواهان رفتن آنان از آلبانی یا حداقل از تیرانا به محلی دور از چشم مردم می باشند. برخی از مردم آلبانی در این مستندات تلویزیونی حتی اعلام کردند که از روزی که افراد این گروه به محل آنها آمده اند یک روز خوش نداشته اند. هیچ سازمان معتبر بین المللی بدون دلیل و مدرک به کسی مارک نمی زند. باید دید که این فرقه چقدر شورش را درآورده و چقدر از دنیای متمدن به دور بوده که مجبور به اعلام چنین عنوانی شده اند.

وقتی در دنیای امروز نفرت را به اسارت می گیرند تا امیال فاسدشان را به پیش ببرند باید منتظر چنین عناوینی هم باشند. تازه این اول راه است. کم کم مردم آلبانی، درست مانند مردم ایران و مردم عراق، دارند به این نتیجه می رسند که با یک گروه افراطی تروریستی روبرو هستند. حتی رسانه های آلبانی هم شروع به کارهای تحقیقی در باره ماهیت فرقه رجوی کرده اند و نجات یافتگان هم به نیابت از خانواده های دردمند و رنج کشیده دارند ماهیت پلید رجوی را بیشتر روشن می سازند. ما جدانشده ها دیگر نخواهیم گذاشت تا مریم رجوی که چند دهه است خود را رئیس جمهور مردم ایران می خواند نمایشات گذشته خود را اجرا کند. مسعود رجوی از همه کس حتی مریم استفاده می کند تا به اهداف فاسد و پلید خود برسد. اما مسعود رجوی اگر نمرده باشد روزی فرا خواهد رسید که روزی هزار بار از خدا طلب مرگ کند. مسعود رجوی باید به خاطر بسپارد که اعضای خود فرقه اولین کسانی خواهند بود که خواهان محاکمه او خواهند گردید.

فرقه رجوی افراد روزمره جان می دهند - با نشستهای عملیات جاری (عملیات فشارهای روانی برای مغزشویی) برای درهم شکستن اراده افراد برای جدانشدن و ممانعت از فرار و به اسارت نگاه داشتن آنان که از مرگ بدتر است. این خطرناکترین نوع ترور است که باعث می شود افراد بدون آگاهی، ذهن و ضمیر و جسم و جان خودشان را در اختیار رهبر فرقه قرار دهند تا وی بتواند امیال شیطانی خود را برآورده نماید.

فرقه با صرف پول های هنگفت و خریدن افراد و نفوذ مافیایی در دستگاه دولتی در آلبانی برای سرکوب نفرت جداشده و نگه داشتن افراد در داخل تشکیلات خودش وارد عمل شده است اما الان کاملا رسوا شده و همه پی به ماهیت فرقه ای و تروریستی رجوی برده اند. همه می دانند که این فرقه چه بلاهایی بر سر جدانشدگان خود می آورد. بسیاری در درون تشکیلات به بیماریهای اعصاب و روان و افسردگیهای شدید گرفتار شده اند. افراد داخل تشکیلات اولین قربانیان تروریسم فرقه رجوی هستند. برای همه خوانندگان واضح است که همدستی فرقه رجوی با جنگ طلبان و افراطیون منطقه ای و بین المللی تا چه حد است. همه می دانند که مک کین حامی فرقه رجوی حامی داعش هم هست. این برای همه روشن است که فرقه رجوی در پولشویی و قاچاق و کلاهبرداری شرکت دارد و با این پول های کثیف نه تنها به دنبال رفاه حال اعضایش نیست بلکه از آن برای هرچه محدودتر کردن اعضا استفاده می کند و امیال شیطانی خودش را به پیش می برد. براین فرقه حتی حاضر به همکاری با کمیساریا و وزارت کشور آلبانی هم نیست و فقط خط دشمنان ایران را همچون گذشته به پیش می برد. مسعود رجوی فراتر از نوک بینی اش جایی را نمی بیند و مریم هم صرفا به دنبال برآورده کردن امیال کودکانه رجوی است.

جدیدا یک سازمان معتبر بین المللی حقوق بشری در آلبانی، فرقه رجوی را به عنوان یک فرقه افراطی و تروریستی اعلام کرده و جیغ مریم رجوی را در آورده است.

الان در مناسبات بین المللی هر کسی را سکت یا افراطی یا تروریست خطاب کنند باید فاتحه آن گروه را خواند، مخصوصا رهبر گروه مسعود رجوی که گوش هم مشخص نیست. زینال شهیدی، یکی از جدا شده های فرقه رجوی در آلبانی نوشت: رجوی وقتی در عراق بود و سلاح داشت و کنار مرز کارهای تروریستی و آدم کشی میکرد هیچ غلطی نکرد، الان نمی دانم بدون سلاح و دور از مرز با نفرتی که همه ناتوان و بیمار شده اند و حتی نای راه رفتن هم ندارند و هر کس می بیند دلش میسوزد چه غلطی می خواهد بکند.

لابی های رجوی تلاش کردند تا نام فرقه را از لیست های مختلف تروریستی با صرف هزینه های هنگفت طی سالیان خارج نمایند. حالا دوباره چرا درست در مرکز استقرار فرقه، افکار عمومی به حدی علیه سازمان مجاهدین خلق بلند شده که نامش مجددا به عنوان یک فرقه تروریستی مطرح گردیده است؟ فرقه ای که در دنیای متمدن امروزی حتی به افرادش اجازه ندهد تا آزادانه با خانواده ارتباط بگیرند و با اینترنت کار کنند مگر یک فرقه افراطی نیست؟ طبق شنیده ها از داخل تشکیلات فرقه رجوی، باز نفرت را وادار به بیگاری و کارهای سخت ساختمانی و کارهای یدی طاقت فرسا کرده اند. اگر نفرت راضی به این کار باشند که حرفی نیست، ولی تمام نفرت بدون استثناء مخالف این کارهای بیهوده و پوچ هستند و می گویند دوباره حمالی بی سمت و سو شروع شد. می پرسند که چرا مسئولین رده بالا این کارها را نمی کنند. در جنگ، سرباز یکبار کشته می شود، ولی در

اندکی صبر، سحر نزدیک است

خبردار شدند که با اعضای خود چه می‌کنی؟ حالا چرا به دست و پای ما افتاده ای که بیاییم مجدداً از خودت مستمری بگیریم؟ تو چه نفعی این وسط داری؟

هان ای مریم رجوی. خودت خوب می‌دانی که ما دیگر گول دروغها و فریبهای تو و شوهر گور به گور شده ات را نخواهیم خورد. هر چند قول داده ای که میزان مستمری را زیادت‌تر خواهی کرد اما توبه گرگ مرگ است. تو و فرقه ات را تا ابد قیچی کردیم و الان فقط نوبت افشاگری ما و رفت و آمد آزادانه و دوستی با هر که می‌خواهیم و زندگی به هر شکلی که دوست داریم است. این را بدان فشارهای تو را تحمل کردیم ولی از این به بعد زبانه باز شده است و هر آنچه در درون این تشکیلات وجود دارد را با خیال آسوده بیان خواهیم نمود و در همین آلبانی در انتظار عموم آبروی نداشته تو را خواهیم برد و کارهای کثیفی که در این فرقه می‌کنی را علنی خواهیم کرد. پس دیگر بی خود دست و پا نزن چون بیشتر در باتلاق فرو می‌روی. ما نجات یافتگان تازه رمز وحدت را یافته ایم. تلاش‌های تو برای تفرقه افکنی در میان ما سودی ندارد. هر کس هم از این پس فریب تو را بخورد در جامعه نجات یافتگان جایی ندارد. ما نجات یافتگان عزم جزم کرده ایم تا به پشتوانه خانواده‌ها و با وحدت کامل و یکپارچگی تمام در برابر تو و فرقه ات بایستیم و شکایات جنایاتی که کرده ای را در مجامع بین‌المللی پیش ببریم. پس منتظر باشد و بگرد تا بگردیم.

آلیس الصَّبْحُ بَقْرِب (آیا صبح نزدیک نیست؟ آیه ۸۱ سوره مبارکه هود، قرآن کریم)

از تو بگیرند؟ این چه نفعی برای تو دارد؟ مگر تا همین چند روز پیش ما را تهدید نمی‌کردی و ما را بریده مزدور خائن نمی‌خواندی و از ما در ازای دریافت پول امضای سند خیانت نمی‌خواستی؟ مگر از موضع حاکم با ما برخورد نمی‌کردی؟ مگر همین تو نبود که برای گرفتن مستمری تا وسط هر ماه ما را معطل نگاه می‌داشتی؟ مگر همین تو نبود که یک برگه جلوی تک تک ما گذاشتی تا امضاء کنیم که نوشته بود «ما بریده‌ها حق طلبکاری از رجوی نداریم» مگر همین تو نبود که می‌گفتی در این کشور غریب هیچ کس به داد جدانشده‌ها نخواهد رسید و ما مجبوریم از فرقه کمک بگیریم؟ چقدر افراد پشت سر کمیساریا و رمسا و وزارت کشور آلبانی حرف زدند که آنها از تو پول می‌گیرند و مطیع اوامر تو هستند؟ مگر نگفتی آنها بدون اجازه تو نمی‌توانند برای ما کاری انجام دهند؟

ای ننگ و نفرت بر تو مریم رجوی، نفرین بر تو. مگر تو نبود تا دیروز اطلاعات زندگی شخصی افراد و محل زندگی آنها را از جاسوسان و اجیرشدگان می‌گرفتی و علیه آنها اقدام می‌کردی؟ مگر تو نبود که افراد را تهدید می‌کردی که با فلان فرد ارتباط نداشته باش و بهمان جا برو. مگر مدام تهدید نمی‌کردی که مستمری قطع خواهد شد؟ مگر مستمری برخی افراد را صرفاً بخاطر ارتباط با خانواده قطع نکردی؟ حالا دیدی دود همه این فشارها به چشم کور خودت رفت؟ دیدی که چطور در عموم و حتی نزد کمیساریا در ژنو بور و کور و بی‌آبرو شدی و موضوع رسانه‌ای شد و همه مردم آلبانی و دنیا

در جریان فشار فرقه رجوی بر جدانشده‌ها برای محدود کردن آنها برای اینکه مبادا در آلبانی حرفی علیه فرقه بزنند و در اصل نتوانند واقعیت‌های درون تشکیلات را در بیرون درج بکنند هستید. فرقه اقدام به کم کردن مستمری و مشروط کردن آن به امضای سند اعتراف به خیانت کرد ولی با جنگ سیاسی که ما نجات یافتگان با این فرقه خبیث داشتیم به نتیجه رسیدیم و کمیساریا تحت فشار و اعتراض ما و فشار رسانه‌ها تصمیم گرفت تا مستمری پناهندگی ماهیانه ما را هر ماه به حساب خودمان واریز نماید.

محمد هاشمی، جدا شده از فرقه رجوی نوشت: این خبر قطعاً برای مریم رجوی خیلی ناخوشایند است و البته هرگز به ذهنش هم نمی‌زد که روزی ما بتوانیم در جنگ سیاسی با او پیروز شویم. گیجی و استیصال مریم رجوی از التماس‌های بعدی اش به خوبی مشهود است.

بعد از شنیدن این خبر، افراد دفتر مالی فرقه رجوی با بعضی از نجات یافتگان تماس گرفته و به دست و پای آنان افتادند و التماس کردند که خودشان مسئله شما حل می‌کنند. مشخصاً آنها گفتند که نمی‌خواهند مستمری را کم کنند یا فشار بیاورند و حتی پول بیشتر هم خواهند داد. تنها خواسته عاملان فرقه این بود که افراد از کمیساریا مستمری نگیرند و بخواهند که این پول از طریق سازمان پرداخت شود. افراد دفتر مالی فرقه گفتند که تضمین می‌دهند که دیگر هیچ مشکلی در پرداخت مستمری بوجود نیاید. باید از مریم رجوی پرسید که چه شده که حالا دنبال نجات یافتگان می‌دود که بیایند مستمری شان را

پیام خوشحالی یکی از جدا شده های فرقه رجوی به دوستان قدیمی خود فرقه گرایی بزرگترین آفت در عصر معاصر است

هر شخصی حق دارد راهش را انتخاب کند

یادداشت از گلی



درون قبر محبوس نموده و تماماً در ملک خود می گیرند تا به هیچ مساله ای فکر نکنند الا به رجوی ، حتی درون و بیرون خود را بیرون می ریزند و صادقانه می خواهند رابطه خود را با رجوی یگانه کرده تا در بین شان هیچ حائلی وجود نداشته باشد در واقع با این مکانیزم اراده را از انسان سلب نموده و به جایی می رسد که اعضای عین ماشین و رباط رفتار می کنند به طور مثال به وقتش اگر گفتند خودت را باید آتش بزنی باید قربانی خودش را آتش زده و فدا کند بی آنکه بداند در پشت پرده چه خبر است و چه می گذرد . فرد وقتی متوجه می شود که از قبری که برای او کندن خارج شده و به دنیای آزاد وصل می شود .

آری ورود شما یعنی دوستان قدیمی را به دنیای آزاد مجدداً تبریک می گویم و برای شما آرزوی موفقیت می کنم .

انجمن نجات مرکز مازندران

بدانیم فرقه گرایی اکنون بزرگترین آفت عصر معاصر است توی جوامع دیگری هم ریشه دارد اگر مطلع باشید حتی توی جوامع آمریکا هم فعالیت دارند در هر موقعیتی با ایدئولوژی خاص خود .

رجوی به اسم امام حسین (ع) در این عرصه پا به میدان گذاشت در حالی که هیچ درسی از امام حسین (ع) نگرفت وقتی او م ی جنگید از قیصر روم و خاقان چین و غیره پول و سلاح نگرفت در حالی که رجوی به صدام و آمریکا و عربستان آویزان شده است.

بگذریم گفتنی ها زیاد است اما مهم است بدانیم رجوی تروریست برای رسیدن به مقصود واهی و خیال پردازانه خود قیمت را از جیب اعضای خویش می پردازند از خودشان مایه ای نمی گذارند. به همین دلیل همواره تلاش دارند با هر قیمتی اعضا را به خودشان وصل نموده و با تعاریف جعلی و استنادات یک سوپه آنها را در

وقتی خبردار شدم شما از صف فرقه رجوی جدا شدید بسیار خوشحال شدم و به شما تبریک می گویم . هر شخصی حق دارد راهش را انتخاب کند ، هر انسان با اراده و انتخاب آزادانه مسیر زندگی خود را رقم می زند ، بر خلاف عقاید خشک و منجمد فرقه رجوی ، اتفاقاً قرآن کریم هم به آزادی انسان تاکید دارد و هویت انسان هم به آزادی و به عدم هر نوع قید و بندی شناخته می شود .

متأسفانه در نظام های فرقه ای با پیچیدگی بسیار و با سس ایدئولوژی و عقیدتی رهبران آگاهانه و عامدانه برای این که افراد را به قعر چاه ببرند از تحولات و پیشرفت های دنیای بیرونی بی خبر باشند به دسیسه ها و ترفندهای متوسل می شوند تا بتوانند اراده و عزم اعضای را به اسارت خویش در آورند . همچنین در عصر آگاهی و ارتباطات سران فرقه رجوی به دنبال منافع فردی و جاه طلبی خویش هستند ، باید

افشاگری خبرنگار «فیگارو»:

فرقه رجوی در نشست‌هایش به هر سخنران آمریکایی ۲۵ هزار دلار پرداخت می‌کند

انتقادهای درباره حضور سرکردگان فرقه تروریستی منافقین در فرانسه ادامه دارد



خبرنگار «فیگارو» به نقل از یک منبع دیپلماتیک خبر داد، فرقه تروریستی رجوی در مراسم‌های خود به هر سخنران آمریکایی ۲۵ هزار دلار می‌دهد.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، در حالی که انتقادهای درباره حضور سرکردگان فرقه تروریستی منافقین در فرانسه ادامه دارد، یک خبرنگار ارشد فرانسوی از هزینه‌های گزاف این گروهک به سخنرانان آمریکایی و فرانسوی حاضر در مراسم‌های منافقین خبر داده است.

«جورج مالبرونو» خبرنگار ارشد «فیگارو» خبر داده که فرقه تروریستی منافقین در مراسم‌های خود، به هر سخنران آمریکایی ۲۵ هزار دلار و به هر سخنران فرانسوی ۱۲ هزار و پانصد دلار پرداخت می‌کند. او به نام و هویت این دیپلمات اشاره‌ای نکرده است.

پیش از این بارها اسنادی منتشر شده بود که در آن‌ها منافقین به هر سخنران آمریکایی مبلغی بیش از ۵۰ هزار دلار پرداخت می‌کند و حتی برای تجمعات خود، شرکت کنندگان خارجی اجازه می‌کند که عمدتاً دانشجویان شرق اروپا و آفریقا هستند. این گروه آن‌ها را با وعده غذای گرم، گردش یک روزه در پاریس و ۵۰ دلار پول به جشن‌های خود می‌کشد تا نشان دهد هنوز طرفدارانی دارد.

در پی اغتشاشات اخیر در ایران، شماری از مقامات آمریکایی و اعضای کنگره از این اعتراضات حمایت کرده‌اند.

نماینده پارلمان انگلیس ۸۰۰ پوند از فرقه ارتجاع و سرکوبگر رجوی گرفت

همچنین لازم به توضیح است اسناد منتشر شده از پارلمان انگلیس نشان می‌دهد که تویی

انگلستان را ندارد.

میدل ایست آی در مصاحبه با ماهان عبدین تحلیلگر مسائل ایران نوشت: اگر پارلمان‌های انگلستان با هدف تغییر در ایران یا حمایت از متعاضان ایرانی از آن‌ها حمایت می‌کنند که راه درستی را انتخاب نکرده‌اند چراکه این گروه هیچ جاذبه‌ای ندارد و مورد نفرت جهانی است. یکی از دلایل تنفر از این گروه خاطراتی است که از دیرباز باقی مانده است. آنها در جنگ ایران و عراق به طرز وقیحانه‌ای در طرف عراق قرار گرفتند.

بر اساس اسناد منتشر شده، پرکینز نماینده چسترفیلد مبلغ ۸۰۰ پوند از فرقه رجوی و دیوید آمس و باب بلکمن هزینه‌های سفر خود را از کانون حقوق بشر و دموکراسی وله دریافت کردند. ویلیز و آمس در سخنرانی خود در این گردهمایی از ضرورت حمایت از رجوی و حقوق بشر و دموکراسی گفتند.

پرکینز نماینده حزب کارگر پارلمان انگلیس مبلغ ۸۰۰ پوند از فرقه ارتجاع و سرکوبگر رجوی با هدف شرکت در یک «همایش حقوق بشری» دریافت کرده است.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی فراق به نقل از میدل ایست آی، پارلمان انگلیس نوشت: برخی از نمایندگان پارلمان انگلیس در گردهمایی یک گروه جنجالی شرکت کردند که تا سال ۲۰۰۸ در لیست سازمان‌های تروریستی دولت انگلستان بوده است.

نمایندگان محافظه کار دیوید آمس، باب بلکمن، ترزا ویلیز، متیو آفورد و تویی پرکینز از حزب کارگر در میان هیئت انگلیس حاضر در گردهمایی فرقه رجوی در پاریس در اول ژوئیه بودند.

بسیاری از کارشناسان و اعضای سابق فرقه ارتجاع رجوی، این سازمان را یک فرقه می‌دانند و مریم رجوی رهبر این گروه هنوز اجازه ورود به

همسران فداکار و چشم انتظار

هیچ عملی از آنها ندیده ایم؟
چرا سران فرقه رجوی همسر را که سی سال در اسارت آنها بوده آزاد نمی کنند تا این آخر عمری در کنار خانواده اش باشد و نوه هایش را نوازش کند و تکیه گاهی برای من و خانواده اش باشد؟

متکی، همسر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی: ۳۰ سال است صدایی از همسر من نشنیدم



همسر توانست فرزندان سالم بزرگ نماید و راه زندگی درست را به آنها بیاموزد و وی اکنون دیگر توان خود را از دست داده است.

عباسی می گوید که چندین بار برای دیدار با همسرش به عراق رفته و حتی در اطراف پادگان نظامی اشرف نیز به همراه سایر خانواده ها حضور داشته ولی متأسفانه سران فرقه رجوی به او اجازه ملاقات نداده اند و حتی کمیساریای پناهندگی و نمایندگان صلیب سرخ نیز که با وی مصاحبه نموده اند و نام همسرش را یادداشت کرده اند هیچ گونه جوابی نداده اند و تنها از طریق انجمن نجات و افراد بازگشتی میباید که تا حدودی از اخبار همسر اطلاع دارم و میدانم که به آلبانی اعزام شده اند و در آنجا نیز در شرایط بسیار بدی نگه داری می شوند.

انم عباسی که اکنون ناراحتی برایش شدیداً ضرر دارد و باعث درد بیشتر قلب وی می شود با گریه ادامه می دهد که چرا هیچ نهاد و ارگان بین المللی به داد ما خانواده ها نمی رسد و تنها خواسته ما را که فقط یک ساعت ملاقات آزادانه با همسر من باشد را مورد رسیدگی قرار نمی دهد؟

وی ادامه می دهد که پس کجا هستند مدعیان حقوق بشر که تنها شعار می دهند و

فرقه ضدبشری رجوی در طول بیش از سه دهه خیانتی که در حق بسیاری از انسانهای آزاده نموده و آنها را از نظر ذهنی و جسمی اسیر و گرفتار عقاید پوچ و بی هدف خود نمودند.

بسیاری از پدران و مادران را نیز در حواشی اعمال ضدانسانی خود نیز گرفتار نمودند که مادران قربانی از جمله همین خیانتها بود که متأسفانه تاکنون نتوانسته در جوامع به اصطلاح حقوق بشری از حقوق اولیه خود که همانا ملاقات با فرزندانشان حتی به مدت یک ساعت میباید برخوردار شوند.

اما با نگاهی کوتاه در برخی خانواده هایی که از سران سازمان ضدخانواده رجوبسم آسیب دیده اند در می یابیم که همسرانی فداکار و زحمتکش که بیش از سی سال هنوز هم به پای شوهرانشان که در فرقه ضاله رجوی گرفتار میباشند نشسته اند و همان اندازه که پدران و مادران این زندانیان از نبودن فرزندانشان رنج دیده اند و شاید هم بیشتر این همسران آسیب دیده اند و زجر کشیده اند، آنها الگوی به تمام معنای یک فرشته هستند که بعضاً بیش از سی سال برای بزرگ نمودن فرزندانشان در غیاب پدر خانواده زحمت کشیده اند و خون دل خورده اند تا بتوانند فرزندانشان را بدون آنکه احساس نمایند که سایه پدر بالا سر آنها نیست بزرگ کنند و به جامعه تحویل دهند.

خانمهایی که تمام جوانی خود را در نبود همسرانشان بپای فرزندانشان ریختند تا آنها احساس دلتنگی برای پدر نکنند و در این راه نیز کمر آنها شکست و موهای آنها همانند دندان سپید شد تا پسران و دخترانشان در سایه غم و اندوهش به آرامی و نجات زندگی نمایند.

صدیقه عباسی موجنی یکی از این همسران فداکار می باشد که بیش از سی سال در نبود



رقیه متکی، یکی دیگر از همسران چشم انتظار از اسیران فرقه رجوی است که سال ها برای برپا نمودن زندگی ساده خود زحمت کشیده و با توجه به اینکه اسماعیل، همسرش را در کنار خود نداشته ولی با همت و تلاش توانسته برای خود سرپناهی آماده کرده و زندگی خود را ادامه دهد.

خانم متکی در مورد شوهرش اسماعیل شهسوار می گوید که وقتی دخترم کوچک بود و هنوز حرف زدن بلد نبود ما را تنها گذاشت و اکنون بیش از سی سال میشود حتی صدایی از او را نشنیده ایم و الان دخترم فرزندان دارد و اسماعیل خیلی وقت است که نوه دار شده ولی افسوس که او پیش مانیست تا بتواند با نوه هایش بازی کند و دست خود را بر سر آنها بکشد.

آیا از منافقین می توان انتظار گفتن حقیقت را داشت؟

صالحي



تصویری از جایگاه فرقه تروریستی رجوی از منظر مردم شرکت کننده در راهپیمایی ۲۲ بهمن

باز هم جشن پرشکوه سالانه مردم ایران برای پیروزی انقلاب شان برگزار شد و باز هم طبق معمول فرقه تروریستی رجوی بر اساس روال همیشگی ادعا نمود که کسی در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت نداشت! آنها در سایت های خود نوشتند «به رغم بسیج همه جانبه برای ۲۲ بهمن از چند هفته پیش، این نمایش، با شکست روبرو شد!»

سران فرقه تروریستی رجوی در حالی که مدعی بودند بسیج برای شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن شکست خورده است، اما از آنجا که دروغگو فراموشکار است و واقعیت ۱۸۰ درجه بر عکس ادعای آنها بود، در ادامه همان مطلب نوشتند: «گزارشها حاکیست، کارگزاران دولت برای کشتادن جمعیت به راهپیمایی اقدام به توزیع آش، ساندیس، کیک و سیم کارت تلفن همراه کردند.» معنای این جملات این است که مردم آمدند اما علت حضورشان غذا و سیم کارت بود. ادر مطلب دیگری، برای پوشاندن حقیقت و خالی کردن عقده های خود نسبت به ملت ایران، شرکت کنندگان در راهپیمایی ۲۲ بهمن را «عروسک های کوکی» خوانده و به توهین و افترا علیه آنان پرداخته و القابی که لایق خودشان بود را ردیف کردند البته این حرف ها از فرقه تروریستی رجوی نه جدید است و نه عجیب، سران این فرقه اگر دروغ نگویند عجیب خواهد بود. تاریخچه این فرقه مملو از این دروغ هاست.

از کسانی که با ترورهای کور و انفجارهای مرگبار، سالهای خونینی را در دهه ۶۰ برای ایران رقم زدند؛

کسانی که با هدف نابودی کشور، برای دشمن متجاوز و صدامی که بر سر مردم ایران موشک و بمب شیمیایی می ریخت مزدوری کردند؛

کسانی که علیه پیشرفت علمی مملکت خود جاسوسی می کنند؛

کردند و اعضای ناراضی را به زندان مخوف ابوغریب می فرستادند؛ کسانی که درون فرقه خود استفاده از تلفن و وسایل ارتباطی را ممنوع کرده و اعضای خود را از دسترسی به وسایل ارتباط جمعی منع نموده و آنها را از دنیا قطع کردند؛ کسانی که در فرقه سه هزار نفره خود، نزدیک به ۱۰۰ زندانبان و شکنجه گر برای کنترل اعضا گماشته اند؛

کسانی که خانواده را «کانون فساد» خوانده و به این بهانه اعضای متاهل را مجبور به طلاق نمودند سپس مریم قجر، به تشکیل حرمسرا برای رجوی پرداخت و دست انداختن به زنان فرقه را «رقص رهایی» نامیدند؛

کسانی که آنچنان در بین مردم ایران منفور و بدون حامی هستند که حتی مخالفان نظام در خارج از کشور هم حاضر به شرکت برنامه های آنها نبوده و سران فرقه با صرف هزینه هنگفت شهرواندن کشورهای دیگر را با وعده تور تفریحی، غذای گرم و هتل به اسم ایرانیان قالب می کنند؛ و کسانی که...

آیا از چنین کسانی می توان انتظار گفتن حقیقت و بیان واقعیت را داشت؟

کسانی که از آمریکا (یعنی همان حکومتی که خودشان آن را امپریالیست می خواندند و مدعی بودند که رابطه با آن «با اسارت یا نبرد» است) ملتسمانه می خواهند که مردم ایران را مورد بیشترین تحریم ها قرار داده، و تحریم هایی که آمریکایی ها آن را شدیدترین تحریم های تاریخ می خواندند را ناکافی می شمردند؛

کسانی که وقتی ترامپ مردم ایران را تروریست خواند و خلیج فارس را خلیج عربی نامید، به شوق آمده و اطلاعیه حمایت از این پیام دادند؛

کسانی که در ازای وطن فروشی و جاسوسی و خیانت، نیازهای مالی خود را توسط، صدام، سعودی ها، اسرائیل و جنگ طلبان غربی تامین می کنند؛

کسانی که همصدا با جنگ طلبان ضد ایرانی همچون جان بولتن، سخن به گزافه می گفتند که نخواهیم گذاشت طول عمر انقلاب ایرانیان به چهلمین سالگرد سال خود برسد؛

کسانی که اعضا فرقه شان را در قرارگاه جهنمی اشرف به زندان افکنده و سر به نیست

سخنان سران فرقه سرکوبگر رجوی خطاب به جدا شده ها: یا برگردید یا از آلبانی بروید



کنند تا آنها را به کشورهای همسایه بفرستند تا گرفتار شوند و امکان افشاگری نداشته باشند. انجمن نجات استان اردبیل این اقدامات ضد بشری فرقه رجوی و سکوتی که وزارت کشور دولت آلبانی و کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان در این رابطه اتخاذ کرده اند را محکوم نموده و از تمامی مجامع حقوق بشری و بین المللی خواستار رسیدگی به موضوع می باشد. به نوشته بنیاد خانواده سحر، نجات یافتگان مصمم هستند تا در کشور آلبانی ثابت و استوار مانده و در برابر فشارهای روز افزون فرقه مخرب رجوی مقاومت کرده و شکایات خود را همچنان پیگیری نمایند. آنان نخواهند گذاشت تا فرقه تروریستی رجوی حقوقشان را پایمال نموده و آنان را وادار به تسلیم کرده و خواسته های خود را به پیش ببرد.

کرده و حاضر به امضای برگه مربوطه در اذای دریافت آنهم تنها دو سوم پول نشده اند که عبدالله تهرانچی مسئول دفتر فرقه رجوی در تیرانا با وقاحت تمام به آنها گفته است که: «چه بهتر، پول نگیرید، سازمان استقبال می کند و این پول از طرف شما به صندوق سازمان برگردانده می شود.»

در حال حاضر که یک سوم از مستمری جدانشدگان کم شده است آنان حتی پول کافی برای خوراک روزانه خود هم نخواهند داشت و تحت فشار مضاعف قرار خواهند گرفت.

این فشاری است که فرقه رجوی بر جدانشدگان می آورد تا آنها به فرقه برگردند یا از آلبانی بروند. نفرت فرقه در هر فرصتی به جدانشدگان گوشزد می کنند که اگر از این کشور بروند وضع بهتری خواهند داشت و تلاش می

همانطور که در جریان هستی مستمری پناهندگی ماهیانه افرادی که از فرقه رجوی جدا شده اند، در یک توافق غیر قانونی با کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، توسط خود فرقه به صورت حضوری و دستی پرداخت می شود.

در این نوبت که افراد برای گرفتن مستمری پناهندگی خود مراجعه کردند با این واقعیت مواجه شدند که یک سوم از حقوق آنان کسر شده است. همچنین در اذای پرداخت همان دو سوم باقیمانده برگه ای جلوی آنها گذاشته و خواسته اند تا نوشته و امضاء کنند که هیچ طلبی ندارند و بدهکار هم هستند. همچنین از آنان تعهد گرفته شده که هر زمان پولی به دستشان رسید بدهی سازمان را برگردانند. برخی افراد نسبت به این موضوع اعتراض

جواد خراسان، مزدور فرقه ارتجاع رجوی در آلبانی اعضا را کنترل می کند

خانواده ها با اعتراض خود به کمیساریا جداشده ها را یاری کنند



دارند که مجموعاً ۲۵۰ تا ۴۰۰ یورو میشود. متأسفانه همین کمترین پول را هم به ۲۲۰ یورو تنزل دادند.

ببخشید این کلام را بکار می برم می خواهم با شما عزیزان راحت باشم. این زندگی حیوانی است که فرقه رجوی بعد از عمری جان کندن برای مسعود رجوی برای ما تدارک دیده است. خود فرقه در درون تشکیلات تبلیغ می کند که این باعث افسردگی شدید نفرات شده است.

خوراک معمولی دارند. خانه ای هم که میگویم نباید اسم خانه را روی آن گذاشت. ولی نفرات مجبور هستند. فرد اگر سیگاری هم نباشد نزدیک به ۱۵۰ تا ۲۰۰ یورو خرج پوشاک زمستانی و موارد و الزامات ضروریات می شود. تازه بگذریم از خوشی های معمول که همه مردم در تمام دنیا دارند که این نفرات فقط تمام خوشیهایشان موبایل و اینترنت است و خوشی دیگری ندارند. این کمترین هزینه است که نفرات

من یکی از نجات یافتگان از فرقه رجوی در آلبانی هستم که می خواستم وضعیت افراد جدا شده در تیرانا را در حال حاضر بازگویی نمایم. شاید باورتان نشود اما مریم رجوی و فرقه اش در آغاز سال نوی میلادی مستمری پناهندگی ما جدانشدگان را که نزدیک به ۳۲۰ یورو بود به ۲۲۰ یورو تقلیل دادند. اول مختصری از مخارج نفرات را برایتان می گویم. اکثر نفرات حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ یورو فقط خرج کرایه خانه و

همه نفرات متجمله خودم وضعیت اسفباری داریم. وقتی مریم رجوی به صراحت می گوید که اینها باید بمیرند این احتمال وجود دارد که حتی قصد جان ما را بکنند و ما بی شک در خطر هستیم. ما بعد از چند ده سال مبارزه برای این فرقه الان به دنیای بیرون آمده ایم ولی ای کاش خدا ما را میکشت و در موشک باران لیبرتی می مردیم و الان فرقه رجوی که اوج آمال و آرزوهای ما بود را اینطور ضد بشر نمی دیدیم و این پول آلوده را هم از فرقه نمی گرفتیم.

فقط از خانواده ها در خواست دارم که اگر کمیساریا دفتری در کشور محل زندگی شان دارد خانواده های محترم با اعتراضشان به ما کمک کنند یا حتی نامه نگاری و امضای طومار نمایند. این درخواست تمام ما نفرات است که جز شما کسی را نداریم. خیلی متشکرم. به امید روزی که مریم رجوی به سزای اعمالش برسد و همه اسیران آزاد شوند.

■ زینال شهیدی

و به حرمت خون شهیدان به ما می دهند ما بدهکار و مدیون سازمان هستیم و باید به موقع پول را به سازمان برگردانیم.

این محتوای کثیف این برگه است. ما همین نفرات هستیم که بالای ۳۰ سال از عمر خود را به پای این فرقه منحوس ریخته و به آن هویت سیاسی داده ایم. این مسعود رجوی بود که پا روی خون شهیدان و رنج امثال ما گذاشت و برای خودش رهبر فرقه شد و الان اینقدر از ما طلبکار است. اینجا من حرفم با مریم رجوی این است که اگر قرار است ما را اینجا بکشی پس باید اول فرزند مسعود رجوی خائن که بریده است را بکشی. ولی او الان در نروژ در بهترین امکانت و رفاه قرار دارد. مرگ برای ما آدم های بی کس و کار است که مریم رجوی عفریته می گوید و امیال کثیفش را از طریق مزدوری چون جواد خراسان پیش می برد. من یک دنیا حرف دارم ولی به خدا ای هموطنان این فرقه جهنمی مثل یک حیوان با ما تنظیم رابطه می کند و الان

آنوقت مریم رجوی دم از حقوق انسان می زند. او به مسئولینش گفته است که اینها که جدا شده اند باید یا از این کشور بروند یا بمیرند. او از طریق نوحه کثیفش شخصی به نام جواد خراسان (اسماعیل مرتضایی) دارد این موضوع را پیش میبرد که افراد از آلبانی خارج شوند.



اسماعیل مرتضایی معروف به جواد خراسان

حتی این ۲۲۰ یورو هم که به ما می دهد برگه ای گذاشته که باید نفرات آن را امضا کنند که محتوای این برگه این است که از فرقه متشکریم که ما را با رنج و از روی خون شهیدان به آلبانی آورد و ما مدیون این سازمان هستیم و این پول را هم که با پایمال کردن خون شهیدان

جامعه جداشده ها در آلبانی همچنان در حال گسترش و یک پارچه شدن است

محمد هاشمی

حال گسترش و یک پارچه شدن است. ما به رجوی نشان خواهیم داد که دیگر دوران فشار و اذیت و آزار تمام شده و ما روز به روز گسترده تر و منسجمتر میشویم و مثل پتکی بر فرق تو فرود خواهیم آمد. دوران زورگویی تو تمام شده و ما در هر جا در مقابل تو می ایستیم و کوتاه نخواهیم آمد و پیروزی از آن ما و روسیاهی و آبروریزی برای توست.

رجوی منتظر باش تا نتیجه فشار بر افرادی که عمرشان را به پای تو و فرقه ات هدر داده اند و آنها را چنین اذیت و آزار میدهی را به چشم ببینی. جوابهای دندان شکن را بزودی دریافت خواهی کرد.

هم از روی نفهمی و کودنی و تحت فشار و از سر استیصال انجام داده است.

ولی ما الان نه در اشرف هستیم نه در لیبرتی که بتواند ما را محدود کند. ما الان در کشور دمکراتیک هستیم و این کار مریم رجوی فقط ماهیت او و فرقه اش را نشان می دهد. همین کار مریم رجوی باعث شده که لبه تیز شمشیر به سمت خودش برگردد و با تلاش و اقدامات به موقع جدا شدها در ارتباط با وکلا و کمیساریای آلبانی و دفتر کمیساریا در ژنو همه چیز به سمت خودش برمی گردد و با آبروریزی بزرگی مواجه خواهد شد.

جامعه جداشده ها در آلبانی همچنان در

همچنان که در جریان کم کردن مستمری و در مرحله بعد قطع کردن آن هستید در این ایام مریم رجوی دستور کم کردن و در نهایت قطع کردن مستمری افراد جدا شده را صادر کرده و با فشار و اذیت و آزار می خواهد که به این شکل نشان دهد که دست بالا را در برابر جدا شده ها دارد و فکر می کند با چنین اقدامات کثیفی می تواند ما را در چنگ خود داشته باشد که ما زبلمان باز نشود.

ولی مریم رجوی بزرگترین اشتباه محاسبه را در این زمینه کرده است. البته به نظر خودش فکر می کند که این کار باعث مرعوب شدن ما در برابر خواسته های او می شود. البته این کار را

همگی کور خواندید

اکبر حسینی
اسیر آزاد شده از فرقه رجوی در آلبانی



در دنیا در هر کشوری که شما در نظر بگیرید، بالاخره ناراضی‌تی و اعتراضات وجود دارد. مثلا همین اواخر در یونان یا حتی در خود آمریکا هم یک سری اعتراضات گسترده بود. کسی منکر این نیست که در داخل ایران هم ناراضی‌تی و اعتراض وجود دارد. در یک خانواده هم باز بالاخره یک سری مشکلات داخلی هست، اما این مشکلات به دزدی که وارد خانه شده هیچ ربطی ندارد. اخیرا در ایران یک سری تظاهرات اعتراضی علیه بیکاری و فساد و گرانی صورت گرفت که قطعاً چیز غیرعادی نبود. اما این میان ناگهان مسعود رجوی گور به گور شده که معلوم نیست در کدام گوری مخفی است سر از قبر بیرون آورد و پنج پیام پشت سر هم داد.

جالب این بود که رجوی به جوانان توصیه می‌کرد که نترسند، شجاع باشند و پیش بروند. ببینید چه کسی دارد از نترسیدن و شجاعت حرف می‌زند. مردک وقیح ۱۵ سال است از ترس معلوم نیست در کدام سوراخی پنهان شده و جرأت ندارد حتی یک عکس یا یک پیام صوتی از خودش منتشر کند، آن وقت به دیگران توصیه می‌کند که بروند و خطر کنند. رجوی مانند همیشه فقط اشک تمساح می‌ریزد و بعد به جوانان وطن پیام می‌دهد که او هست و حامی آنان خواهد بود. مسعود رجوی اول بگوید که در کجا هست

از خود تو به خاطر خیانت و وطن فروشی متنفر هستند.

حالا تو آمدی و می‌خواهی به مردم و جوانان خط بدهی که چکار کنند. درست مثل همان دزدی می‌ماند که وارد خانه شده و میخواهد خودش را داخل مشکلات خانواده نماید. آیا غیر از این است که همه اعضای خانواده علیه آن دزد متحد می‌شوند؟ همان کاری که مردم ایران اخیرا کردند. مردم همه اعضای یک خانواده هستند که قبل از هر چیز امنیت خانه برایشان مهم است. البته تو دزدی هستی که باز هم مثل تمام این سالهای گذشته به کاهدان زدی. دقیقاً مثل تحلیل‌های سیاسی که می‌کردی فقط وهم و خیال کردی. تصور فرقه ات این بود که اگر چند خط از تو از قبر بیرون بدهند مردم می‌آیند و مملکت را دو دستی تقدیم آنان می‌کنند. جدا همگی کورخواندید.

و چه می‌کند و چگونه و از کجا می‌خواهد حامی اعتراضات مردمی باشد و تاکنون چه حمایت مادی کرده است.

حالا مردم به خاطر بیکاری و گرانی اعتراض کردند، اما به رجوی باید گفت که ای ملعون تو خودت چقدر در این بیکاری و گرانی سهم داشتی؟ چقدر بر طبل تحریم کوبیدی؟ تو تنها نیروی اپوزیسیون بودی که مدافع سرسخت تحریم مردم ایران بودی. تو بودی که تلاش داشتی تنور جنگ باعراق را فعال نگه داری و بعد از آتش بس هم به دنبال استراتژی جرقه و جنگ بودی تا بلکه به بهای جان و مال مردم ایران به قدرت برسی. یکی نیست به این ملعون بگوید که تو خودت این بلا رو سر مردم آوردی. بعد چه می‌گویی؟ خیال می‌کنی مردم برای حرف تو به خیابان آمدند؟ اتفاقاً دخالت تو باعث شد که مردم صحنه را ترک کنند و به خانه برگردند. چون بیش از همه

یکی از جدا شده های پرتلاش، خطاب به سران فرقه ارتجاع رجوی: بجنگ تا بجنگیم، اینجا عراق نیست



حال نوشتن و امضای طومار علیه جنایات رجوی در داخل تشکیلات و فرستادن آن به وزارت کشور و دفتر کمیساریا در آلبانی هستیم.

البته در بین مردم آلبانی هم این خبر دهان به دهان گشته و به گوش مسئولین دولتی هم رسیده و موجبات نگرانی آنان را هم فراهم کرده است. این اقدام، ماهیت کثیف و ضد بشری فرقه رجوی را بین مردم آلبانی بیشتر روشن کرده و به لحاظ اجتماعی نیز تیر خلاصی بر تبلیغات فرقه رجوی زده است.

همین اقدام رجوی باعث استحکام ما جدادگان و اتحاد ما شده و ما هم از حق قانونی و تعهداتی که رجوی در زانو امضاء کرده کوتاه نمی آیم. ما خواهان این هستیم که کمیساریا و دولت آلبانی حقوق ما را که از صندوق کمیساریا برای ما مشخص شده بدست بگیرد. آنوقت رجوی دجال خواهد دید که زبانه باز خواهد شد و ماهیت کثیف او را در افکار عمومی و مطبوعات آلبانی با عکس و اسامی حقیقی بر ملا خواهیم نمود.

پس به رجوی ملعون می گوییم بجنگ تا بجنگیم. منتظر عواقب این اعمال کثیف و ضد انسانی خودت باش. ما هم جمله مریم رجوی را تکرار می کنیم که اینجا عراق نیست.

همین دلیل رجوی به هر دری میزند تا مانع ارتباط ما گردد. این البته ترفند جدیدی نیست. قطع پول کمترین جنایتی است که رجوی جانی دست به آن زده است. این کار جنایتکارانه به مثابه زجرکش کردن افراد و مرگ تدریجی میباشد که این کار یک نوع جنایت جمعی محسوب میشود. حال به محتوای برگه رجوی که جلوی ما گذاشت تا امضاء نماییم توجه کنید: در این برگه نوشته شده که ما از مبارزه بریده و کسالتی هستیم که به تعهدات خود پشت کرده ایم و پا روی خون شهدا گذاشته ایم و تا به حال از خون شهدای مجاهد خلق مکیده ایم و با خون شهدای مجاهد خلق توسط سازمان به کشور امن رسانده شده ایم و این پول که به ۳۰ هزار لک در ماه تنزل یافته تا دو ماه دیگر داده میشود و بعد از دو ماه تمام پولهای دریافتی تاکنون را باید به صندوق رجوی بازگردانیم.

وقاحت و دجالیت و خونخواری رجوی جنایتکار تا کجا پیش رفته است؟ بعد از این واقعه با تعداد زیادی از دوستان که حاضر نیستند این برگه را امضاء کنند در حال شکل دادن کارزاری با اتحاد قوی هستیم و هم اکنون در حال نوشتن طومار و ارسال آن به دفتر کمیساریا در ژنو می باشیم و در آلبانی هم در

محمد هاشمی، یکی از اسیران جدا شده از فرقه رجوی نوشت: وقتی برای دریافت مستمری پناهندگی ماهانه به دفتر فرقه در تیرانا مراجعه کردیم، مسئول پرداخت مستمری در دفتر مالی یک برگه سراسر توهین و تحقیر را جلوی ما گذاشت و گفت: «اگر این برگه امضاء نشود هیچ پولی پرداخت نخواهد شد». بعد هم گفت: «تازه اگر برگه را امضاء کنید صرفاً به میزان سی هزار لک داده میشود و این هم صرفاً برای دو ماه است و بعد از دو ماه دیگر هیچ پولی پرداخت نمیشود.»

دجالگری و خوردن حق جدادگان و فشار و اذیت و آزار آنان تا چه حد؟ معلوم شد که حضور جداد شده ها در تیرانا چون خاری در چشم رجوی میباشد و این اذیت و آزار تنها جایگاه ما و برتری ما را نشان میدهد. طرح رجوی جنایتکار این است که ما را مجبور کند تا به صورت غیرقانونی از آلبانی خارج و گرفتار شویم، یا در دام قاچاقچیان بیفتیم یا راهی زندان گردیم، و از دست ما در تیرانا خلاص شود.

واضح است که ما جدادگان با دوستان اسیرمان در تشکیلات فرقه رجوی ارتباط برقرار میکنیم و راه را برای جدا شدن دوستانمان که از دنیای آزاد خبر چندانی ندارند باز می نماییم. به

مریم رجوی دیوانه وار برای نفرات جدا شده خط و نشان می کشد

مریم رجوی که انگار در بن بست مرگبار عقلش را هم از دست داده است نمی داند که با این کارها بیشتر آبروی نداشته خودش را می برد و دستش پیش همه از جمله دولت آلبانی و کمیساریا رو شده که چقدر ضعیف و شکننده است. او به زبان اشهدش دارد هر روز به همه می گوید که آلبانی برای فرقه رجوی پایان راه است

دارد در خصوص نجات یافتگان حق خوری می کند تا از این پولها برای آقایان آمریکایی و اروپایی و سعودی مهمانی بگیرد.

اما مریم رجوی که امروز اینگونه ما را تهدید می کند باید بداند که حق دیگران هیچ گاه از گلوبش پایین نخواهد رفت و تبدیل به خاری خواهد شد که نهایتا خفه اش خواهد کرد. خط کار فرقه رجوی در خصوص جدانشدگان از روز اول پاپوش دوختن و پرونده سازی و جار و جنجال دروغ بوده است. این کارها را هم به این دلیل می کند که باقی نفرات را بترساند تا جدا نشوند. مدام به نفرات داخل تشکیلات می گوید که کسانی که جدا شده اند به گدایی افتاده اند یا به راه خلاف رفته و در زندان هستند. البته این آرزوی مریم رجوی است که اینطور شود.

مریم رجوی که انگار در بن بست مرگبار عقلش را هم از دست داده است نمی داند که با این کارها بیشتر آبروی نداشته خودش را می برد و دستش پیش همه از جمله دولت آلبانی و کمیساریا رو شده که چقدر ضعیف و شکننده است. او به زبان اشهدش دارد هر روز به همه می گوید که آلبانی برای فرقه رجوی پایان راه است.

دستور حذف فیزیکی افراد را در صورت لزوم داده ست. او صراحتا گفته است که جداشدن از فرقه رجوی عبور از مرز سرخ و مجازات آن هم قطعا اعدام است و نباید اجازه داد این موضوع به جریان تبدیل شود.

این همان دنیای وحشی گری و قساوت مسعود رجوی ملعون و فرقه اش است که به راحتی فرمان قتل صادر می کند. پس معلوم نیست چرا این حکم برای فرزند مسعود رجوی و برخی دیگر از نورچشمی ها طور دیگری به اجرا در می آید. مریم رجوی از یک طرف در مجامع بین المللی از حقوق بشر دم می زند ولی وقتی به درون فرقه اش می رسد تهدید به مرگ می کند این همان راه اسلام و دینداری از نوع رجوی است. در این روزها کمیساریای آلبانی دارد بررسی می کند که فرقه رجوی چه پدیده شومی است که هر زمان کم می آورد چنگ به صورت جدانشدگان می اندازد که فقط حداقل حق خودشان را طلب می کنند و نه بیشتر. فرقه رجوی حق این افراد را درست مثل عراق که حق پناهندگی نفرات را بالا میکشید و به دروغ می گفت که ما داریم از خانوادهای خودمان پول می گیریم به جیب خودش می ریزد. فرقه رجوی

اخبار رسیده از درون فرقه رجوی حاکی است که مریم رجوی در یک نشست درونی با فرماندهانش به صورت آنلاین مکالمه کرده ابتدا وضعیت بحرانی درون تشکیلات را تشریح نموده و با توجه به این وضعیت و تحلیل هایی که ارائه داده نتیجه گرفته است که باید فشار را بر جدانشدگان در آلبانی افزایش داد تا دیگر نتوانند در آلبانی بمانند و هر طور شده از این کشور خارج شوند.

مجید آتش افروز نوشت: مریم رجوی علت اصلی مشکلات درون تشکیلات را حضور جدانشدگان اعلام کرده و حتی اذعان نموده که برخی از درون سازمان با این افراد در ارتباط می باشند و تا زمانی که جدانشدگان در آلبانی حضور دارند امکان ایجاد ثبات در داخل تشکیلات وجود ندارد.

مریم رجوی ابراز نموده که دست فرقه برای کنترل نیرو در داخل تشکیلات و اعمال فشار بر اعضا به همین دلیل بسته شده است. در این جلسه که مریم رجوی پذیرفته که اینجا عراق نیست که دست فرقه در درون تشکیلات باز باشد به نتایج رسیده که تا کنون سابقه نداشته است. او به صورت دیوانه وار و هیستریکی برای نفرات جدا شده خط و نشان کشیده و به فرماندهانش

تبلیغات دروغ فرقه رجوی در رسانه های آلبانی



۵- اهالی محل در تیرانا از حضور این افراد در کشور خود راضی نبودند و رفتار آنان را غیرقابل قبول می دانستند. فرقه رجوی هرگز با ساکنان محلی ارتباط برقرار نمی کند چرا که بیم دارد تا شرایط خاص فرقه ای آنان بر ملا شود.

از قرائنی که در نزدیکی محل جدید فرقه در مانر مشاهده می شود این اردوگاه توسط نگهبانان شرکت های خصوصی حفاظت می گردد. در داخل آن تعدادی خودرو وجود دارد که مدام از اردوگاه خارج و سپس وارد می شوند. نماینده فرقه در آلبانی از اظهار هرگونه نظری در برابر گزارشگر تلویزیونی اجتناب کرد و پاسخ نداد که چرا منطقه مانر برای برپایی اردوگاه جدید انتخاب شده است.

آنان توضیح دادند که مایل نیستند جزئیات بیشتری در خصوص محل استقرار جدید خود در مانر بدهند که به عنوان یک شهر معادن زغال سنگ در دوران کمونیسم مشهور است، حالا باید به عنوان محل جدید ۳۰۰۰ عضو فرقه شناخته شود.

علت اصلی ترک تیرانا توسط فرقه رجوی و رفتن به محلی دورافتاده فقط منزوی کردن اعضا از دنیای آزاد خارج از فرقه و محدود کردن ارتباطات آنان است تا بهتر بتوانند اعضا را مغزشویی و کنترل نمایند

۳- بهانه های امنیتی توسط فرقه رجوی برای ممنوعیت از ورود خانواده ها به کشور آلبانی برای دیدار با عزیزانشان ارائه شده است که کذب محض است. خانواده ها که حاضرند خویشتاوندی خود را اثبات نمایند هرگز مایل به آسیب رساندن به عزیزان خود نخواهند بود.

۴- علت اصلی ترک تیرانا توسط فرقه رجوی و رفتن به محلی دورافتاده فقط منزوی کردن اعضا از دنیای آزاد خارج از فرقه و محدود کردن ارتباطات آنان است تا بهتر بتوانند اعضا را مغزشویی و کنترل نمایند.

سایت آلبانیایی shqiptarja.com به تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۱۸ مطلبی در خصوص اشرف ۳ و حضور فرقه رجوی در آلبانی درج نموده که دروغ هایی را البته از قول نفرات فرقه به خورد خوانندگان داده است.

در همین رابطه نجات یافتگان از فرقه رجوی در آلبانی با این سایت برخورد کرده و حقایق را به شرح زیر برایش روشن نموده اند و البته آنان توضیح دادند که از واقعیت هایی اطلاع بوده اند.

۱- هیچ خانواده ای در تشکیلات فرقه رجوی وجود ندارد تا احیانا ابتدا در اردوگاه جدید مستقر شود. این فرقه کلا با هرگونه ارتباط با خانواده مگر در شرایط ویژه و صرفا برای منافع خاص از جمله جذب نیرو و پول مخالف است.

۲- هزینه خرید چند هکتار زمین و ساخت بناهای جدید و تأمین تجهیزات پیش رفته امنیتی، علاوه بر استخدام شرکت های خصوصی برای حفاظت و بسیاری از هزینه های دیگر، هرگز از جانب تعدادی پناهنده ایرانی در اروپا قابل تأمین نیست.

خاطره یکی از نجات یافته ها در آلبانی با محمد رجوی:

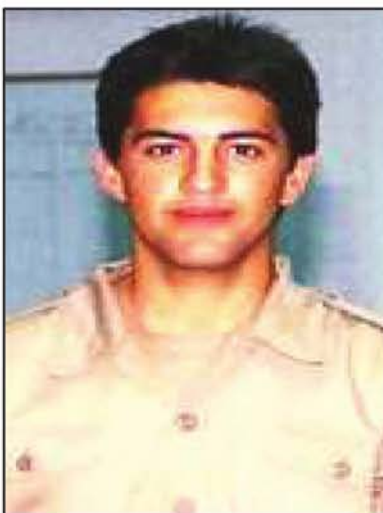
وقتی محمد رجوی در آلبانی شروع به حرف های رکیک علیه فرقه کرد

بله چشمم به محمد رجوی فرزند مسعود رجوی خورد که تنها بود و من که از قبل آشنایی با اوداشتم پیش او رفتم و سلام علیک کردم و گفتم که تو اینجا چکار می کنی. مگر تو هم در آلبانی هستی گفت بله گفتم پایگاه شما یا محل سکونت سازمانی تو کجاست خندید و گفت بیرون از فرقه هستم و تکی زندگی می کنم و خانه تکی دارم

بهمن اعظمی - نجات یافته در تیرانا

از رفتن او هنوز در تعجب بودم که پسر مسعود رجوی در بیرون است. یادم است که با شلوارک حتی بیرون آمده بود که خود این کار یعنی توهین به فرقه و نشان دادن اعتراض به فرقه و انقلاب مریم قجر و حتی یادم است که شب هم که می خواستم بخوابم حرفهای او در گوشم بود و نمی دانم چی بود که می گفتم که شاید خدا این را در سر راه من قرار داده که من بتوانم مسیر خودم را دوباره انتخاب کنم. بله از طریق فرزند رهبر فرقه چون او پدرش را بیشتر از همه می شناخت و درست هم می گفت که او مسئول کشتار در اشرف ولیرتی بوده است. همین دیدار بود که انگیزه من را برای رهایی از فرقه بیشتر کرد و دیگر بیشتر به این موضوع پی بردم که این فرقه جز بی شرافتی برای ما چیزی دیگر به ارمان نیاورده درست است که پسر رهبر فرقه است ولی دلیل نمی شود که خلق و خوی او رفتار او را به ارث برده باشد برعکس او با پدرش ۱۸۰ درجه فرق و زاویه داشت. الان نمی دانم او در کجاست نمی دانم که چکار می کند آیا بلایی سرش آورده اند یا اینکه الان در یک جایی زندگی می کند که چندین نفر بالا سرش هستند و نمی گذارند که او تکان بخورد ولی هر کجا هست امیدوارم که موفق باشد چون خودش کسی بود که به من انگیزه داد که از سازمان بیرون بیایم.

این خاطره ای بود که می خواستم برای شما خوانندگان تعریف کنم که بدانید که این پسر خودش کلا ضد پدر ملعونش بود.



تبلیغات دروغین خودشان بتوانند از این موضوع استفاده کنند. او خطاب به من ادامه داد و گفت چرا در این فرقه موندی؟ چرا از اینجا نمی ری؟ به او گفتم که من الان در شرایط این نیستم که بتوانم در بیرون مسائل خودم را حل کنم. به او گفتم که من در ایران زندگی کردم و مثل تو نبودم که در اروپا و شرایط زندگی آنها را بدانم. برای من خیلی سخت است. نمی دانم در خارج از فرقه چطور باید تنظیم کنم این را می دانی تازه سازمان در هر صورت به خاطر اینکه فرزند مسعود هستی تو را ساپورت می کند ولی من کسی را ندارم والا در فکر رفتن هستم. بعد از این صحبتها به من گفت من باید بروم. یادم هست که بعد

یادم هست که چند ماهی بود که به آلبانی آمده بودم آن روزها مثل الان نبود که اعضا که می خواند بیرون بیایند باید دو نفره باشند یا بیشتر. آن موقع نفرات تکی هم می توانستند تردد کنند و من هم بعضی از مواقع تکی برای گردش به میدان شهر تردد می کردم. یادم هست که یک روز که به میدان اصلی شهر که به اسم میدان اسکند بیک است رفته بودم. چشمم به کسی خورد که باعث تعجبم شد.

بله چشمم به محمد رجوی فرزند مسعود رجوی خورد که تنها بود و من که از قبل آشنایی با اوداشتم پیش او رفتم و سلام علیک کردم و گفتم که تو اینجا چکار می کنی. مگر تو هم در آلبانی هستی گفت بله گفتم پایگاه شما یا محل سکونت سازمانی تو کجاست خندید و گفت بیرون از فرقه هستم و تکی زندگی می کنم و خانه تکی دارم.

گفتم چرا خانه تکی گرفتی؟ مگر کسی نیست که با تو زندگی کند؟ ادامه دادم که مگر پدرت رهبر سازمان نیست که تو تکی زندگی می کنی؟ یک هو آهی کشید و یک لبخندی زد و شروع به حرفهای رکیک زدن به فرقه کرد. گفت که اینها همه سکت هستند. بعد به من گفت که تو که داخل این فرقه هستی آیا صداقتی در آن می بینی و یکهو از این حرفهایی که او می زد تعجب کردم. که چرا پسر مسعود این حرفها را می زند. به فکر لحظه فرو رفته بودم که رو کرد به من و گفت مگر خودت در اشرف و لیبرتی نبودی که این همه آدم را به کشتن دادند تا با

سخنان خانواده چشم انتظار عطا مودن: دختر عطا شب عروسی خود گریه می کرد خدا لعنت کند به رجوی که زندگی خانواده را به هم ریخت



هم بریزد چون تازه دخترش عروسی کرده ولی الان با توجه به صحبت های امیدوارکننده شما به این نتیجه رسیدیم که ای کاش آنها را می آوردیم که بیشتر روحیه بگیرند.

به نوشته انجمن نجات، رجوی برای رسیدن به منافع خائنه خود تمامی حد و مرزهای خیانت و جنایت را درنوردید علاوه بر خیانت درحق تمامیت ملت ایران درحق اعضای خود و خانواده هایشان هم ظلم و جنایت کرد. واقعا ما سختی و رنجی که همسر، فرزندان و خانواده عطا بخاطر دوری و بی خبری از او طی سالیان کشیدند را درک می کنیم چون زمانی خانواده های ما هم همین وضعیت را داشتند و اگر امروز به منزل شما آمدیم به این خاطر بود که این امیدواری را به شما بدهیم که اگر خدا بخواهد پایان این همه رنج و سختی به خصوص بعد از حضور اعضا درآلبانی دارد فرا می رسد و همچنین می خواهیم به همسر و دختران عطا بگوئیم که انجمن نجات و اعضای آن از هرتلاشی که بتوانند پدرشان را نجات ویا با او ارتباط برقرار کنند دریغ ندارند و امیدواریم که با تلاش و پیگیری هم ما و هم شما بعنوان خانواده عطا چنین امری محقق شود.

عروسی کرد واقعا همه داشتند گریه می کردند خود «رایا» درحالیکه دربهترین شب زندگی اش باید خندان باشد گریه می کرد که چرا الان پدرش درکنارش نیست.

خواهر عطا گفت واقعا علاوه بر اینکه زندگی همسر و فرزندان عطا در این چندسال به هم ریخت مادرم خیلی به خاطر دوری و بی خبری از عطا رنج دید او هر بار چشمم به درب بود و یا هر بار با صدای تلفن می گفت ببینید عطا نیست؟ من خودم خیلی به خاطر دوری عطا اذیت شدم. دختران و همسر عطا مرتب منزل ما بودند و سعی کردیم آنها را مورد حمایت قرار دهیم. باور کنید اکثر شب ها که دختران عطا منزل ما می خوابیدند به یکباره در خواب بلند شده و داد می زدند و گریه می کردند.

همانطور که همسرم گفت هفته گذشته «رایا» دختر عطا عروسی کرد که همه سعی کردیم در شب عروسیش او را دلداری بدهیم. خدا لعنت کند به رجوی که این چنین زندگی یک خانواده را به هم ریخت.

قبل از آمدن شما همسرم خواست دختران و همسر عطا را بیاورد اینجا اما ترسیدم دوباره همسر عطا سردرد بگیرد و روحیه دخترانش به

اعضای انجمن نجات شعبه خوزستان پنجم دی ماه در شهرستان بهبهان با خانواده عطا مودن دیدار و گفتگو کردند.

در ابتدا آقای داستانیان به همراه همسرش خانم زرین تاج خواهر عطا مودن از حضور اعضای انجمن در منزلشان استقبال کرده و گفتند خیلی خوشحال شدیم که شما امروز آمدید چون واقعا بعد از اینکه شنیدیم امثال عطا از عراق به کشور آلبانی رفتند نیاز داشتیم با شما از نزدیک صحبت کنیم که ببینیم چکار می شود کرد.

داستانیان در مورد عطا مودن گفت: وی در فاز سیاسی فریب فرقه را خورد و مدت چهار سال زندانی شد بعد از آزادی او به دنبال زندگی رفت و تشکیل خانواده داد و خیلی هم موفق شد بعد صاحب دو دختر شد مدتی در بهبهان کار کرد تا اینکه به کمک یکی از دوستان در فولاد مبارکه اصفهان مشغول به کار شد و زندگی اش بهتر شد و در آنجا حتی خانه خرید و ما گفتیم که واقعا درگیر زندگی شده و خیالمان راحت شد اما نمی دانیم که در اصفهان چگونه او دوباره فریب عوامل فرقه را خورد و به عراق رفت که اگر من خبر داشتم هرگز نمی گذاشتم چنین کاری کند. ۱۰ روز پیش دختر بزرگش به نام «رایا»

دیگر چیزی از فرقه در بن بست رجوی نمانده است

رفقای من، دلتان را به تظاهرات علیه گرانی در ایران خوش نکنید این هیچ ربطی به فرقه رجوی ندارد
بهمن اعظمی
نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی



تظاهرات در ایران علیه گرانی برگزار شد. بعضی از وطن فروشان که در تاریخ ایران کم پیدا می شوند به له له افتادند. یکی از این وطن فروشان در حال حاضر کسی نیست جز مریم رجوی و آن فرقه کاملا از هم پاشیده اش.

آخر تو یکی خفه! اول فرقه در بن بست خودت را جمع و جور کن که دیگر چیزی از آن نمانده، بعد به فکر ادامه وطن فروشی هایت باش. این که تو یک وطن فروش هستی برای همه ثابت شده است، دیگر چرا خودت را مثل قاشق نشسته وسط هر بشقابی می اندازی؟ می خواهی بگویی که هنوز هستی، ولی بدان که در ایران هیچ جایگاهی نداری و خودت هم خوب میدانی که چقدر تو و شوهرت و فرقه ات به دلیل وطن فروشی هایتان منفور هستید.

من در این ۲۷ سالی که در فرقه رجوی بودم هر سال می گفتند که شش ماه دیگر ایران سرنگون می شود و ما به ایران می رویم و مردم در میدان آزادی از ما استقبال می کنند. می گفتند که ۷۸ درصد مردم ایران طرفدار فرقه هستند. ما هم که خام بودیم و با هیچ کجا ارتباط نداشتیم و هیچ رسانه ای به جز سیمای به اصطلاح آزادی فرقه رجوی که کاملا اخبارش سانسور بود منبع دیگری نداشتیم، مجبور به قبول دروغ و فریب آنها بودیم.

چون خبر دیگری نداشتیم اجبارا اعتماد می کردیم و می گفتیم که لابد راست میگویند و امسال کار تمام می شود و به ایران می رویم. این دروغ و نیرنگی بود که مدام در ذهن نفرت فرو

شارلاتان به اسم مسعود رجوی است که از صداقت و پاکی و اعتماد شما سوء استفاده میکنند.

تنفر مردم ایران نسبت به این فرقه به قدری است که شاید به تعداد انگشتان یک دست از این فرقه طرفداری نکنند. امروزه همه به ماهیت پلید رجوی پی برده اند و دیگر کسی نیست که فریب او را بخورد.

یک مثال می زنم. یک نفر که کاملاً مخالف ایران است به ما گفت که اگر شما روزی به یک کشور اروپایی آمدید نگویید که در فرقه رجوی بوده اید چون به دید بدی به شما نگاه می کنند و با شما ارتباط برقرار نخواهند کرد. من در جوابش گفتم اینها که در خارج طرفدار دارند. گفت سالهاست که این بحث تمام شده است. حداقل در این ده سال اخیر که جادشدگان خیانت ها و جنایت هایشان را رو کرده اند و همینطور جدا شدگان در آلبانی، دیگر همه از این فرقه و از رجوی نفرت دارند. تمام کسانی که کلی به این فرقه خدمت کردند و کمک مالی دادند افسوس می خورند. همه آگاه شده اند که این چه فرقه کثیفی است. این است دنیای بیرون از فرقه که متأسفانه افراد داخل از آن بی خبرند.

رفقای من، دلتان را به تظاهرات علیه گرانی در ایران خوش نکنید. این هیچ ربطی به فرقه رجوی ندارد. بیایید این چند سال عمری که از شما باقی مانده را به درستی صرف کنید تا در پیشگاه خداوند و در مقابل مردم ایران و در برابر خانواده ها شرمنده نباشید. فردا تک تک ما باید جوابگو باشیم که چرا وقتی فرصت داشتیم راهمان را جدا نکردیم.

امیدوارم که هر چه زودتر افراد درون فرقه با واقعیات بیرون از فرقه آشنا شوند و خود را نجات دهند و راه درست را انتخاب کنند. لعنت خدا بر مسعود رجوی فاسد و فرصت طلب که بهترین فرزندان این میهن را فریب داد و به راه خیانت کشاند. با امید به روزی که همه دوستان آگاه شوند و آزادی و رهایی خود را باز یابند. آن روز دور نیست. درود بر همه شما.

لعنت و نفرین بر تو ای مسعود رجوی که به خاطر قدرت چه کارها و چه جنایتهایی که نکردی. من خودم تمام صحنه های این تظاهرات را در شبکه های خارجی دیدم. به خدا سراسر دنبال این بودم که یکی کلمه مجاهد را بگوید. لعنت بر این فرقه کذاب و فریبکار.

می خواهم برای نفرات داخل فرقه رجوی که مرا می شناسند پیام دوستانه ای بفرستم. امیدوارم که به اطلاع آنان برسد. من حرفم را میزنم حتی اگر یک نفر از آن مطلع شود و نجات یابد غنیمت است. ای دوستان دربندم، به خدا سوگند تمام این صحبتیهایی را که کردم نه از روی ترس است و نه کسی آن را برای من دیکته کرده است. این حقایق بیرون از فرقه رجوی است. به خدا این فرقه دارد از اعتماد شما سوء استفاده سیاسی میکند. به خدا عمر خودتان را دارید تبه می کنید و حتی آخرت خودتان را دارید از بین می برید چون خیلی فرصت ها برای نجات خودتان داشته اید.

چندین بار در اشرف، چندین بار در لیبرتی، و الان هم در آلبانی این فرصت بوده است که سرنوشت خود را از سرنوشت رجوی جدا کنید. به شما اطمینان می دهم که نه ایران سرنگون میشود و نه فرقه رجوی به قدرت میرسد. نه مردمی شما را در میدان آزادی در آغوش می گیرند و نه کسی جلوی شما فرس قرمز پهن می کند. اینها تماماً نیرنگ و فریب یک شیاد و

آب گل آلود ماهی بگیرند و فکر می کنند که می توانند سر سبوی شکسته و ماست ریخته کاسه لیبسی کنند.

ای مریم رجوی، یک زمانی یک تعداد طرفدار فریب خورده داشتی که برایت یک کارهایی میکردند. ولی بعد از این همه افشاگریهایی که طی این ده سال از طرف نجات یافتگان انجام گرفت همه به ماهیت کثیف تو و آن شوهر خائن پی برده اند. این تازه اول کار است. هنوز یک هزارم از آن خیانتها و جنایتهایی که کردی و مردم ایران خبر ندارند رو نشده است. البته بدان و آگاه باش که همین نفرات جادشده جدید از سطوح بالا آنها را رو خواهند کرد، یا نفراتی که در حال آمدن هستند و ما خبر داریم این کار را خواهند نمود.

ای مردم، به خدا جنایتهایی که فرقه رجوی انجام داده که من خودم دیده ام و در بینشان بودم حس میکنم که شاید خواب دیده ام. چون به قدری این جنایتها رذیلاکه و تهوع آور است که کسی باور نمیکند و فکر میکند که ما داریم دروغ میگوییم. ولی ای مردم، در داستانها هم شاید شما نشنیده باشید از این همه جنایت آن هم حتی در قبال نفرات فداکار و وفادار خودشان. این فرقه میخواهد تظاهرات اعتراضی مردم علیه گرانی را به نام خودش ثبت کند تا اربابانش یعنی آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی استخوانی جلوی آنها بیندازند.

● رفقای من، دلتان را به تظاهرات علیه گرانی در ایران خوش نکنید. این هیچ ربطی به فرقه رجوی ندارد. بیایید این چند سال عمری که از شما باقی مانده را به درستی صرف کنید تا در پیشگاه خداوند و در مقابل مردم ایران و در برابر خانواده ها شرمنده نباشید. فردا تک تک ما باید جوابگو باشیم که چرا وقتی فرصت داشتیم راهمان را جدا نکردیم

سیاست چماق و هویج در فرقه رجوی



فراق

در فرقه رجوی وقتی عضوی بعد از مدتی به پوچی سیاست رجوی و بر ملا شدن ماهیت وی پی می برد تصمیم می گیرد که راه خود را از آن جدا کرده و عمر خود را به فنا ندهد و سعی می کند به هر روشی که شده خود را رها سازد.

شنیدیم به نفرت مخالف و مساله دار تلفن هایی داده شده که هر از گاهی نفر با خانواده اش در ایران تماس بگیرد که این تماس ها هم هدایت شده می باشند و فرقه علاوه بر ساکت کردن فرد بتواند اطلاعات درون ایران را از زبان خانواده به دست بیاورد.

یا اینکه شنیدیم نفرت را هفته ای یکبار برای گردش در سطح شهر و خرید مایحتاج به بیرون کمپ اشرف ۳ می برند که این کار هم زمان را برای تشکیلات مخوف رجوی زنده می کند ولی بنا به تجربه ثابت شده در طول تاریخ راه کج به مقصد نمی رسد و تهدید ها و تطمیع ها برای رجوی جز رسوایی هر چه بیشتر در بر نخواهد داشت.

شاهد هستیم که امروزه سیل جدا شدگان در آلبانی رو به افزایش است و روزی نیست که خبر جدایی عزیزی را نشنویم. به امید رهایی تک تک دوستان سابق و اسیران فرقه مخوف رجوی.

فراوان، به شخص می گفتند که مثلاً شما پنج سالی را ماندی تا ۶ ماه دیگر به ما وقت بده بعد از آن اگر ایران سرنگون نشد برو و در کنار بکارگیری همین شیوه های فریب خواسته های صنفی نفر اعم از کم و زیاد را در سرفصل های مختلف حل و فصل کن.

یادم هست دوستی که با وی در قرارگاه اشرف بودم وقتی چندین بار اعلام جدایی کرده بود اقدام به دادن اقلامی از قبیل کت و شلوار که دو سال یکبار هم نفر نمی توانست تنش کند یا برای وی تنقلات آن هم از نوع اهدا شده نیروهای آمریکایی به فرماندهان زن فرقه می فرستادند.

جالب است با همه تطمیع ها، فرقه نتوانست برای مدت زیادی نفرت معترض و خواهان جدایی را فریب دهد و فقط برای تشکیلاتش زمان خرید امروز هم در کشور آلبانی می بینیم که سران فرقه باز همان روش های گذشته را روی باقیمانده نفرت امتحان می کنند.

در فرقه رجوی وقتی عضوی بعد از مدتی به پوچی سیاست رجوی و بر ملا شدن ماهیت وی پی می برد تصمیم می گیرد که راه خود را از آن جدا کرده و عمر خود را به فنا ندهد و سعی می کند به هر روشی که شده خود را رها سازد.

همچنین فرقه وقتی خود را در قبال چنین خواسته ای می بیند راه حل های مختلفی را در مورد نفر اتخاذ می کند که اولین سیاست تهدید و ترساندن شخص بنا به اقتضای شرایط می باشد ولی هدف من در نوشتن این مقاله بر ملا کردن روشهای تطمیع و تهدید و یا به اصطلاح عوام بکارگیری سیاست چماق و هویج است.

برای مثال در دورانی که نیروهای آمریکایی در اطراف قرارگاه اشرف به حفاظت از آن مشغول بودند و کمپ معروف به تیف در بیخ گوش رجوی بود و به عنوان تهدید جدی فرقه به شمار می رفت فرماندهان فرقه برای اینکه شخصی که اعلام جدایی کرده را خام کنند بعد از بحث های

رها شده های از فرقه رجوی، مستمري خود را مستقل و از کميساريابا دريافت مي کنند

شرایط برای رهایی اسیران هموار است

مهر پایان بر فشار رجوی به جدا شده ها زده شد



در آلبانی حل خواهد شد.

بر اساس گزارش های رسیده، کميساريابا برای حل و فصل مدارک قانونی جدا شده ها و به خصوص مجوزهای سفر با دولت آلبانی وارد مذاکره خواهد شد تا بتواند یک راه حل مناسب برای این موضوع پیدا کرده و آن را در شش ماه آینده به اجرا گذارد.

این کار مهم و ارزشمند در این شرایط بسیار بحرانی جای بسیار تبریک برای خانواده های تمامی این عزیزان دارد و امیدواریم که در آینده هر چه بیشتر شاهد استقلال تک تک این افراد و موفقیت آنها در زندگی خود باشیم.

پایگاه خبری - تحلیلی فراق این رویداد مهم را برای خانواده های چشم انتظار اسیران فرقه رجوی تبریک عرض نموده و از خداوند منان رهایی تمام اسیران دربند این فرقه ارتجاع را آرزومند است.

کاهش داده و باعث بوجود آمدن شرایط بسیار وخیمی برای این افراد شده بود.

به گزارش فراق، سرانجام پس از اعتراض های شدید به کميساريابا عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و دولت آلبانی، کميساريابا پذیرفت حقوق این افراد را مستقل به خودشان پرداخت کند و به این ترتیب این پایانی بود بر تمامی سختی ها و منت هایی که هنگام گرفتن حقوق متوجه تک تک رها شده ها بود.

کميساريابا عالی سازمان ملل در امور پناهندگان کشور آلبانی قول داده است تمامی مشکلات جدا شده ها به خصوص در زمینه مدارک قانونی و اجازه قانونی کار در این کشور را حل نماید.

همچنین اعلام شده است که کميساريابا در تلاش برای پیدا کردن کار بر اساس حرفه هر شخص می باشد و این موضوع تا شش ماه آینده

رها شده های از فرقه رجوی در آلبانی از این پس مستمري خود را بدون واسطه از کميساريابا عالی سازمان ملل در امور پناهندگان این کشور دریافت می کنند.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، استقلال رها شده ها از فرقه رجوی، مهر پایانی بر تمامی اذیت و آزار رها شده ها از جنگال این فرقه در آلبانی است.

بر اساس گزارش های رسیده از آخرین وضعیت جدانشده ها به فراق، مرز سرخ فرقه رجوی که تنها وسیله وابستگی جدا شده ها در آلبانی بود، پایان پذیرفت و این افراد حالا به صورت مستقل می توانند حقوق ماهیانه خود را از کميساريابا بدون قبول هیچ منت، فشار و آزاری دریافت کنند. این موضوع در حالی است که همزمان با آغاز سال جدید میلادی، فرقه رجوی حقوق و مستمري جدانشده ها را به شدت

مزدوران رجوی مرتجع کم آوردند از آذربایجان مایه می گذارند ناله های پدران و مادران چشم انتظار را گوش کنید

نوشته یکی از جدانشده های آذربایجانی از فرقه انحرافی رجوی

فلان نماینده مجلس سنای آمریکا درخیاان را برای خود افتخار بزرگی می پندارند، نمی توانند سنگ آذربایجان را به سینه بزنند.

آقایان! روزگاری که در جوار خاک میهن در اشرف بودند، از محافل جنگ طلب آمریکا و انگلیس خواهش می کردند: «به ایران حمله کنید، شما از آسمان و ما از زمین»

بنابراین به لحاظ فساد عقیده ای که دارند، ما نمیتوانیم اجازه دهیم تا آنها خود را به ملت ایران و مخصوصا مردم آذربایجان بچسبانند.

بارها تاکید کردیم که این فرقه و این رجوی خصلت ترک ستیزی داشته و هیچ گاه به حقوق ملت ترک حق احقاق ندادند و نخواهند داد.

بنابراین آنکه همواره به ستیز و دشمنی با مردم آذربایجان پرداختند و جوانان ترک را در زندانهای انفرادی خود در اشرف زندانی و شکنجه کردند و قطره ای آزادی درمناسبات خود به ترک ها ندادند و مطلقا اجازه نمی دادند در مناسبات، به زبان مادری مان «آذری» صحبت کنیم.

امروز حق زدن سنگ ترکها را به سینه خود ندارند و این عمل آنها یک حرکت بغایت فرصت طلبانه است که سابقه آن در فرقه رجوی کم نبوده است.

اینها کسانی هستند که به هر حرکتی که فکر می کنند نفعی در آن دارند، سمت و سوی قهر و خشونت داده و با تحسین آن، در برابرش خم شده و قبله ی خود را به آن سمت تغییر می دهند.

بہتر است، توجه داشته باشید که اگر روزی قرار باشد، مردم و جوانان آذربایجان و تبریز، برای مطالباتشان بیا خیزند، به مسیری نخواهند رفت که شما مزدوران ترسیم بکنید.

سالها به چشم دیدیم و از نزدیک لمس کردیم که شما اولین ستیزه جویان بر علیه ملیت ها و فرهنگ های قومیتی بودید.

باس داوری، انگار مواضع قبلی خود را در مورد رهبر دیکتاتور فرقه خود را فراموش کرده که الان پرچم او را بلند کردند.

از دیر باز فرقه رجوی از تاریخ اقوام به نفع خود بهره برداری نموده، از اسامی و قهرمانان و زیرمجموعه های آنان خوردند و حقوق ملت ها را نشخوار کردند.

این تشکیلات با ساختار فرقه ایش هردم به رنگی در می آید، و اخیرا به رنگ آذربایجان در آمده و با پشتک و وارو زدن حول مسئله مطالبات مشروع و قانونی مردم، با حرکتی از پیش رسوا زوزه گرگ خاکستری سر می دهدوا پیش گرفتن سیاست ماکیاولی خود، برای دفاع از منافع آذربایجان، به میدان آمده است. کسانی که با بودجه دولت های بیگانه داعیه پیشبرد مبارزه ملی را دارند و رد شدن از کنار

عباس داوری که در جریان انقلاب ایدئولوژیک رجوی، یال و کوپال هایش کنده شده و تبدیل به یک عضو ساده و زیردست رجوی در فرقه شده، امروز وقیحانه پرچم آذربایجان و آزادیخواهی را در دست گرفته و به صحنه آورده شده است.

امروز هم ملتسمانه در سیمای فریب و دروغ رجوی می گوید: ترابه خدا، همه دارند نگاه می کنند، چرا به صحنه نمی آید؟ چرا سر و صدا راه نمی اندازید؟ و...

آذربایجان از داشتن مزدورانی مثل شما شرم می کند، تبریزی ها امروز از سوءاستفاده شما از اسامی سرداران و قهرمانان تبریز خشمگین است. اگر قرار باشد روزی جوانان تبریز سلاح به دست گرفته و دیکتاتورها و ظالمان را به سزای اعمالشان برسانند شما در اول لیست این خونخواهی ها و اعدام ها گنجانده شده اید. سالها در فرقه شاهد بودیم که چطور آذربایجانی ها و زبان ملی ترک را سرکوب کردید





خودکار دیکتاتوری نهاده اند، از فواصل ششصد هزار کیلومتری برای مردم آذربایجان و آینده کشور ما نسخه می پیچند!

جوانان کشور ما سال ها در مغلظه رجوسم ، هزینه های گزافی را پرداخت کردند و علم کردن چنین مواردی از طرف باند رجوی را بر نمی تابند عباس داوری، در مناسبات مقدستان وقتی با یک همشهری آذری ، به زبان ترکی صحبت می کردیم لرزه بر اندام تشکیلاتان می افتاد و وحشیانه هجوم می آوردید که باید فارسی صحبت کنید. آنهمه ترس و هراس برای چه بود؟ و الان چه شده که دایه مهربانتر از مادر شدید؟ باور کنید اگر هم قرار باشد قوم ترک در جایی

خوبی می شناسم، می دانم که دلتان با زبانان یکی نیست، شما هم واقف هستید که حقوق ملت ترک و آذربایجان بیشتر از همه جا در فرقه رجوی پایمال شده است .

پس تا دیر نشده ، راه خود را از بیراهه این فرقه انحرافی و ضد قوم ترک ، جدا کنید و به مردم آذربایجان بپیوندید. سوابق ننگین شما برای همه روشن است، از همه فجایعی هم که در تشکیلات مرتکب شدید به خوبی آگاهیم و وای به روزی که اراده کرده و بر علیه شما افشاگری های گسترده کنیم.

سران فرقه بی خبر از امراض تشکیلاتی فروبرنده خویش با دو انگشتی که در میانش

شما بهتر است که فعلا به وضعیت بحرانی مناسبات فرقه انحرافی تان بپردازید و به جای زندانی کردن و زندان سازی به مطالبات برحق اعضای خواهان جدایی گوش فرا دهید.

شایسته است که به ناله های پدران و مادران پیری ، گوش کنید که ملتسمانه خواهان دیدار عزیزانشان هستند ، که شما جلادها ، سالهاست مانع دیدار آنها شده اید.

سرداران و سالاران آذربایجان، هیچ وقت چون شما نفرین مردم آذربایجان نثارشان نشده است .

عباس داوری و احمد حنیف نژاد ! شما و همه عده معدود آذربایجانی ها در فرقه را به

”

شایسته است که به ناله های پدران و مادران پیری، گوش کنید که ملتمسانه خواهان دیدار عزیزانشان هستند، که شما جلادها، سالهاست مانع دیدار آنها شده اید

و سازمانتان می کند و یا درصدد انجام آن هستید از قبل برای ما آذربایجانی ها تعریف شده ، لورفته وشناخته شده است و اگر عکس العملی نشان داده نمیشود. مطمئن باشید که از سرهوشیاری ماست. این اعتراف نشان از فقدان سیاست ما نه ، بلکه نشان دهنده بینش قوی و اوج سیاست و نمود مردانه مبارزه کردن ماست. انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی

خیلی زود از شما جدانشده واز شما وفرقه تان اعلان برائت کردند.پس امروز هم به دنبال سراب نباشید، رای جوانان آذربایجان ، سالهاست که بر علیه شما صادر شده است، هیچ کجای آذربایجان ، جایی برای شما فرصت طلبان باقی نمانده است ، حتی در میان هواداران پرشور تیم تراکتور سازی که همیشه با هوشیاری ، صف خود را از دیکتاتورها جدا کردند، هر فتنه و تحریکی که شما

خواسته هایش را مطرح کند در قالب قانون خواهد بود ، ولی شما هنوز در تفکرات کذایی خود در عصر حجر گیر کردید و هنوز در کما بسر می برید ، واقعا نمی دانم در خواب تشریف دارید یا خود را به خواب زدید؟ محمد حنیف نژاد را رجوی در زندان قربانی کرد و برادرش احمد حنیف نژاد را هم امروز رجوی، مامور قضائیه (دادستان) و دادگاه های خود در آلبانی و در قرنطینه هایش کرده است. قهرمانان و سرداران ملی آذربایجان ، اگر امروز در میان ما بودند ، از وجود شما شرم می کردند. نزدیک به چهاردهه ، مزدوری بیگانه کرده و اعضای خود را در تشکیلات سرکوب کردید. سیاست های مماشات گرایانه سالیان شما ، اطرافتان را بیش از پیش ، خالی کرده است. همه بچه های آذربایجان که به اشتباه و خطا ، فریب حرف های ریاکارانه شما را خورده بودند



دیدیم آن همه توپ و تانکِ رجوی در مقابل خانواده به کار نیامد



تمام نیروهای اسیر خود و سران تشکیلات را به زیر زمین ببرد و چگونه آن همه توپ و تانک و قدرت کاذب به کار نیامد .

بله ما رجوی را به زانو درآوردیم . روزی بود که یک خبر و یک اثری از درون تشکیلات رجوی به بیرون درز نمی کرد و رجوی باد به قب قب می انداخت که آنچنان تور ریز یافت اطلاعاتی دارد که هیچ جنبنده ای یارای عبور از آن را ندارد اما صدای مادران و افشاگری جدانشده ها آن تور را پاره کرد و آخرین دژ دیکتاتور یعنی اسارتگاه اشرف از جا کنده شد و صدها اسیر رها شد و رجوی دمش را روی کولش گذاشت و اینک زندگی موشواره و زیرزمینی را می گذراند . ما در این راه لحظه ای درنگ نمی کنیم و نقطه پایان رجوی ها دست ماست .
انجمن نجات مرکز کرمانشاه

نداشتند. رجوی روزی صدها تانک، صدها نفربر و توپخانه داشت، او با تقلید از رژه ها و مانورهای نظامی هیتلر از نیروها سان می دید و سرمستی عجیبی نعره می کشید و با غرور شعار سرنگونی و پیروزی سر می داد. او بود که یک ارتش تا دندان مسلح صدام دشمن ملت ایران را پشت سرخود داشت و هیچ وقت در مخیله اش ذره ای فکر نمی کرد خانواده و جدانشده او را این چنین به زانو درآورند.

رجوی خانواده ها را کانون فساد و جدانشده را علف هرز و تلفات سوخت و ساز تشکیلات می دانست و اصلاً آنها را به حساب نمی آورد . اما دیدیم روزهایی که همان ناله های مادران و افشاگری های مستند جدانشده ها در اطراف اسارتگاه اشرف چگونه رجوی را مجبور کرد که

طیف جدانشده و خانواده یعنی قربانیان استراتژی ضد انسانی و ضد بشری رجوی، بهترین دوران عمرشان صرف استراتژی غلط رجوی شد.

خانواده ها هرکدام به نحوی عزیزی را قربانی و درگروگان رجوی دارند و یا شاید خیلی ها فرزند و یا یکی دو تا از اعضای خانواده شان توسط رجوی ها نفله شده است . از حدود ۱۰ تا ۱۲ سال پیش اتحاد جدانشده و خانواده شکل گرفت وهسته های اولیه این کار به صورت پروژه ای نبود بلکه فقط در جهت هماهنگی و شناسایی و اطلاعات دهی جدانشده به پدر و مادرها و افشاگری در همان حد بود اما دریک نقطه این فعالیت ها به شور شگری و طغیان عجیبی علیه رجوی تبدیل شد به گونه ای که سران فرقه ترور و وحشت اصلاً انتظار آنرا

هنر فرقه رجوی این است که اعتماد به نفس افراد را از آنها بگیرد

پیش خواهران که می روید دو نفره باشید

حق ندارید که یک نفره بروید



پیش خواهران که می روید دو نفره باشید. حق ندارید که یک نفره بروید. یا اینکه برعکس برای خواهران هم همینطور صدق میکند. از نزدیکی مقرر خواهران که رد میشدی باید جوابگو میبودی. حق خندیدن بلند پیش خواهری را نداشتی.

این نمونه فاکتهایی بود که گفتم که میخواهم خواننده روی آنها فکر کند و ما هم صحبتی داشته باشیم. ما مثلا مجاهد خلق بودیم و از کشور خود بیرون آمده بودیم که بیاییم از خارج کشور خود را آزاد کنیم و به قول خود مسعود گوهران بی بدیل و نوامیس ایدئولوژیک و

حتی بعضی از این مسئولین پایین تر هم برایشان بد نیست که بی اعتمادی که بین آنها هم میشد را بدانند که میدانم که آنها هم خبر دارند ولی میترسند که من میگویم.

ترس دیگر در تیرانا و در آلبانی مفهومی ندارد. در اشرف و لیبرتی چون در حصار بودیم بله، ولی در اینجا سر این موارد دیگر نباید دست رو دست گذاشت. هزاران فاکت هست که من سعی میکنم که هر سری نمونه فاکتهایی را بگویم.

یک نمونه از این فاکتها که همیشه حتی برای ما نشست هم می گذاشتند این بود که

قبل برای خوانندگان عزیزم بگویم که در فرقه رجوی، همیشه دم از اعتماد کامل به افراد خودشان می زدند که من این ادعا را کاملا رد میکنم و قبلا چند مورد از آن را نوشته و میخواهم نمونه ها و فاکتهایی را بنویسم که مردم خوب کشورم چه در داخل و چه در خارج از کشور بدانند که هیچ اعتمادی فرقه به نفرات خودش نداشت.

این را برای مسئولین فرقه نمی نویسم که آنها هم بی به اشتباه خودشان ببرند. چون میلیونها بار تمام نفرات این موضوعات را به سران فرقه گفته اند که با سرکوب آنها روبرو شده اند.

شدن از نزدیکی مفر خواهران وحشت داشتیم. هنر فرقه رجوی این است که اعتماد نفس افراد را از آنها بگیرد تا نتوانند احیانا در دنیای بیرون زندگی کنند. تمامی ما چه زنان و چه مردان میدانستیم که فرقه کوچکترین اعتمادی به ما ندارد و حتی به قدری بی ظرفیت است که جواب سؤالات با سرکوب و برگرداندن آنها به خودمان می دهد. همین نمونه ها و نمونه های دیگر و دروغ هایی که فرقه مدام به خورد نفرت میدهد باعث شد که من و امثال من فرار کنیم و خیلی ها هم در آینده قطعاً فرار خواهند کرد. ■ زینال شهیدی

اعتمادی نداشتید؟

الان در مملکت ما شنیده ام که حتی یک خانواده دختر خودش را به همسایه میسپارد و به مسافرت چند روزه میرود. ولی ما را به کجا رسانداید که تا یک جنس مخالف را میبینیم فرار میکنیم یا اصلاً نمیتوانیم چند کلمه با او صحبت کنیم.

ای لعنت بر تو مسعود و بر تو ای مریم. مفر خواهران را دور تا دور کاملاً تا ارتفاع چهار متر حصار میکشیدید و اگر میخواستیم به مفر خواهران برای کاری برویم باید از هفت خان رستم رد میشدیم. خودمان هم ناخود آگاه از رد

گل‌های سر سبد و انتخاب شده مملکت بودیم.

پس ای سران فرقه، دلیل بی اعتمادی شما به ما چه بود؟ آیا دلیلی جز مسائل اخلاقی بود؟ اگر من گل سرسبد مملکت هستم، پس چطور اینقدر به من بی اعتماد بودید که با یک خواهر نتوانیم صحبت کنیم؟ نه من بلکه همه نفرت. نفراتی که واقعا و انصافاً نفرت بسیار پاکی بودند. چرا ما باید دو نفره پیش یک خواهری میرفتیم یا آنها دو نفره پیش برادری میبودند؟ چرا نباید زمان زیادی با یک خواهر صحبت میکردیم؟ پس شما کاملاً بر عکس حرفهای خودتان هیچ



عکس و مکث

کسی که می دونه
اشتباه کردی،
و بازم ازت دفاع
می کنه
یا عاشقته،
یا مادرته

تعهد اجباری، جنایتی دیگر از سوی فرقه ارتجاع

یادداشت از حمید دهدار



سالیان عمر و جوانی آنها را بیهوده هدر داده و تا توانست از خون ورنج آنها در جهت منافع حقیرو خیانت پیشگی خود سوء استفاده نمود چگونه می تواند ادعای دفاع از منافع خلق ایران، دمکراتیک بودن مناسباتش داشته باشد؟

البته فرقه ای که طی سالیان نان حرام مزدوری خورده و حال که در موضع استیصال مطلق و در آستانه فروپاشی قرارداد سخت در اشتباه است که فکری کند با چنین اقدامات ضد انسانی علیه اعضای خود می تواند به حیات ننگین خود ادامه دهد که البته اعضای به جان آمده از ظلم سالیان رجوی که مسیرهایی از فرقه را در پیش گرفته و می گیرند.

هر چند از نظر مالی در تنگنا قرار می گیرند اما نفس کشیدن در فضای آزاد را بر ماندن در فرقه ی آزادی کش را ترجیح خواهند داد که امیدواریم تا موضوع پرداخت مستمری ماهیانه اعضای جدا شده توسط نهاد کمیساریا هر چه زودتر تکمیل شود آن وقت خواهیم دید که گرفتن تعهد نامه از سوی سران فرقه اثری نداشته و مسیر فروپاشی و رفتن فرقه به زباله دان تاریخ با جدایی روز افزون اعضای اسیر در فرقه سرعت بیشتری قرار خواهد گرفت.

رفتار انسانی داشته، هزینه های بازگشت به زندگی مرا فرقه از جیب دیگر اعضا به طور تمام و کمال پرداخت کرده، هزینه های فرد قاچاقچی را که قرار است مرا به ایران و یا خارج کشور ببرد توسط سازمان پرداخت شده، من از اول مجاهد نبودم و در پایان هم می گفتند بنویس در مورد رجوی.

روزی که من خواستم از فرقه جدا شوم بعد از سلسله نشست های فشار و تهدید برای من در نهایت مهوش سپری (نسرین) عفریته جنایتکار فرقه در پایان به من گفت هر چه من می گویم بنویس که همین مزخرفات بالا را که گفتم گفت و من اجبارا نوشتم . الان هم فرقه در آلبانی ادامه همان سیاست قبلی خود را در رابطه با اعضا دنبال می کند مثلا برای افرادی که می خواهند از فرقه جدا شوند شرط دریافت مستمری ماهیانه را نوشتن گزارش و تعهد نامه سکوت و عدم فعالیت علیه فرقه گذاشت است.

روش نفرت انگیزی که می توان آن را به عنوان سندی دیگر از خیانت و رفتار ضد انسانی فرقه در رابطه با اعضای خود دانست. به راستی فرقه ای که چنین رفتاری با اعضای خود که

یکی از روش های ضد اخلاقی و ضد انسانی فرقه رجوی علیه اعضای خود این بود که سران فرقه بنا به دستور شخص رجوی در هر سرفصل سیاسی و ایدئولوژیکی فرقه از آنها تعهد نامه های مختلف وفاداری به فرقه می گرفتند، یا در مورد دیگر مثلا در مقاطع مختلف همه اعضا را مجبور می کردند تا در مورد مسائل اخلاقی و به قول فرقه تراوشات ذهنی خود در این مورد به مسئولین بالا گزارش کنند که به اسم گزارش دوران معروف بود.

در این نوع گزارش فرقه اعضا را ملزم می کرد تا حتی اگر چیزی نداشت برای داشتن سند از او صفحه ای را با جملات ساختگی پر کنند .

یا مثلا افرادی که تصمیم به جدایی از فرقه داشتند و سران فرقه نتوانستند با بکارگیری روش های مختلف تهدید؛ تصمیم آنها را تغییر دهد در آخر از وی دست نوشته ایی که توسط مسئولین دیکته می شد می گرفتند و عضو خواهان جدایی هم به خاطر اینکه بتواند جدا شود نزد خود می گفت بگذار بنویسم تا از شر فرقه خلاص شوم . مثلا به فرد خواهان جدایی می گفتند بنویس که من از مبارزه بریدم، توان تحمل مناسبات را نداشتیم، سازمان ما من بهترین

جمشید سرایی، رهایی یافته از فرقه رجوی: مادر به خاطر نیامدن برادر دمق مرگ شد مردم ایران هیچ گاه در برابر دشمنان کوتاه نخواهند آمد

می نمایند.

سرایی که خود از آسیب دیدگان فرقه تروریستی رجوی می باشد با تکان دادن سر گفت که سران خائن فرقه رجوی همان زمان که در این فرقه حضور داشتم نیز مدام به ما دروغ می گفتند و با فریب دادنم توانستند شماره منزل مان را از من گرفته و از طرف من برادرانم را با حربه ی وعده ی کار مناسب با مسکن و پول خوب به این فرقه خبیث جذب نمایند. مادرم به خاطر نیامدن مهدی دمق مرگ شد و من هیچ وقت به خاطر این قضیه سران فرقه رجوی را نمی بخشم و تا زمانی که بتوانم برای نابودی آنها تلاش خواهم کرد. با سرایی در مورد اتفاقات اخیر صحبت کردیم و از او نظرش را پرسیدم که گفت مردم ما بسیار متواضع هستند و برای وطنشان و

هم میهنانشان تا پای جان پیش می روند.

وی ادامه داد: دشمنان باید بدانند مردم ایران هیچ گاه در برابر دشمنان کوتاه نخواهند آمد و با معاندان برخورد تندی خواهند داشت و شیاطینی مثل مریم رجوی نیز باید بدانند که هیچ وقت در بین مردم کشورمان جایگاهی نداشته و ندارند و تمام حرکت‌های مذبحانه آنها به بن بست خواهد رسید و تاکنون نیز این شکست‌ها برای آنها محرز شده است.

وی در پایان دیدار در مورد وضعیت برادرش مهدی سرایی از نهادهای بین المللی و تمامی ارگانهایی که با فرقه رجوی در ارتباط هستند، درخواست نمود تا هر چه زودتر برای آزادی برادرش اقدام نمایند، پیش از آن که سران فرقه رجوی از آنها سوءاستفاده نمایند و آنها را برای اهداف غیر انسانی شان قربانی کنند.
انجمن نجات استان گلستان



از مادران چشم انتظار بدون آنکه بتواند صدای او را بشنود از دنیا رفت.

سرایی که مدتی از بازگشتش از فرقه ظالمة رجوی می گذرد و اکنون توانسته با همت بالای خودش صاحب خانواده شود و نیز چند مدتی هست که خانه ایی در یکی از محله های شهر برای خود خریداری نماید برای خبر گرفتن از وضعیت برادرش به دفتر انجمن نجات گلستان رفت. به وی در مورد انتقال عناصر فرقه رجوی به محلی دورتر از مرکز شهر که در حوالی ۲۰ کیلومتری آن می باشد خبر داده و گفته شد تمام این انتقالها به اجبار انجام شده و حتی تعداد قابل توجهی از آنها در محل اولیه به خاطر مخالفت با این جابجایی مانده اند که متأسفانه سران جنایتکار فرقه رجوی به طور وحشیانه و غیر انسانی با آنها برخورد می کنند و ارگانهای بین المللی نیز در راه کمک به این افراد کوتاهی

سران فرقه رجوی که دروغگویی و فریب دادن جزو امورات آنها بشمار می رود، در روزگاری نه چندان دور تمام تلاش خود را به کار می بستند تا بتوانند افراد مختلفی را از طیفهای گوناگون بفریبند و با نامها و القاب مختلف آنها را به سمت گروه تروریستی خود ببرند که نمونه های آن فراوان بوده و جمشید سرایی نیز یکی از همین اغفال شده های می باشد که توسط سران مفلوک فرقه رجوی از طریق خاک ترکیه رپوده شده و با عنوان کارهای راحت با مزد بالا به اشرف برده شدند. متأسفانه سران فرقه رجوی توانستند دو عضو دیگر این خانواده را نیز در این راه با خود همراه نمایند که جمشید و برادرش احمد توانستند از این حقه کثیف رجویسم رهایی یابند ولی برادر کوچکتر بنام مهدی سرایی یا با نام مستعار پویا در این گروه تروریستی ماندگار شد و مادر او همانند بسیاری

«اشنوگل» روایتی جدید از خیانت های منافقین در جنگ تحمیلی

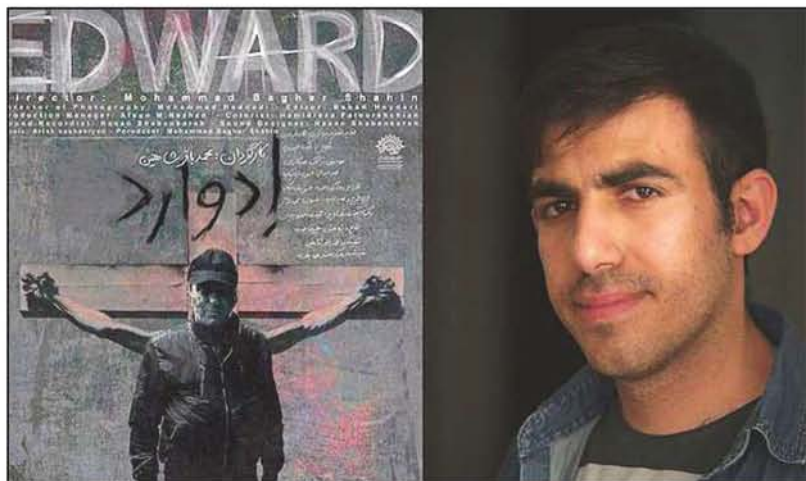
که در صدد حفر تونلی در منطقه عملیاتی بوده، مفقودالثر می شود. در فیلم «اشنوگل» که دومین فیلم سینمایی درباره شهدای غواص است سعی شده به ماجرای این عملیات و اتفاقاتی که پیش از آغاز عملیات برای رزمندگان افتاد پرداخته شود. نقطه تمرکز فیلم بر روی شخصیت یونس و هم رزم وی است که اکنون در مظان اتهام خیانت و جاسوسی قرار دارد. فیلم با انبوهی از سوالات آغاز می شود، سوالاتی که مخاطب مدام در انتظار پاسخ دادن به آنهاست اما در عوض با سوالاتی جدید مواجه می شود.



«اشنوگل» اولین فیلم هادی حاجتمند و علی سلیمانی داستان رزمنده ای به نام یونس است که به عنوان فرمانده گردان غواصان سه شب قبل از عملیات در حالی

«ادوارد»؛ روایتی فراتر از جنگ، منافقین

هم جدا از هر گروه و فرقه ای برای خود در غربت زندگی جدیدی آغاز کرده اما هیچکدام اینها به اندازه تفکر و نگاه او به زندگی برایم جذاب نبود. اشاره کرد: او بین دوستان خودش هم انسان خاصی است. هر آدم دیگری اگر جای او بود با همه شکنجه های جسمی و روحی که در این سال ها متحمل می شد نمی دایم الان در چه سطحی از افسردگی قرار داشت و اینکه اصلا زنده می ماند یا خیر؟ اما ادوارد بعد از تحمل همه این مصائب تشکیل خانواده داد و امروز با داشتن ۳ فرزند راه جدیدی برای زندگی خود در غربت ترسیم کرده است. او با آسیب های جسمی که از جنگ دیده است همیشه در حال تلاش و انجام کارهای دشوار است و می دانستم اگر بتوانم به کاراکتر او نزدیک شوم می توانم از کلید واژه هایی که ادوارد در سرگذشت اش مواجه شده بود از جمله اسارت جنگ، منافقین، مهاجرت و غربت را در این مستند بازنمایی کنیم چون در زندگی «ادوارد» همه این ها در هم تنیده شده اند.



سی دیدم و نسبت به تفکر و زندگی اش کنجکاو شدم. محمد باقر شاهین در گفتگو با پایگاه خبری سینما پرس اظهار داشت: اگرچه او یک اقلیت مذهبی است که ۹ سال اسیر جنگ بوده و پس از آن ۱۲ سال در فرقه منافقین فعالیت کرده و امروز

کارگردان مستند «ادوارد» درباره انگیزه اش از تولید این مستند گفت: چند سالی است روی مستند جنگ تمرکز دارم اما آنچه باعث شد «ادوارد» سوژه این مستند شود شخصیت او بود که چند سال پیش برای اولین بار در شبکه بی بی

بیماری دیسک کمر و آرتروز گردن در فرقه رجوی با شرکت در عملیات نظامی درمان می شود! رجوی جنایتکار در قبال سرنوشت یکایک اعضا مسئول اصلی است

علی اکرامی



بلکه مشکل ما تمارض به بیماری از طرف اعضاست. به دلیل عملکرد همین دیدگاه مشخص می شود در این فرقه چگونه با مقوله سلامتی اعضا برخورد میشود. هیچ بیماری از شرکت در عملیات های نظامی معاف نبود برعکس توسط کادربه اصطلاح پزشکی ودر راس آن دکترفاضل تبلیغ میشود.

خیلی از بیماری ها واز جمله دیسک کمر و آرتروز گردن و زانو با شرکت در عملیات نظامی درمان میشود.

بعد از انقلاب من درآوردی مریم هم بحث انقلاب درمانی دردستور کار قرار گرفت و مسعود

می آورند که درمناسبات به غایت عقب مانده رجوی چیزی به نام چکاب پزشکی ویا تمرکز روی بیماری های خاص اعضا وجود نداشت.

کادرپزشکی مستقردراشرف عمدتا از پزشکی که سالیان ازعلم پزشکی روز بی خبربوده ویا دانشجویان علوم پزشکی سال های اول انقلاب تشکیل می شدند. تجهیزات پزشکی عمدتا عقب مانده وفاقد استانداردهای روز بود. در راس گروه پزشکی جلادی بنام دکترفاضل قرارداشت که عمدتا با طرح هرگونه بیماری ویا مشکل با شک و تردید برخورد می کرد واعتقاد داشت که درتشکیلات ما بیمار ویبیماری نداریم

ارگان های دروغ پرداز فرقه رجوی از ادامه سربال مرگ اعضا در آلبانی خبر می دهند.

سکته قلبی به دلیل از بین رفتن جریان خون و وقوع یک ویسکمی شدید درقسمتی از قلب رخ می دهد وعمده ترین دلیل آن بسته شدن رگ های تغذیه قلب است. برای رفع انسداد به گیراز دارو از بالن جراحی قلب باز وتعویض رگ مسدود شده استفاده می شود. عوامل دیابت ، فشارخون بالا ، کلسترول خون بالا فشارهای عصبی وبالا رفتن سن از عوامل اصلی آن است. اعضای که سالیان از بهترین ایام عمر وجوانی را دسارت فرقه رجوی گذرانده اند به خوبی بیاد

تحويل گرفتند و به ایران آوردند که در نهایت بعد از چند ماه حضور در کنار خانواده در تاریخ ۱/۵/۱۳۹۱ فوت نمود. به گفته محمد وی در سال ۷۹ در عراق به مدت ۵ ماه به خاطر تلاش برای پیوستن به فرقه مرجوی توسط سرویس های اطلاعاتی رژیم صدام دستگیر و تحت شدید ترین شکنجه ها قرار گرفته بود.

وی علیرغم تمامی این تلاش ها در آخرین روزهای عمر که با بیماری دست و پنجه نرم می کرد از طرف مسئولین فرقه درضد انسانی ترین شکل اخراج گردید تا هزینه و انرژی صرف پرداختن به درمان وی نگردد.

آری این عملکرد ضد انسانی فرقه ای است که این روزها برای مرگ افراد در زندان های ایران و یا قربانیان بی گناه کشتی سانچی اشک تمساح می ریزد. رجوی جنایتکار در قبال مرگ یکایک اعضا مسئول اصلی و پاسخ گو است و بدون شک روزی تقاص آن را پس خواهد داد.

دچار شده و ماه های آخر عمر خود را می گذراند او را با پیکری نیمه جان تحويل ارتش عراق دادند. مدتی بعد خانواده اش او را در کشور ترکیه

تجهیزات پزشکی عمدتا عقب

مانده و فاقد استانداردهای روز بود.

در راس گروه پزشکی جلادی بنام

دکتر فاضل قرار داشت که عمدتا با

طرح هرگونه بیماری و یا مشکل با

شک و تردید برخورد می کرد

و اعتقاد داشت که در تشکیلات ما

بیمار و بیماری نداریم

بلکه مشکل ما تمارض به بیماری از

طرف اعضاست

رجوی با بیشرمی و وقاحت هرچه تمام تر در نشست های انقلاب و در مقابل دیدگان هزاران نفر از اعضا گفت بنا به گزارشات کادر پزشکی ما خیلی از بیماری های صعب العلاج و مزمن با نسخه انقلاب مریم شفا پیدا کرده و به کلی خوب شده است. اصولا بحث رسیدگی های پزشکی و ضرورت چکاپ های دوره ای محلی از اعراب نداشتو ما با مقولات پزشکی، دیابت، کلسترول، فشارخون و زمینه های سرطان بعد از خروج از فرقه آشنا شدیم. در طی سالین اخیر بسیاری از اعضا به طور ناگهانی و به دلایل سکت و سرطان درگذشتند.

محمد حمادی یکی از این اعضای بخت برگشته بود. محمد از سال ۷۴ و به مدت ۱۷ سال در اسارت فرقه انسان کش رجوی بود و طی این سال ها هیچگونه تماسی با خانواده اش نداشت. تا اینکه سر کردگان فرقه رجوی در سال ۹۱ و در حالیکه به بیماری صعب العلاج تومور مغزی



افشاگری یکی از جداشده ها از وضعیت بیماری زنان در فرقه رجوی

ویدا رحیلی



خواننده و تجربه دارد دروغ می گوید اما خانم شجاع راست و این است طنز تلخ تاریخ در فرقه تروریستی رجوی. تمام این رسیدگی نکردنها به این دلیل بود که دختران عقیم شوند کما اینکه برخی به خاطر رفع این بیماری رحم خود را خارج کردند چون همگان می دانند که عدم رسیدگی به این بیماری باعث سرطان رحم و عقیم شدن خواهد شد. حالا می رسیم به علت این دروغها، فقط به این دلیل که آقایان و خانم ها انتظار یک سرنگونی کوتاه مدت داشتند و به اصطلاح آدمها را برای آن انقلاب دادند اما همان فردیت فرو برنده ای که آقایان از آن دم می زنند باعث شد که هیچ وقت به اشتباه خودشان اقرار نکنند و نگویند که انقلاب اشتباه بود و تا همین امروز این اشتباه ادامه دارد حتی به قیمت جان نفرات و از طرفی این دروغها به دختران گفته می شود که هی چوقت فکر بچه دار شدن به سرش نزنند چون یک دختر از وقتی به سن بلوغ می رسد عاشق مادر شدن است اما این عشق از آنها دریغ شده است.

سوال من اینه که چرا باید برای یک قرار پزشکی و یک قرار ام آر آی که حتی دولت عراق که به قول خودشان یک دولت دست نشاندۀ و جانی بود مدتها در صف می ماندیم و بعضا حتی جواب ما را هم نمی دادند و بیماری نفرات (البته ما) تشدید می شد.

حالا اینها مقدمه بود و داستان من از اینجا شروع می شه:

دخترانی بودند در فرقه که به خاطر آپاندیس یا کیست و یا کولیتشان مجبور به عمل جراحی می شدند و اگر عمل نمی شدند باعث نازا شدن و حتی مرگ آنها می شد. اولین حرفی که به آنها می زدند این بود که این بیماریها طبیعی است و همه زنها و مردها ممکن است دچار برخی از این بیماریها بشوند. علت اصلی خیلی از این بیماریها مشخصا بیماری کیست رحم به علت عدم داشتن شوهر بود اما وقتی این موضوع از جانب دختران مطرح می شد می گفتند که دکتر دروغ می گوید و این بیماریها طبیعی است. پس یعنی دکتر متخصصی که سالها درس

این داستانی که می خواهم مطرح کنم سر کوچک کردن بیماری افراد در داخل تشکیلات است که می گویند بیشترین اهمیت را سلامتی افراد برای ما دارد.

در شهر و جایی زندگی می کردیم که از لحاظ امکانات پزشکی محدود نبودیم نه برای ما بلکه برای بالاترین کادرهای فرقه که تحت بهترین مراقبتهای پزشکی بودند. اما بدا به حال ما چون باید برای گرفتن یک کفی کفش که درمان کوچک و ناپایداری برای پلیس من بود یک ماه و یا حتی بیشتر صبر می کردیم اما خودشان وقتی اراده می کردند بهترین کفشهای طبی را داشتند. من با جاهای دیگر کاری ندارم اما فرقه ای که دم از انسانیت می زنه و می گه افراد هیچ فرقی با هم ندارند و رده بندی تشکیلاتی فقط برای تقسیم مسولیت است باید به این حرف خودش پایبند باشه و همون امکاناتی رو برای من فراهم کنه که برای معاون رهبری خودش تهیه می کنه اما دریغ از یک درصد برابری و البته یک درصد از صد در صد.

تماس با خانواده، ریزش نیرو در فرقه رجوی را سرعت می بخشد

ادوارد ترمادو - عضو جدا شده از فرقه رجوی



مهمانان خارجی جوان جلوه کنند، این روند در اشرف هم بود، اما تا به کی می توان با فریب و دروغ ادامه داد؟ شما سران فرقه تا کی می توانید افراد در بند را از خارج شدن از مناسبات و اینکه در بیرون معتاد می شوید و بدون کمک می مانید و یا در خیابان خواهید خوابید، با حقه بازی در اسارت به بند بکشید، تا کی بایستی با تهمت زدن به همان افراد در آلبانی با عناوین دروغی مانند تماس داشتن با دشمن و مارک زدن در چنبره عنکبوتی خود نگهداشت؟ همین افرادی که تاکنون در آلبانی از شما جدا شده اند برایتان سرمشق باشد، باشد تا روزی که فرد فرد نفرات با آگاهی از مناسبات دیکتاتوری و تبعیض آمیزتان خارج شوند و برای خود بدون فضول باشی در دنیای آزاد زندگی کنند، این سرنوشت محتوم شماسست که خودتان رقم زدید.

با آرزوی موفقیت برای تمامی کسانی که اراده می کنند و تلبوی دروغی تشکیلات پوشالی و فرقه دست ساز رجوی را درهم می شکنند و به دنیای آزاد می رسند و با امید به آزادی دیگر دوستان.

خود را آلت راتیو یک حکومت معرفی می کند تمام تلاش خود را به کار گرفته تا اعضای دربند خود را حتی به زور و تهدید و تهمت در چهارچوب تشکیلاتی خود در اسارت نگهدارد؟ نیرویی که کاربردی در صحنه ندارد، نیروی که فرسوده و از کار افتاده است و نیرویی که بیش از سه هزار کیلومتر از کشور دور است؟

واقعیت این است که فرقه رجوی از وجود همین افراد در تیرانا به عنوان سیاهی لشکر در مجامع بین المللی استفاده می کند و حضورشان از این جهت مهم است که در مجامع خارجی اعلام موجودیت کنند، تصورشان را بکنند که تمام اعضای دربند، همین فردا تشکیلات را ترک کنند و هر کدام پی زندگی خود بروند، در چنین شرایطی حتی اگر همان یکمصد نفری که در بمب گذاری ها و ترورها دست داشته اند در درون مناسبات بمانند، دیگر برای فرقه میدانی برای یز بیرونی نمی ماند، و نمی تواند ادعای آلت راتیو کند.

مطمئناً مانند قبل تمام اعضای سن بالا اجباراً بایستی موهای خود را رنگ کنند تا در برابر

همانگونه که از سالیان پیش و قبل از خروج فرقه رجوی از عراق برای ما اعضای جدا شده قابل پیش بینی بود و همواره گفته و تاکید کرده بودیم که با خروج مجاهدین از عراق کار سازمان و تشکیلات تمام شده است، امروز شاهد ریزش دنباله دار نیرو در فرقه رجوی هستیم.

حتی گفته بودیم که اگر فرقه سرسوزنی درگاه مناسبات و تشکیلات خود را شل کند تا خانواده ها بتوانند با عزیزان خود تماس و ملاقات داشته باشند، این ریزش نیرو سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت، ترس فرقه رجوی هم از ممنوع کردن دیدار خانواده ها همین است و پس،

چندی پیش محمد تورنگ از جنگال رجوی ها رها شد و به خانواده خود پیوست، حالا هم بهمن و سعدالله، شخصاً با آزاد شدن هر کدام از دوستانمان خوشحال می شوم و برایشان آرزوی زندگی خوب و شیرین در دنیای آزاد را دارم، به بهمن اعظمی و سعدالله سیفی هم سلام و هم تبریک می گویم و برایشان آرزوی موفقیت دارم. به راستی چرا و برای چه فرقه رجوی که

خانواده های اسیران فرقه رجوی در یزد: اقدامات سران فرقه تروریستی رجوی از سر استیصال و فلاکت است



حرکت آن را در سراسیبه سقوطی که قرار گرفته سرعت خواهد بخشید و تنها این اقدام را دست و پا زندهای بی نتیجه در واپسین روزهای عمر خویش می دانند.

امروز اعضا طعم ارتباط با جهان خارج از فرقه را هر چند بسیار محدود چشیده اند و بنابراین بی شک بسیاری از آنان در برابر این جا به جایی مقاومت خواهند کرد.

بر کسی پوشیده نیست که تاریخ مصرف این فرقه سپری شده و دیر یا زود متلاشی خواهد شد و اقدامات سران فرقه تروریستی رجوی از سرموضع استیصال و فلاکت است. سران فرقه دیگر نمی توانند مانند زمانی که تحت حمایت صدام بودند هر بلایی دلشان خواست بر سر اعضا بیاورند.

انجمن نجات مرکز یزد

و از کمیساریای عالی پناهندگان خواسته اند تا بنا به رسالت و وظیفه خود مانع از چنین اقدامی شود و توافقات و تعهدات این نهاد بین المللی را درقبال پناهندگان ، خصوصا اسیران فرقه گوش زد کرده اند.

سران فرقه ضد انسانی و تروریستی رجوی که با موج وسیع ریزش نیرو و جدا شدن از فرقه مواجه هستند لذا تصمیم به اینکار گرفته تا بتوانند به خیال خویش راه را بر جدانشدگان همانهایی که حتی به صورت ظاهر در تشکیلات وجود دارند ببندد. رجوی ها هر چند می خواهند با ساختن اشرف ۳ و انتقال اعضا به مکانی دور افتاده بار دیگر بساط تشکیلاتی راه انداخته افتاده و مجدداً بگیر و ببند و سرکوب تشکیلاتی را افزایش دهند . بدون تردید این اقدام فرقه نه تنها هیچ گونه کمکی به فرقه نخواهد کرد بلکه

خانواده های اسیران فرقه رجوی در یزد برای انتقال اسیران به مقری تحت عنوان اشرف سه در حومه شهر تیرانا ابراز نگرانی کردند.

تصمیم و اقدام ضد انسانی فرقه منحوس رجوی برای انتقال اعضا خود به مقری که بر اساس اخبار رسیده از آلبانی در مکانی بسیار دور افتاده و خارج از شهر قرار گرفته و با دیوارهای بلند احاطه شده است نگرانی خانواده های یزدی را در پی داشته و ضمن محکوم کردن این اقدام ، مراتب نگرانی عمیق خویش را طی نامه ای به دفتر کمیساریا در تهران و تیرانا اعلام داشته اند.

خانواده های یزدی با اعلام این موضوع که شماره تماس دفتر کمیساریا در تیرانا نیز مسدود شده و جوابگوی آنها نمی باشد و همین امر موجب تشدید نگرانی آنها شده است ، لذا تصمیم به مکاتبه با این سازمان و نهاد بین المللی گرفته

فدریکا موگرینی درخواست ملاقات مریم رجوی در پارلمان اروپا را رد کرد

موگرینی: تا آنجا که من اطلاع دارم، رئیس جمهور ایران یک خانم سابقه دار و ساکن فرانسه نیست!



آنها به همین منظور جلسه ای را برای روز چهارشنبه ششم دسامبر ۲۰۱۷ برابر با ۱۵ آذرماه ۱۳۹۶ در پارلمان اروپا ترتیب دادند، تا حتی با فرم حضور تصادفی، مریم رجوی با فدریکا موگرینی در راهرو پارلمان اروپا ملاقات نماید. اما باز هم ناکام ماندند.

خانم موگرینی در پاسخ به درخواست مستقیم هیئتی از لابی های منافقین در پارلمان اروپا که گفته بودند خانم رئیس جمهور برگزیده ایران نیز برای انجام یک ملاقات کوتاه در پارلمان خواهند بود، گفته بود: «تا آنجا که من اطلاع دارم، رئیس جمهور ایران یک خانم سابقه دار و ساکن فرانسه نیست، من هم در تهران نیستم، اینجا بروکسل است!»

به این شکل تلاش های چند ماه گذشته باند رجوی برای ملاقات مریم رجوی با فدریکا موگرینی در مقر پارلمان اروپا شکست خورد و باز هم پاسخ رد و منفی شنید.

نمایندگان سازمان با خانم موگرینی ملاقات کرده و راه را باز کنند. آنها حتی هیئتی در آمریکا را مامور این کار کرده بودند تا هنگامیکه موگرینی برای رایزنی درباره برجام در کنگره حضور بهم می رساند، درخواست ملاقات مریم رجوی را تقدیم کنند. اما تلاش ها ناکام ماند و فدریکا موگرینی در آمریکا، درخواست ملاقات نمایندگان مریم رجوی را نپذیرفت.

به نوشته آریا ایران، پس از این ماجرا، مریم رجوی مستقیماً دست بکار شد. تا بواسطه تعدادی از لابی های اسرائیلی پارلمان اروپا، حتی اگر شده یک عکس یادگاری در محل پارلمان اروپا با فدریکا موگرینی داشته باشد. حامیان اسرائیلی باند رجوی به او اطمینان داده بودند که این کار شدنی است و در فرصت مناسب ملاقات صورت خواهد گرفت.

مریم رجوی، ملکه تروریست های جهان در پارلمان اروپا چهارشنبه ششم دسامبر ۲۰۱۷

موگرینی: «تا آنجا که من اطلاع دارم، رئیس جمهور ایران یک خانم سابقه دار و ساکن فرانسه نیست، من هم در تهران نیستم، اینجا بروکسل است.»

گزارشات رسیده حاکی است که فدریکا موگرینی رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، مکرراً به درخواست های مریم رجوی برای ملاقات در محل پارلمان اروپا پاسخ منفی داده و به شدت آن را رد نموده است.

از چند ماه پیش که دونالد ترامپ برجام را تایید نکرد، اسرائیل و عربستان قدم های تندی را بر علیه ایران برداشتند. در صحنه سیاسی نیز برخی لابی های اسرائیلی حامی مجاهدین، مسئله دخالت ایران در یمن را پیش انداختند تا جنگ نظامی عربستان بر علیه ایران قریب الوقوع گردد.

این مسئله تا اندازه ای برایشان مهم بود که از هر نظر بدنبال آمادگی برای شرایط اضطراری بودند. آنها پیش بینی می کردند که ایران شروع کننده ماجرا خواهد بود. طرح های بسیاری در جریان بود تا تئوری توطئه علیه مردم ایران آماده و تکمیل گردد. هدف اصلی آنان تکرار جنگ مشابه صدام حسین با ایران بود.

در همین رابطه شبکه های لابی منافقین فعالیت های مخفی زیادی را در کنگره آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو برآه انداختند. تا در صورت وقوع جنگ، ابتکار عمل در دست آنها باشد.

به همین منظور درخواست های زیادی برای ملاقات با فدریکا موگرینی رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا صورت گرفت. مریم رجوی تاکید کرده بود به هر قیمت که شده هیئتی از

افشاگری فراق از خیانت ها و اعمال تروریستی فرقه رجوی خشونت و خیانت علیه مخالف های رجوی سرلوحه فعالیت این فرقه پلید است



یکی از افراد
فرقه که در ژنو
به سوی
برخی از
خانواده ها
حمله وحشیانه
کرد

مهدی خوشحال یکی از جدا شده های فرقه هنگامی که به همراه عبدالکریم ابراهیمی از این کنفرانس خارج می شدند توسط اعضای فرقه رجوی و به دستور مریم رجوی مورد هجوم وحشیانه قرار گرفت و به شدت مصدوم شدند. این زن دیکتاتور و فتنه گر در حالی که خود را در این کنفرانس مدافع حقوق بشر نشان می داد نتوانست حضور جدانشده ها در این کنفرانس را تحمل کند و شخصا دستور حمله به این جداشد ها را صادر نمود. شدت حملات وحشیانه بر روی آقای مهدی خوشحال بسیار بالا بود و او از ناحیه چشم آسیب دید و به حالت نیمه کما رفت. مهدی خوشحال فعال رسانه ای است و در آلمان به عنوان فعال حقوق بشر سائیتی به نام

قرنطینه و سرکوب این افراد انجام نمی دهد. جدا شده های از فرقه رجوی هم اکنون با افشاگری از جنایت ها و خیانت های درون فرقه رجوی اسرار پشت پرده این فرقه منفور و خشن را آشکار می سازند. نکته جالب اینجاست که مریم رجوی در کنار این همه سرکوب، جنایت و خشونت خود را مدافع حقوق بین الملل و فعال نهادهای حقوق بشری می خواند. ۱۵ آذر ماه امسال بود که هیأتی از جدا شده های فرقه رجوی در کنفرانس «پناهندگان و حقوق بشر» در محل این پارلمان در بروکسل شرکت کردند. از قضا مریم رجوی هم با دلارهای خود، مزدوران و خودش را مهمان این کنفرانس نموده و در سالن دیگری مشغول سخنرانی بود.

این فرقه کشور آلبانی را برای ادامه حیات خود انتخاب کرد. کشوری که وضعیت آن به مراتب بهتر از عراق بود و اعضا در آن حتی می توانستند محدود و کنترل شده به بیرون از محل فرقه، رفت و آمد نمایند. این انتقال موجب آگاهی و روشن شدن جرقه امید در میان اسیران شد و در طول یکسال گذشته بیش از ۳۰۰ نفر از اسیران فرقه رجوی با مراجعه به کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اعلام جدایی از فرقه نمودند، مساله ای که به شدت سران فرقه را عذاب می داد و در فکر راهکاری برای مقابله با آن بودند. بر اساس آخرین شنیده ها هم اکنون درخواست خروج از فرقه افزایش یافته است و فرقه خشونت طلب رجوی راهکاری جز تهدید،



نرگس بهشتی، خواهر یکی از اسیران فرقه رجوی به نام مرتضی

صورت گرفت، بالاخره اتحاد و مقاومت بر دسیسه پیروز شد و جدا شده های از فرقه از این پس مستمری خود را بدون واسطه از کمیساریا دریافت می کنند.

در کنار این موضوع برخی از خانواده های اسیران فرقه رجوی نیز هستند که با مشاهده جنایت های درونی فرقه رجوی سندی محکم بر اعمال جنایتکارانه این فرقه پدید می باشند.

خواهر یکی از اسیران فرقه رجوی که سه برادر به نام های مرتضی، مصطفی، محمد و یک خواهر به نام لیلا دارد در باره جنایتهای این فرقه توضیحاتی به فراق داد.

نرگس بهشتی، درباره نحوه ورود دو تن از برادرانش به فرقه گفت: مرتضی

فرقه ضد ایرانی بود که نه تنها هرگز این اعمال تروریستی را تحمل نخواهند کرد بلکه با انگیزه ای چند برابر افشاگری علیه این فرقه را در همه جا به ویژه کنفرانس های بین المللی و با استفاده از همه رسانه ها ادامه می دهند.

البته مقاومت و این افشاگری ها تا کنون پیامد های خوبی داشته است که در نمونه اخیر آن و همزمان با آغاز سال جدید به دنبال اعتراضات نجات یافتگان در آلبانی به صورت متحد و یکپارچه و رسانه ای شدن موضوع و مستنداتی که از شبکه های تلویزیونی آلبانی در خصوص دید بسیار منفی مردم نسبت به این فرقه تروریستی پخش گردید و تلاش هایی که از جانب خانواده ها و فعالان و حامیان این افراد

ایران فانوس را مدیریت می کند. حمله وحشیانه به آقای مهدی خوشحال و دوستش، یکی از هزاران نمونه های خوی وحشیانه در فرقه رجوی است.

این رفتار فرقه رجوی سندی در اثبات هشدارهای سال های گذشته جدا شده ها و خانواده ها به مجامع بین المللی است. این ها سندی مبنی بر جنایت های این فرقه تروریستی، دروغ و فریب بودن تمام شعارهایش برای بزرگ کردن چهره خودش در مجامع جهانی از جمله کنفرانس اروپا است.

محکوم کردن این اقدام تروریستی فرقه رجوی از سوی تمامی آزادی خواهان و ایرانیان خارج از کشور پیام دندان شکنی به رهبر این



وی در تشریح خیانت های فرقه اظهار داشت: اواخر سال ۱۳۸۹ بود که من شنیدم خانواده ها با هم جمع می شوند و برای آزادی اسیرانشان به عراق سفر می کنند. من زیاد پیگیر شدم ولی متاسفانه شنیدم فرودین سال ۱۳۹۰ مرتضی در درگیری های اشرف توسط سران فرقه کشته شده است. بهشتی گفت: من در ماه اردیبهشت ۱۳۹۰ موفق شدم به عراق سفر کنم و بعد از آن بارها به عراق رفتم. ما در نزدیکی عزیزانمان بودیم اما دریغ از یک لحظه دیدار، حتی برای گرفتن جنازه برادرم به دادگاه عراق مراجعه کردم اما در جواب گفتند مریم ملعون گفته است جنازه ها متعلق به من هستند.

این خواهر که خانواده او یکی از هزاران قربانیان فرقه تروریستی رجوی است افزود: خواهرم به ترکیه رفت و در آنجا به جای برادرانم دو نفر دیگر دنبال خواهرم آمدند. خواهرم پیش آنها رفت و این باعث درگیری شدید میان راننده اتوبوس و افرادی که آمده بودند شد که حتی دست راننده اتوبوس در این ماجرا با چاقو زخمی شد. راننده خواهرم را فراری داد و به ایران باز گرداند. بعد از آمدن خواهرم مصطفی تماس گرفت و با فریاد گفت خواهرم چرا برگشت این ها مرا می کشند و دیگر هیچ خبر و تماسی از سوی برادرانم نداشتیم تا بعد از پیگیری های مکرر از طریق انجمن نجات مطلع شدیم برادرانم اسیر فرقه رجوی شده اند.

در سال ۱۳۸۰ برای کار به ترکیه رفت. سه ماه در ترکیه در رفوگری فرش کار می کرد و مدام با خانواده و همسرش ارتباط داشت. بعد از سه ماه به مدت یک ماه کاملاً بی خبر بودیم تا اینکه بعد از مدتی با مصطفی تماس گرفت و گفت من در ترکیه هستم و با کشتی جنس می بریم به کشورهای اروپایی توهم بیا ترکیه یکسال کار می کنیم و بعد برمی گردیم. وی ادامه داد: برادرم یک مرد کردی را به منزل مادرم فرستاد. این فرد نامه مرتضی را آورد که همان حرفها نوشته شده بود و مصطفی توسط وی از ایران خارج شد. بعد از یک ماه مصطفی تماس گرفت و خواهرم لیلا را خواست تا به ترکیه بیاید و برای آنها غذا درست کند.

■ حمله مزدوران رجوی به یکی از جدا شده ها



■ سیاوش عتیقی، برادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی



■ مصدوم کردن یکی از خانواده ها در اشرف



وی در باره فعالیت های خود برای نجات برادرش گفت: دوبار برادرم مصطفی را خیلی اتفاقی در اشرف دیدم، خیلی جیغ و داد کردم ولی برادرم را از آنجا دور کردند. مصطفی حالت پریشانی زیادی داشت و مدام دور تا دور اشرف و لیبرتی عزیزانمان را صدا می کردیم. در لیبرتی من عکس مرتضی را به افرادی که جلو ما ایستاده بودند نشان دادم، یکی از اعضای فرقه عکس مرتضی را پاره کرد و شروع کرد به فحاشی، من خیلی بی تاب شدم هرچه گفتم من خواهر مرتضی هستم فحشهای خیلی زشت به من گفت و شروع به حمله سوی خانواده ها کردند و ما را مجروح ساختند.

سیاوش عتیقی یکی دیگر از خانواده های

قربانیان جنایت های این فرقه می باشد که برادرش توسط مزدوران فرقه کشته شده است.

این برادر نیز درباره جنایت های فرقه گفت: برادرم بهمن یکی از اسیران فرقه رجوی بود که متأسفانه در سال ۹۰ به دنبال حضور خانواده ها در اشرف، میان درگیری بین مزدوران و اعضای که اعلام جدایی کرده بودند کشته شد.

وی ادامه داد: چهارم فروردین سال ۹۰ من و تعدادی از خانواده ها که در فرقه اسیر داشتند به سمت عراق حرکت کردیم. به عراق که رسیدیم باهماهنگی دولت عراق رفتیم پشت فنسهای زندان مخوف اشرف و پشت فنس ها نظاره گره افرادی بودیم که از انسانیت فقط شبیه انسان

بودند.

عتیقی گفت: برادر من قربانی خیانت ها و پست فطرتی های فرقه رجوی شد و این فرقه حتی به اعضای خود هم رحم نکرد.

خانواده های ستمدیده از جنایت های فرقه رجوی، سندی بر تروریستی و جنایتکار بودن این فرقه منفور هستند.

افشاگری خانواده های ستم دیده از جمله نرگس بهشتی و سیاوش عتیقی که یکی از برادر های خود را توسط حيله ها و ترفند های فرقه رجوی از دست داده اند می تواند پرونده این حیوان صفت های فرقه رجوی را در مجامع بین المللی سنگین کند و موجبات فروپاشی هر چه سریع آنها را فراهم نماید.

۸۰ درصد هزینه ها در فرقه رجوی مخصوص سران است

یادداشت از زینال شهیدی

وضعیت زندگی اعضای اسیر در فرقه رجوی



دکترها و عمل های مختلف حتی عمل زیبایی که انجام می گرفت و بی محابا هزینه می شد. البته از آن طرف زنان و مردانی بودند که اجازه نمی دادند برای مداوا بیرون بروند یا اگر هم می رفتند به بیمارستان دولتی می بردند تا هزینه نکنند که آن هم بی فایده بود.

اینها نمونه های کوچکی از خرجهایی است که دیده ایم که این سران فرقه برای خودشان کرده اند و این را بدانید که خرجهای کلان دیگری چه در عراق و چه در اروپا سران فرقه انجام داده اند که ما حتی نمیدانیم.

اینجا است که میگویم من هم حقی دارم و این را بدانید که حقم را از شما خواهیم گرفت.

فکرش را بکنید در بیرون و در داخل کمدم بود. خوب ببینید این چقدر خرج بر می دارد. خرج هایی که برای عیش و نوش این ها خرج می شد، لباس های شیک می پوشیدند و با نمایندگان و سناتورهای آمریکایی عکس می گرفتند تا سران فرقه از آنها بهره سیاسی ببرند. این هزینه ها به میلیونها دلار می رسید و می رسد که از خرج خوراک و درمان بچه ها می زدند و به حلقوم این جنگ طلبان آمریکایی می ریختند تا بتوانند از بابت آنها یک مدت دیگری تشکیلاتشان را سر پا نگه دارند.

پول هایی که برای عمل های غیر ضروری سران فرقه پرداخت می شد. با استخدام بهترین

شاید اگر این این مطالب را بنویسم فرقه رجوی در جواب بگوید که پول خودمان است و هر جور بخواهیم خرج می کنیم. ولی من یک عضو جدا شده از این فرقه هستم و سالیان طولانی در این فرقه بودم. من می گویم پس من هم حقی دارم چون سالیان از من سواستفاده سیاسی کردید.

من می گویم این خرجها که حداقل ۸۰ درصد آن برای رهبران فرقه است از خون و رنج جوانان ایرانی بوده و نه از جیب خودتان.

یک نمونه پول هایی که خرج عکس های مسعود و مریم می شود حتی وقتی به انبار م یرفتم عکس این دو روی دیوار بود و هر کجا که

افشاگری از قتل های مشکوک در فرقه رجوی:

وقتی در قرارگاه علوی صدای شلیک آمد!

یادداشت از سعداله سیفی



با سلام می خواهم خاطره ای از کشته

فردی به اسم یعقوب در قرارگاه علوی در عراق برایتان تعریف کنم. یک روز عصر بود. در یکی از قسمتهای قرارگاه علوی که بودیم متوجه صدای شلیک روی تپه مجاور که در قسمت شمالی بود شدم. چون شلیک در داخل قرارگاهها چیز غیر معمولی بود بلافاصله از سالن بیرون زده و دویدم که به سمت کیوسک نگهبانی که بالای تپه بود روانه شدم که شهناز یکی از زنهای مسئول آن قسمت جلو من را گرفت که حق ندارم بروم. در این فاصله که با من بحث می کرد که مانع رفتنم شود تعداد دیگری هم آمدند و آن جا جمع شدند که این زن با داد و فریاد همه را پراکنده کرد.

من از آن محل کنار رفته و سریعاً خودم را از آن محل دور کردم و خارج شدم و از پشت سالن مجدداً به آن محل رفتم. دیدم که خشابی با چند

حسین زندگی که در پست باید باشد در آن محل نیست. گویا در همین فاصله آن زن این حسین را فرستاده بود که جسد یعقوب را از آن محل با خودرو دور کند که کسی متوجه داستان نشود.

بعد هم یک صحنه ساختگی درست کردند که یعقوب جهت انجام کار فردی از تپه بالا رفته و آنجا به خودش شلیک کرده و خودکشی نموده است. این در حالی است که هیچ کس این حرف را باور نداشت چون یعقوب یکی از بهترین نفرات در برخورد با پیرامونش بود و همیشه هم سعی میکرد که یک فاصله ای از این دستگاه رجوی و تشکیلاتش بگیرد. در صورتی که تشکیلات او را منزوی کرده بود و اعتماد به او نداشت و مسئولیت جدی به او داده نمیشد.

از نظر من و خیلی از نفرات این کار خود فرقه بود که او را کشته بود که این احتمال داده

نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی

وضعیت قرمز در فرقه رجوی جابه جایی فرماندهان زن با مردها



چنان ذلتی افتاده که هیچ کاری نمی تواند بکند. حتی نمی تواند نفر را اخراج کند. یک مثال دیگر برای شما بزنم این است که الان درست است که به اشرف سه رفته اند که ۲۰ کیلومتر با اینجا فاصله دارد ولی هر روز نفرات را برای هواخوری به داخل شهر می آورند. مخصوصاً روزهای شنبه که اینجا تعطیل است. باز این نشان دهنده وضعیت وخیم فرقه است چون فرقه به خیال خام خود به اشرف ۳ نقل مکان کرد که دیگر نفرات به شهر نیابند تا فیل شان یاد هندوستان نکند تا جدا نشوند. ولی این بدتر هم شده چون هر روز شاهد این هستیم که نفرات روزانه در داخل شهر پرسه می زنند و از وضع آنها دقیقاً همیشه فهمید که از لحاظ روحی در وضعیت بحرانی قرار دارند که صد البته برای فرقه خوب نیست و این امکان وجود دارد که هر لحظه افراد فرار را بر قرار ترجیح دهند.

شورای رهبری اهانت می کرد باید سر به نیست می شد. در صورتی که الان کسی جرات نمی کند به اهانت کننده حرفی بزند چون دیگر عراق نیست که نفر را سر به نیست کنند. خبرهایی می رسد که برخی از نفرات، مسئولین مرد خود را کتک زده اند که این هم سابقه نداشته است. این است تشکیلات پولادین رجوی که در نشست ها ادعا می کرد و واقعا آدم خنده اش می گیرد که چی شد این تشکیلات که در هر جای دنیا با انقلاب مریم جواب می داد. موقعی که این موارد در تشکیلات رخ می دهد، مخصوصاً دعوای فیزیکی، این نشان دهنده این است که دیگر نفرات خسته شده اند و منتظر آن هستند تا بهانه ای گیر بیاورند تا از فرقه جدا شوند. چون الان در آن محل دورافتاده اگر نفری بخواهد جدا شود سخت است ولی با این حال باز با این جنگ و جدالها، این فرقه به

برای ما خیلی غیر قابل باور است که تشکیلات فرقه به این صورت پیش می رود و این نشان دهنده این است که فرقه الان در وضعیت وخیمی قرار دارد. زینال شهیدی در یادداشتی نوشت: در داخل فرقه خبرهایی به گوش می رسد که فرماندهان زن را برداشته اند و بجای آنها مسئولین مرد گذاشته اند. این از آن بابت نیست که تشکیلات رنگ و رویی عوض کرده باشد. این از آن بابت است که زنها الان در تشکیلات به لحاظ امنیتی احساس خطر می کنند چون خبرهایی می رسد که نفراتی به زنها اهانت کرده و خواسته اند تا دست از اجرای فرمانهای مزخرفی که توسط مریم رجوی به آنها داده می شود بکشند و این در فرقه بسیار نادر است یا شاید اتفاق نیفتاده باشد و اگر هم در اشرف این اتفاق افتاده بود نفری که به زن

مزدوران فرقه رجوی با صدا گذاری روی فیلم های غیر مرتبط فضای داخلی ایران را ملتهب جلوه می نمایند

صدا گذاری روی فیلم های غیرمرتبط سعی دارند فضای داخلی ایران را نا آرام و ملتهب جلوه نمایند. فرقه سرکوبگر رجوی در واپسین روزهای عمر خود به دنبال فرصتی است تا هنگام مرگ نیز ضربه ای به ملت ایران وارد کند اما با رشد گسترده وسایل نوین ارتباط جمعی و با رشد آگاهی های عمومی دیگر جایی برای عرض اندام این افراد خائن و وطن فروش وجود ندارد.

طی هفته های گذشته تماس هایی از سوی منافقین از داخل و خارج از کشور با برخی شهروندان صورت گرفته و آنها را تشویق به حضور در خیابان ها کرده اند. همچنین فراخوان هایی نیز از سوی منافقین در جهت دعوت به تجمع و آشوب در شبکه های اجتماعی منتشر شده است. مزدوران و لاشخورهای فرقه تروریستی رجوی همچنین با

مدتی است فرقه ارتجاع و سرکوبگر منافقین در خیال خام خود سناریوی ساختگی فراخوان برای تجمعات جزیره ای را در دستور کار خود قرار داده است. به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی فراق، این فرقه با فراخوان های مختلف در فضای مجازی قصد دارد از برخی مشکلات اقتصادی به وجود آمده در ایران سو استفاده کند که این موضوع نیازمند آگاهی جدی مردم است.

کاریکاتور

تفاله های رجوی جیره خوار آل سعود / فرقه تروریستی رجوی مجری خیانت ها به ملت ایران



اعضای اسیر نباید از خروج و دنیای آزاد بترسند



ترین پابندشان مستمری ماهیانه بود که از این پس دیگر هر کس در افشای این جنایت کاران تعلل و تاخیر کند یا ارتباط خود را با آنان حفظ نماید شریک جرم آنها محسوب می شود و بخشیده نخواهد شد. همه ما طی بیش از سه دهه گذشته به طور شبانه روزی این جنایات را با گوشت و پوست خود لمس کرده و چشیده ایم، پس بر ماست و وظیفه داریم تا برای آیندگان روشنگری کنیم و نگذاریم این صحنه ها تکرار شود. این وظیفه هر انسان آزاده و شریفی است که پس از اینکه بیش از ربع قرن از عمرش را به پای هوا و هوس مسعود رجوی نابکار و وطن فروش ریخته صدای حق طلبانه خود را بلند نماید.

سعداله سیفی

نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی

همین موضوع، نه تنها خروج اعضا و در نتیجه فروپاشی و از هم گسیختگی تشکیلات فرقه را تسهیل و تسریع می کند، بلکه زمینه را فراهم می نماید تا افراد نجات یافته بدون هیچ گونه ترس و واهمه ای دست به افشاگری بزنند و دست این جنایتکاران را برای تمام جهان و مردم ایران و ارگانهای حقوق بشری رو نمایند تا آنان در آینده جواب گوی خیانت به این عزیزان و مردم ایران و تاریخ باشند. از این پس هیچ کس فریب این جنایتکاران و خائنین به وطن را نخواهد خورد. مسعود و مریم رجوی و سرسپردگان آنان باید در فردای روزگار جوابگوی جانها و عمرهایی که به هدر دادند باشند. آنان با جان و احساس انسان ها طی این ۳۰ سال گذشته بازی کردند و به امید و اعتماد اعضا خیانت نمودند. تا دیروز نجات یافتگان اصلی

یک بار دیگر کوس رسوایی توطئه فرقه رجوی خان و جنایت کار، پس از پرداخت مستمری پناهندگی نجات یافتگان توسط کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، به صدا در آمد.

این حرکت و پیروزی نوید بخش چشم اندازی روشن برای آنهاست که هنوز در زیر یوق و اسارت این فرقه منحوس هستند. اعضای گرفتار باید بدانند که هیچ گاه نباید از جدا شدن و پا گذاشتن به دنیای آزاد بیرون از فرقه، با تمام فراز و نشیبهایش، ترس داشته باشند و نباید فکر کنند که تنها، بی کس، بدون حامی و پشتوانه هستند. شرایط کنونی، دست این فرقه جنایت کار را در وابسته کردن و برده سازی افراد جداد شده به خاطر پرداخت مستمری کاملا بسته و آنها را رسوای تاریخ نموده است.

مالک بیت مشعل، یکی از جدا شده های اخیر فرقه رجوی:

کار فرقه رجوی کشتن ذهن و قلب انسانهاست

هدف فرقه این است که جدا شده ها زیر فشار بروند تا از آلبانی فرار کنند

هم تعهد می گذاشتند وما باید مثل لودر شب تا صبح تا می دویدیم و کار می کردیم و می گفتند بدویم و کار کنیم که بعدا به ما گفته شود آفرین به تعهد خودتان رسیدید و مریم و مسعود خوشحال می شن!! شما بحث آنها را اثبات کردید! علاوه بر آن هوای گرم عراق در اشرف و لیبرتی و نبودن سرمایهش امان از ما می برید به طوریکه ظهرها نمی تونستیم بخوابیم بویژه که در لیبرتی همه کولر آبی روشن میکردند که بدتر بود. به بهانه اینکه سوخت نیست نمی گذاشتند کولر گازی روشن کنیم و اگر روشن می کردیم از قسمت اصلی برق رسانی برق را قطع میکردند. آنها از تلویزیون و کامپیوتر داخلی که به اصطلاح شبکه درست کرده بودند برای سرگرم کردن نفرات با بازی های جنگی استفاده می کردند. از همه وسایل ارتباطی با بیرون محروم بودیم و مجبور بودیم که باهمان که به ما می دادند بسازیم و کاری نمی شد کرد. علاوه بر آنها نشستها که مستمر بوده بیشتر کلافه ام کرده بود همه اش حرفهای تکراری و دروغهایی همیشه مثلا بحث ایدئولوژی هست یک مرتبه میشد سیاسی و بحث اوضاع رژیم که تا آخر نشست بحث همین می شد و همان حرف هایی بود که سالیان سال بر ایمان تکرار می کردند و اگر هم کسی می خواست حرفی بزند باید در جهت تأیید آن حرفها می بود و او را تشویق می کردند و می گفتند بلند شوید موضع بگیرید که منظورشان فقط موضع موافق بود معلوم بود که کسی موضع مخالف نمی تواند بگیرد و نمی گرفتند چون فوراً انواع برجسبها به او می زدند و آخر هم معلوم



در یک کلام علاوه بر تمامی جنگهایی که داشتیم می بایست جنگ با تشکیلات را تحمل می کردم و شرایط و دروغهای آنها را باید تحمل می کردم. آنها فقط یک کار را می گذاشتند من انجام بدهم و آن این است که باید تحمل می کردم! کنم. سر ضوابطی که مسئولین بالا قاف داده نقض کرده بودند برای ما نشست گذاشته می شد و به ما می گفتند که شما مسئول آن هستید و به اصطلاح باید خودتان را در این مورد بخوانید یعنی نقش خودتان را در خرابکاری فلان مسئول بگویید! در حالیکه ما هیچ نقشی نداشتیم و کلا هیچ اعصابی و روحیه ای برای من نمانده بود. حتی صد بار دعا کردم که یک طوری بمیرم و خلاص بشوم چون جایی گیر کرده بودم که از هیچ چیز خبر نداشتم و فقط ضوابط بود و دیگر هیچ. روزهای تکراری سپری می شد و همه چیز از دست داده بودم. همیشه به ذهنم می زد که خودم را بکشم و همین اعصابم را خراب می کرد چون نیازی به زنده ماندن نمی دیدم. انواع کارهای بیگاری از ما می کشیدند که اسم آن را

مالک بیت مشعل معروف به جهاد پس از اعلام جدایی از فرقه رجوی در آلبانی گفت و گویی با انجمن فریاد آزادی انجام داد. به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق متن این گفت و گو به شرح زیر است:

سلام، دوست عزیزمان آقای مالک بیت مشعل ضمن تبریک آزادی و رهایی تان از فرقه رجوی، لطفا مختصری خودتان را معرفی کنید و بگویید کی به فرقه رجوی پیوستید و سابقه تان در فرقه چه بوده و کی و چگونه از فرقه جدا شدید؟

من مالک بیت مشعل از اهواز هستم. از سال ۱۳۸۱ به مدت ۱۵ سال در فرقه رجوی بودم و در سال ۱۳۹۶ در آلبانی از آن فرقه جدا شدم. لطفا مختصری از دلایل جدایی خودتان از فرقه رجوی را بیان کنید.

سردروغهایی که بعدا فهمیدم یعنی در رابطه با ضوابط جدید آنها که می خواستند مثل لیبرتی و اشرف زندان دیگری به اسم اشرف ۳ درست کنند با سران فرقه در افتادم تا اینکه در عید سال ۹۶ و صبح فردای تحویل سال گفتند شما اعضا نشست دارید. من هم فرمان ناپذیری کرده و به آن نشست چهار روزه نمی رفتم یعنی به هیچ نشستی نمی رفتم. تا روز چهارم فرورین شد که من به نشست رفتم. در همان روز که وارد نشست شدم کاغذی به عنوان اخراج جلوی من گذاشتند.

ممکن است مقداری از مشکلاتی را که شما در فرقه با آنها مواجه بودید، چه از لحاظ روحی و چه از لحاظ جسمی توضیح دهید؟

اصطلاح درجا قدم رو می زنیم و با روحیه بد داریم شب و روز را سپری می کنیم و حالا هم می گویند که ما خانن هستیم درحالی که می خواهند باهمین کارهایشان ما را روانی و دیوانه کنند چون ما اینجا یک سیخی هستیم در چشم آنها. لذا می خواهند زنده نماییم یا از اینجا برویم. از این رو اذیت آنها بیشتر و پیچیده تر می شود و هرماه یک فیلی هوا کرده و جنجالی به پا می کنند و همه را بهم می ریزند و کلافه می کنند.

در پایان اگر صحبتی با خوانندگان دارید بفرمایید.

در یک کلام کار فرقه یعنی مسعود و مریم رجوی این است که به خاطر بقای خودشون و فرقه شون باید دوکار انجام بدهند یکی اینکه قبل از هر چیزی باید همه چیز را از تو بگیرند یعنی فقط فکر کنی و احساس کنی که فقط اینها را داری و لاغیر.

دومین کار اینها به خاطر رسیدن به هدفشون این است که عاطفه انسان را از بین ببرند و مال خودشان بکنند و همبمنطور هم شد و شده و این بلا بر سرمن آمده. من از خودم حرف می زنم نه دیگران و گرنه دیگران هم مثل من هستند با تفاوت خیلی کم. وقتی که به نقطه ای رسیدی و گفتی دیگر من هرچه دارم و عاطفه ام برای آنها هستش اینجا می فهمند که این یکی توی تور آنها افتاده. این دوکار از بین بردن این نسل را برایشان آسون می کند. اینها باهمین دو سلاح نفرت را از بین م ببرند و اما از ایدئولوژی که اینها حرف می زنند و می گویند اسلام دموکراتیک باید گفت که اصلا وجود ندارد. وقتی به آنها می گفتم این چه اسلامی است که من نمی توانم با نفر کناریم دوست بشوم می گفتند اینها برای مجاهد نیست بلکه ما این حرفها یعنی صحبت از دموکراسی و اسلام دموکراتیک را برای بیرون و افراد بیرونی می گوئیم نه برای کسانی که در تشکیلات هستند. از این رو دیدیم که حرفهای اینها هیچ سختی با اسلام ندارد و فقط حرف می زنند و عملی نیست. حدیث می گویند وقران تفسیر می کنند و هر گونه

تو میرسیدند و سر ماه و شاید دو روز جلوتر صدات می زدند و پولت را می دادند ولی اینطور نبود مثل همیشه باید تا دهم یا نصف ماه بگذرد تا پول بدهند و کلی گرسنگی و بی پولی باید بکشی و به هرکس می گفتیم میگفت من دخالتی نمی توانم بکنم. به کمیساریا و رمسا در نشستهای آنها گفتیم و حتی نفراتی که پول آنها را قطع کردند شکایت کردند و کمیساریا جواب داد که مسأله مالی را وارد نکنید چون ما دخالت نمی کنیم. از این رو همه ما دیدیم که اینها برای کسب اطلاعات و جاسوسی به نفرت پول می دادند نه بابت کمک و انسانیت.

مختصری هم اگر ممکن است از جدا شده ها و مشکلات آنها در آلبانی صحبت کنید.

مشکلات کل جدا شده ها همین فرقه می باشد که همیشه چوب لای چرخ گذاشته و همه را در تنگنا می گذارد و شیوه ای به کار برده که همه را به جان همدیگر انداخته و هیچ کس به هیچ کس اعتماد ندارد. یعنی بعد از این همه سال که باهم بودیم حالا به همدیگر اعتماد نداریم و هدف فرقه این است که افراد زیر فشار بروند تا از این کشور فرار کنند و همبمنطور هم شد که الان یک تعداد موفق شدند به کشورهای دیگر بروند و یک تعداد هم وضعشان نامعلوم است یعنی معلوم نیست که سرنوشت آنها چی شد و سران فرقه حتی پیشنهاد رفتن از آلبانی به نفرت می دادند که کی از این کشور می روی؟ و از من هم سوال شده سه بار هم سوال شده و گفتم به زودی فرار می کنم و بعضی ها هم به خط اعتیاد کشیده می شدند تا خودشان را از شدت درگیری ذهنی خلاص کنند و الان همه ما در شرایطی بسر می بریم که هیچ هویتی نداریم و روزهای سختی را داریم سپری می کنیم و کسی به داد ما نمی رسد و نمی دانیم باید پیش کی شکایت کنیم که اینها که ما را آوردند آلبانی چرا ول کردند؟ و ما را در این کشور غریب به صورت افرادی بی هویت گذاشتند و علاوه بر آن اذیت هم می کنند. این وضعیت ما می باشد که روزها و ماهها و سال می گذرد و ما درجای خودمان به

نبود چه بر سرش می آوردند و اگر موضع نمی گرفتی یعنی اصلا حرفی نمی زدی انتقاد می کردند که چرا حرف نمی زنی؟ موضع گرفتن این نبود که نقطه نظر خودت را بیان کنی بلکه باید گفته های پوشال آنها را طوطی وار تکرار می کردی. اکثر نفرت بخاطر فشارهای روحی در اشرف و لیبرتی که از طرف مسئولین وارد میشد داشتند روانی میشدند و راهی نداشتند و مشخصا در لیبرتی همه منتظر بودند که روز انتقالشان برسد و وقتی به آلبانی منتقل شدیم گفتیم شکر خدا راه باز شد و همه از عراق بیرون آمدیم و الا در عراق همه اش زجر بود. اما وقتی به آلبانی آمدیم با گرفتاریهای زیادی مواجه شدیم. فشارها و مشکلات چند برابر شد. از چاله لیبرتی در عراق در آمدیم و به چاه آلبانی افتادیم. در یک کلام دادرسی وجود ندارد. همیشه لایه پایین یعنی ما را هر مقرر خرابیها و بی تجربه میدیدند، و هرچه می گفتیم و سؤال می کردیم جوابی داده نمی شد تا دیگر منصرف میشدیم. این مقداری از بدبختیهای بود که آنجا کشیدم.

الآن که بیرون آمده اید با چه مشکلاتی شما در آلبانی مواجه هستید؟

مشکلاتی که داشتیم و دارم این است که از روزی که بیرون آمده ام تا به الان یک شب خواب راحت نداشتم چون هرماه سرپول دادن بامبول در می آوردند و هر بار به یک شیوه ای اذیت می کردند و حقوق را کش می دادند تا ده روز طول بکشد و ما را جلوی صاحبخانه و مردم آلبانی بی اعتبار می کردند و حتی صد بار آلبانیایی ها گفتند اینها پارتیزان هستند؟ یعنی اینها مجاهد و نیروهای مقاومت هستند؟ که اینطور شما را اذیت می کنند؟ و مشکل دیگر اینکه ما با اینکه از آنها جدا شده بودیم و دیگر در تشکیلات فرقه نبودیم. باید گزارش کامل یک ماه را به آنها می دادیم که چه کار در این ماه می کردیم و آیا کلاس می رویم؟ به کدام کلاسها می رویم؟ و افراد دیگر چه کار می کنند؟ که اگر مثبت و باب دل آنها جواب می دادی یعنی جاسوسی می کردی که نفر آنها می شدی و به

هستی. رجوی به معنی جلا دهن و دل و به معنی واپس ماندگی و به معنی یک بیماری یرقان است که وقتی یک فرد گرفتار او شد سراسر وجودش را فرا گرفته و تا مرگ رهاش نمی کند مگر اینکه به طریقی خودش را از چنگ او بیرون بیاورد. با کمال تشکر از شما دوستان عزیز و کمک های بی دریغ شما.

خردمندی است و هرکس هم از دست رجوی زنده در رفت ز رنگی کرده مثل من. از نظر من رجوی یک اختاپوس می باشد که وقتی روی ذهن می نشیند دیگرول کن نیست یا تو را می کشد یا فریبت می دهد تا برده او باشی و تا آخر عمر بیگاری به او بدهی و باید برای او کار کنی. آری گفتن به رجوی یعنی اینکه رفتنی

شعر و شعاری را سر می دهند و همه گونه ادعا دارند اما نتیجه عملی ندارد و همه اش دروغ و فریب می باشد. راستش را بخواهید در یک کلام این فرقه کارش کشتن ذهن و قلب انسانهاست و بخاطر همین آن همه افراد کشته شدند و هرکس در تور و در دام رجوی نیفتاد خیلی زرنگ و هوشیار بوده و اهل عقل و

هشدار به خانواده های اسیران فرقه رجوی:

گدایی نوین در فرقه ارتجاع رجوی

مراقب تماس ها از سوی دجال های فرقه رجوی باشید

سو استفاده نکنند. جاسوس های فرقه افرادی که تازه جدا شدند را پیدا کرده و باز هم با ترفندهای کثیف فرقه شروع به مغزشویی آنها می کنند. این جاسوس ها به افراد می گویند که اگر شما از فرقه خارج شدید، از شما سو استفاده نموده و برخورد می کنند که یکی از نمونه های اخیر آن در جدایی سمیه محمدی اتفاق افتاد که وی قربانی تهدیدات و مزدوری جاسوس های فرقه رجوی شد. با توجه به موارد ذکر شده لازم است خانواده های اسیران فرقه رجوی هنگام دریافت تماس های تلفنی دقت بیشتری نموده و به هیچ یک از آن ها اعتماد نکنند. پایگاه خبری - تحلیلی فراق همچنین با توجه به تصمیم فرقه ارتجاع مبنی بر انتقال افراد به « اشرف ۳ » از خانواده های اسیران فرقه رجوی می خواهد تا ضمن تماس و ارسال ایمیل برای کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، نگرانی خود در مورد این اقدام غیرانسانی توسط فرقه ارتجاع را ابراز داشته و آنها را از این دسیسه دجال های فرقه رجوی با خبر کنند. در پایان امیدواریم با حرکت و رفتارهای آگاهانه خانواده ها که خواب را از چشمان جریان فرقه ارتجاع و شخص مریم رجوی ربوده است شاهد متلاشی شدن این فرقه مخرب باشیم.

بتواند فرقه را سرپا نگه دارد. بنا بر گزارش های رسیده به فراق همچنین اخیرا توسط سران مزدور فرقه ارتجاع تصمیم گرفته شده جاسوس ها نیز با خانواده ها تماس برقرار کنند و به بهانه اینکه اسیر آن ها را می خواهند از فرقه خارج کنند پول مطالبه کنند. این ترفند ها که از روی نوشته توسط افراد یا مزدوران خوانده می شود به حدی مسخره و زننده است که بلافاصله می توان به محتوای ساختگی آن پی برد. به گزارش فراق همچنین مشاهده شده است برخی جاسوس های فرقه با عنوان اینکه می خواهند دوستی جدید با خانواده ها برقرار کنند، با خانواده مورد نظر ارتباط برقرار کرده و در ابتدا با دادن اطلاعات از فرد اسیر، خود را فردی خیرخواه و بدون وابستگی عنوان نموده و سپس با ترفندها و حيله های مخصوص درخواست پول یا تخلیه اطلاعاتی می کنند. این افراد هنگام تماس این بهانه را می آورند که حقوق فرد اسیر قطع شده است و او به کمک مالی فوری نیاز دارد که این موضوع نیز باید مورد دقت خانواده ها باشد. ذکر این نکته هم برای آگاهی خانواده ها مهم است که هنگام انتشار اخبار مربوط به جدایی افراد در میان خانواده های اسیران دقت بیشتری گردد تا مزدوران و جاسوس های فرقه از این مورد

مزدوران فرقه ارتجاع رجوی در حيله ای نوین، اعضای اسیر در فرقه را به گدایی از خانواده های خود اجبار می کنند. به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی فراق، در این ترفند جدید سران فرقه ارتجاع رجوی با تهدید و اجبار، اعضا را مجبور می کنند تا با خانواده های خود تماس گرفته و تقاضای پول برای امرار معاش نمایند که لازم است خانواده ها نسبت به این موضوع دقت نموده و اعتماد نکنند. در این حيله، از اسیران خواسته می شود که برای خانواده خود مظلوم نمایی کنند تا بدین وسیله از خانواده اسیران اخاذی کرده و درآمدی برای خود کسب کنند. فرقه ارتجاع رجوی هیچ اعتقادی به خانواده و دنیای نوین ندارد و به همین علت هیچ هزینه ای صرف اعضای خود نمی کند تا از خانواده های اسیران نیز کمک بگیرد. این موضوع در حالی است که فرقه رجوی به شدت در آلبانی دچار بحران شده و با ترفندهایی این چنینی سعی دارد خود را در میان افراد اسیر در حصارهای ذهنی این فرقه ارتجاع مظلوم نشان دهد. مریم رجوی چندی پیش هم در یک نشست محفل ارتجاع از اعضا خواست تا گوشی های قدیمی و عهد قجر خود را تحویل دهند تا با فروش آنها



خلع سلاح اعضای فرقه مجاهدین پس از اشغال عراق از سوی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا

تعدادی از آنها را برای مدت های طولانی به زندان انداخت تا شاید بتواند آنها را مجبور به سکوت ومماشات نماید. برخی از اعضا پروسه اخذ پناهندگی آنها به تاخیر افتاد با مشکلات جدی اجتماعی واقتصادی مواجه شدند.

فرقه رجوی در ادامه برای اینکه جلو تجمع خانواده ها درمقابل پادگان اشرف ولبرتی را بگیرد به فرماندهان ارتش آمریکا گزارش نمود که اینها خانواده نیستند بلکه افرادی هستند که توسط حکومت ایران خریده شده اند وهدف آنها کشتن مجاهدین است.

جالب اینجاست فرقه ای که تا فرق سردرمنجلا ب جاسوسی و آدم فروشی برای سرویس های امنیتی واطلاعاتی کشورهای اروپایی وامریکایی وشيوخ مرتجع و وابسته فرو رفته است برای ایزگم کردن وسفید سازی اقدامات خائنه خود را به اعضا وخانواده هایشان نسبت می دهد. آقا وخاتم رجوی دوران گندم نمایی و جوفروشی دیگر گذشته است حنای شما دیگر دربین مردم ایران رنگی ندارد. شما درودی سفلیکی وخیانت تمامی مرزها را درهم نوردیده اید. روسپی گری سیاسی واطلاعاتی هم دردی از شما چاره نمی کند.

ما به سران فرقه گفته بودیم که دربرگه توافق بندی به نام ماندن در خاک عراق وجود ندارد و شما خودتان در اوج بی صداقتی از عدم تسلط اعضا به زبان انگلیسی سوء استفاده نموده و به دروغ گزینه عراق را هم به ما تحمیل کردید.

به هرحال در آن روزها شاخ درآوردیم که این رجوی چه جانوری است که حاضر است که نفرات خود را که سالیان عمر وجوانی خود را در بیابانهای اشرف به پای تحلیل های من درآوردی و ابکی او به هدر داده بودند این چنین به امپریالیسم سابق وصاحب خانه جدید برای اثبات خط حرکت موازی فروخته می شوند. دامنه آدم فروشی وخوش خدمتی فرقه رجوی برای سرویس های امنیتی کشورهای بیگانه فقط به همین مورد ختم نمی شود. ف به دنبال سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام صدها نفر از اعضا جدا شدند، تعدادی از آنها به کشورهای اروپایی رفتند سرکردگان فرقه رجوی برای خنثی کردن افشاگریهای این اعضا در افکار عمومی ودولت های اروپایی ونهادهای حقوق بشری تصمیم به همکاری با سرویس های اطلاعاتی وامنیتی این کشورها نمود و با دادن راپورت واطلاعات غلط مبنی بر همکاری جدانشدگان با داخل ایران

وقتی رجوی سلاح های خود را به ارتش آمریکا تحویل داد

فرقه رجوی در ادامه برای اینکه جلو تجمع خانواده ها درمقابل پادگان اشرف ولبرتی را بگیرد به فرماندهان ارتش آمریکا گزارش نمود که اینها خانواده نیستند یادداشت از علی اکرامی

بعد از سرنگونی صدام رهبران فرقه رجوی پرچم تسلیم بالا برده و کلیه سلاح های سبک وسنگین خود را به ارتش آمریکا تحویل دادند.

همزمان تمامی نشریات ، کتاب ها ونوارهایی که در آن مدعی موضع ضد آمریکایی شده بودند را سوزاند ونه یک بار که صد بار ابراز غلط کردم نمود ویک باره گفتند کی بود کی بود من نبودم واز اساس منکر مبارزه ضد آمریکایی شدند و ترور مستشاران آمریکایی قبل از انقلاب را هم به گردن گروه منشعبین از مجاهدین خلق انداختند.

وقتی مامورین وزارت خارجه آمریکا برگه تعیین اساتو وحفاظت اعضای فرقه را به رهبران فرقه دادند در آن نوشته شده بود که اعضا دوگزینه رفتن به ایران ویا کشور ثالث را در برابر خود دارند ولی رجوی که روی تحولات عراق و باند ایاد علاوی و حمایت احتمالی ارتش آمریکا حساب ویژه ای باز کرده بود گزینه ماندن به عراق را هم به دوگزینه دیگر اضافه کرد که خیلی از اعضا زیر بار نرفتند و از امضا برگه خودداری کردند. وقتی به کمپ آمریکایی ها رفتیم افسر امنیت آمریکایی کمپ به ما گفت گویا شما خلع سلاح را نپذیرفته اید وکماکان خواهان مقابله مسلحانه با ارتش آمریکا هستید وقتی تعجب ما را دید برگه ای که رهبران فرقه نوشته بودند را به ما نشان دادند که در آن از طرف مژگان پارسی تاکید شده بود نفراتی که به کمپ شما آمده اند از تروریست های خطرناک وخواهان درگیری مسلحانه با ارتش آمریکا هستند وبه دلیل اینکه موضوع خلع سلاح را قبول ندارند از ما جدا شده اند. واقعیت این بود که

خانواده، کانون عشق برای اسیران

درد و رنج سال‌های انتظارِ مرحمی جز آزادی ندارد

یادداشت از فرید



معجزه می‌کند. پس خودت اشتباه کردی که با جمعی از خانواده‌ها که با تو روبرو هستند، در افتادی و البته باید تقاضای اشتباهت را پس بدهی. محصول ۴۰ سال مبارزه رجوی، در یک کلام درست کردن یک دشمن متحد و یک پارچه به اسم خانواده برای خودش می‌باشد. رجوی می‌گفت: «اگر می‌خواهید مجاهد بمانید، باید همه چیز را کنار بگذارید و فقط من را انتخاب کنید. می‌گفت: من همه چیز شما هستم و بهشت و دوزخ را من می‌دهم و اگر دنبال من نباشید و از پی من نیابید بهشتی در کار نخواهد بود. این را صد بار در نشست‌ها تکرار کرده بود.»

رجوی خیلی از تاریخ و اجتماع صحبت می‌کرد. پس خودش باید بهتر بداند که سرنوشت کسی با اینهمه جنایت و خیانت و کسی که به پنج نسل ملت ایران ستم کرد چه خواهد بود؟ این همان حقوق بشر و عدالت اجتماعی مسعود رجوی است که وعده اش را به مردم ایران می‌دهد. یاد مادران و پدران از دست رفته را گرمی می‌داریم و آرزومندیم در آینده‌ای نه چندان دور شاهد موفقیت‌های بیشتری در مسیر آزادی اسیران در بند رجوی و عزیزان این مادران باشیم.

جواب دق مرگ شدن پدرها و مادرهایی را که فرزندان را آنجا اسیر نگه داشته است... را چه کسی باید پس بدهد.

همیشه اهمیت یک موضوع را باید از موضع گیری‌های دشمن فهمید:

مسعود رجوی: حضور خانواده‌ها در کنار اشرف عملی نبود که هیچ جنبشی بتواند از آن جان به در ببرد

اینگونه بود که خانواده‌ها بساط رجوی را در اشرف و در عراق نابود کرده و برچیدند.

رجوی سالهای سال، بر علیه خانواده‌ها تبلیغ کرد و توطئه نمود، اما به عکس، در درون همه اعضاء و اسیران این عشق، شعله‌ورتر گشت.

عشق و عاطفه که جزئی از وجود آدمی است، ممکن است موقتا در هوای آلوده احساس خفگی کند و نتواند نفس بکشد ولی هنگامی که لحظه‌ای به دنیای آزاد بیاید، می‌تواند دوباره از هوای آزاد تنفس کند و زنده شود.

مادران و پدران سالخورده، امروز پس از سالیان دوری و فراق، انتظار دارند رجوی دست از سر عزیزان آنها بکشد و بگذارد اسیران فرقه، آزاد شده و سراغ زندگی خودشان بروند. ای رجوی شیاد، خودت گفتی که جمع

درد و رنج سالیان خانواده‌های اسیران در فرقه استبدادی رجوی زخمی است که مرحمی جز آزادی فرزندان اسیرمان ندارد.

چه بسیار مادرانی که چشم‌شان به دیدار فرزندان‌شان روشن شد و اما تعدادی از مادران نیز در حسرت ماندند و جان دادند.

مادران، ستم دیده‌ترین عضو خانواده بودند که درد و رنج وصف ناشدنی را متحمل شدند، قصه فراق مادران، هر کدام مثنوی صد من کاغذ می‌شود.

شاید همه دوستان و خانواده‌ها، از نزدیک، در جریان زجرکشیدن مستمر مادران بوده‌اند، اما هیچ وقت به اندازه کافی و شایسته به این موضوع پرداخته نشده است.

مسعود رجوی بی‌محابا و بی‌پرده، سالیان است که به حریم خانواده‌ها، حمله و هجوم وحشیانه‌ای آغاز کرده است. هیچ چیز در حریم امن خانواده، در امان نبوده است. از نظر رجوی، به طور بی‌شرمانه‌ای کانون خانواده، کانون زشتی و پلیدی نامیده شده است.

سالها فرقه از دق مرگ شدن پدرها و مادرهایی دم می‌زند که فرزندان آنها در زندان‌ها بودند، اما هیچ وقت پای این مسئله نیامد که

پیام های ارسالی انجمن های نجات و خانواده ها در مورد نشریه فراق

خدا ادامه داشته باشد.

■ با تشکر از زحمات شما امیدوارم که این نشریه ادامه داشته باشد، ما استفاده کردیم و خوب بود. امیدوارم هر دفعه بهتر و پربارتر باشد. /

محسن عارفیان

■ با سلام و عرض ادب خیلی ممنون و تشکر که زحمت می کشید و با فرستادن نشریه ما را از مسایل خانواده ها مطلع می کنید / علیرضا مقدم جدا شده از فرقه رجوی

■ مطالب مندرج در نشریه فراق نامه جهت تنویر افکار خانواده ها و جوانان خوب و مفید است چنانچه برایتان مقدور است در محافل دانشجویی خارج کشور هم فعالیت داشته باشید زیرا جوانان ایرانی خارج از کشور کمتر مصونیت در قبال تبلیغات بیگانگان و نیرو های سازمان منافقین دارند. / یداله استواری

■ با عرض سلام و ادب از زحمات و پشتکار شما تشکر و قدردانی می کنم. از مطالب نشریات استفاده کردم و خیلی جالب و ارزشمند بود. انشا... موفق و موید باشد/راسخی

که در حال حاضر فرزندم اسیر فرقه رجوی می باشد از شما مسئولین این نشریه تشکر می کنم و امیدوارم که همچنان ادامه داشته باشد تا این فرقه نابود شود.

■ از همه دست اندرکاران اطلاع رسانی که در خصوص افشاگری ماهیت فرقه رجوی دارند تقدیر و تشکر می نمایم./ احمدیان

■ من هادی سمعیان مرتب نشریه های شما را استفاده می کنم و از زحمات شما ممنونم و از خداوند می خواهم در چاپ این نشریه ها فعال باشید.

■ این نشریه ها چقدر خوب و عالی هست من خودم سواد ندارم ولی این نشریه ها را می برم منزل فرزندم می خواند و من استفاده می کنم. واقعا از زحمات های شما که در این راه می کشید تشکر می کنم./ محمد حاج مهدی

■ سلام بنده شهبلی نبوی هستم که دخترم در آلبانی است. بنده از شما ممنونم که به فکر خانواده ها هستید و از نشریه هایی که برای ما ارسال می کنید تشکر می کنم. به امید

■ پیام های تشکر و قدردانی که از سوی

انجمن های نجات دریافت شده است:

انجمن نجات اصفهان

انجمن نجات قم

انجمن نجات خوزستان

انجمن نجات گلستان

انجمن نجات قزوین

انجمن نجات کرمان

انجمن نجات یزد

انجمن نجات خرم آباد

■ پیام های تشکر و نظرهایی که از سوی

خانواده ها دریافت شده است:

■ اینجانب اسداله علیپور جدا شده از فرقه رجوی از دست اندرکاران و مسئولین نشریه فراق تشکر می کنم چرا که خیلی زحمت کشیدند و واقعا نتیجه کارشان خیلی تاثیر گذار بوده است. واقعا نشریه در بهترین صورت چاپ می شود و غیر از این امکان نداشت که ماهیت فرقه رجوی را افشا کرد.

■ اینجانب داود زند پدر مجید زند هستم



صدای خانواده ها

بیانیه ها و نامه های ارسالی خانواده ها به اسیران و مجامع بین المللی



فراق: صفحه های پیش رو به بخشی از نامه های ارسالی خانواده ها به اسیران و مجامع بین المللی نگاهی دارد. لازم به توضیح است بخش مهمی از این نامه ها از سوی انجمن نجات استان اردبیل به مجامع بین المللی ارسال شده است.

منتظر نظر ، انتقاد و پیشنهاد شما مخاطبان محترم هستیم

پست الکترونیکی: Faragngo@gmail.com

فیس بوک: www.facebook.com/faragh.ngo

تویتر: www.twitter.com.com/feraghnews

اینستاگرام: feraghonline

تقدیر از پاسخ کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به نامه های ارسالی انجمن نجات استان اردبیل

کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده گان مقیم آلبانی به تمام نامه های ارسالی توسط انجمن نجات استان اردبیل پاسخ داد. پایگاه خبری-تحلیلی فراق ضمن تقدیر از پاسخ کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به نامه های ارسالی انجمن نجات استان اردبیل امیدوار است این نهاد بین المللی به وظیفه ذاتی خود بیش از پیش عمل نموده و موجبات ملاقات و دیدار خانواده ها با اسیران خود را فراهم نماید.

منصور محمدزاده، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی: همگی منتظر هستیم تا صدایت را بشنویم

منصور محمدزاده برادر یکی از اسیران فرقه رجوی برای برادر خود نامه نوشت. ۲۹ سال زمان کمی نیست. چرا زنگ نمی زنی؟ همه ما مشتاق دیدارت هستیم. از اینکه به آلبانی رفتی و از عراق خارج شدی خوشحالیم و امیدوار بودیم وقتی که از عراق و جهنم اشرف و لیبرتی خارج شدی و پایت به آلبانی رسیدی بلافاصله زنگ بزنی ولی چنین نشد.

خانواده محبوب خیراندیش از سال ها چشم انتظاری برای دیدار با عزیز خود می گویند

برادر یکی از اسیران فرقه رجوی گفت: سال ها است که در حسرت و آرزوی دیدار با برادر اسیر خود در فرقه رجوی هستم. پرویز خیراندیش، روز یکشنبه ۲۴ دی با حضور در دفتر انجمن نجات استان اردبیل به همراه برادرزاده و داماد خود اظهار داشت: خانواده های اسیران فرقه رجوی بیش از ۳۰ سال است که برای ملاقات با عزیزان اسیر خود تلاش می نمایند اما متأسفانه موفق نمی شوند. در ادامه برادر زاده محبوب خیراندیش که نمی توانست جلوی اشک های خود را بگیرد خطاب به عمومی خود اظهار داشت: غم این فراق و جدایی برای ما خیلی سخت است و بی صبرانه منتظر دیدار با عمویم هستیم. حاجی و پرویز خیراندیش از اعضای فعال انجمن نجات استان اردبیل هستند که تمام سعی و تلاش خود را برای رهایی برادر خود از چنگال فرقه رجوی به کار بسته اند.

نامه صمد یوسفی سادات به کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان کشور آلبانی

نماینده محترم کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان کشور آلبانی با احترام به استحضار عالی می رساند اینجناب صمد یوسفی سادات برادر یکی از اسیران فرقه رجوی به نام «علی یوسفی سادات» هستیم که سالهاست در حسرت دیدار با برادر عزیزم می باشم. با توجه به شرایط غیر انسانی درون این فرقه از آن مقام محترم خواهشمند است شرایطی را فراهم نمائید تا با وی ملاقات و تماسی فوری داشته باشم. صمد یوسفی سادات



مقصود محمدزاده



تبریک به خانواده تلاشگر بخشعلی علیزاده

بخشعلی علیزاده، یکی از اسیران فرقه رجوی بعد از ۳۳ سال دوری از خانواده و گرفتاری در چنگال فرقه مسعود و مریم رجوی به آغوش خانواده خود بازگشت. رهایی بخشعلی علیزاده بعد از سالیان سخت و طاقت فرسای اسارت را به خانواده تلاشگر وی تبریک عرض می نمایم. انجمن نجات مرکز استان اردبیل رهایی تمام اسیران دربند فرقه رجوی و بازگشت به کانون گرم خانواده را آرزومند است.



برادر محمدتقی ریاحی، یکی از خانواده های چشم انتظار اسیران فرقه رجوی: سران فرقه رجوی سالهاست از جسم و روح برادرم سوءاستفاده می کنند

سران فرقه رجوی سالیان متمادی است که به خانواده ها اجازه دیدار با فرزندانشان را نمی دهند و خانواده را پیش عناصر خود کانون فساد معرفی نموده اند که صد البته تمام مردم جهان بر این واقعیت اجماع دارند که خانواده بهترین جایگاهی است که می تواند برای فرد محل امن بوده و از آنجا ترقی و پیشرفت نماید و این بر کسی پوشیده نیست.



مرتضی بلالی، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی: رجوی و سرانش مغزهای اسیران را شستشو می دهند

برادر رضا بلالی، اسیر فرقه رجوی گفت: نمی دانم کسانی که در دام فرقه رجوی افتاده اند چرا بایستی به خاطر رجوی و سرانش خودشان را به تباهی بکشند. مرتضی بلالی افزود: اسیران تا کی می خواهند در دام فرقه رجوی باشند و خود را فدای این فرقه پلید نمایند؟



انجمن نجات مرکز اراک

نامه رقیه فرازبان فرد کهن به فرزندش فریدون ندایی

سلام بر فرزند بزرگوار و مهربانم. فرزند عزیزم فریدون، فرزند عزیز و گرامی تر از جانم، سال هاست که در فراق شما روز و شب را می گذرانم. عزیزم، پاره تنم، شما که این قدر بی وفا نبودید که خانواده ات را فراموش کنید.

همه خانواده منتظر بازگشت هستند به ویژه مادرت - مادرت - مادرت





شیرین خسروی، خواهر یکی از اسیران فرقه رجوی: ما همچنان چشم به راه هستیم

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، متن نامه خواهر محمود خسروی به برادرش در اردوگاه فرقه رجوی در آلبانی به شرح زیر است:

محمود جان من سلام، شیرین، خواهر بزرگت هستم که چندین بار با مادر و محمدعلی و پسر و وحید آمدیم پشت سیاح اشرف ولی سران فرقه به جای پذیرایی به طرف ما سنگ و چوب پرت کردند و فحش های رکیکی داند که هرکسی بشنود شرم می کند. خواستیم بگویم ما همچنان چشم به راهت هستیم. لطفا هر طور شده یک زنگ به مادر چشم به راهت بزن و ما را آرام کن. خواهرت شیرین خسروی



خواهر حافظ نصرتی، خطاب به برادر اسیر خود در فرقه رجوی: دیگر صبرمان تمام شده است

با سلام به برادر عزیزم حافظ امیدوارم حالت خوب بوده و سلامت باشی. بعد از این همه دوری حرفهای زیادی دارم ولی نمی توانم در یک ورق بیان کنم. دیگر صبرمان تمام شده است. عزیزم آرزو داریم هرچه زودتر به آغوش گرم خانواده برگردی. خودت با روحیه خانواده آشنا هستی و می دانی همه ما نسبت به هم چقدر مهربان و با عاطفه هستیم. ما شب و روز با چشمانی گریان برای دیدن روی تو لحظه شماری می کنیم. خواهر چشم انتظار



دل نوشته های مادر امین عبدلی برای فرزند اسیر خود: از خداوند می خواهم همچو «یوسف» تو را به من برساند

سلام پسر امین جان من مادر تو هستم و همیشه در سر نمازم گریه می کنم و از خداوند بزرگ آرزوی دیدن تو را دارم. امیدوارم که در این عمر پایانی تو را ببینم و از خداوند این را می خواهم همان طور که «یوسف» به پدرش رسید تو را هم به من برساند. تلی عبدی، مادری چشم انتظار



تاج الدوله حیدریان، مادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی: شاید با خواهش های مادرانه و لطف الهی فرزندانم به آغوش وطن بازگردند

مادر یکی از اسیران فرقه رجوی برای نماینده محترم کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان کشور آلبانی نامه نوشت.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق متن این نامه به شرح زیر است:

نماینده محترم کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان کشور آلبانی اینجانب تاج الدوله حیدریان، فرزندی به نام مهدی حمیدفر دارم که مدت بیست سال است به دام فرقه رجوی موسوم به مجاهدین خلق گرفتار شده است. خواهشمند است مساعدت فرمائید تا در کشور آلبانی با پسرم دیداری تازه کنم.

تاج الدوله حیدریان

پیام خانواده ها



◀ مرتضی نوروزی، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی: کمیساریا شرایط ملاقات ما را با عزیزمان فراهم نماید

◀ نامه نجیبه ارشادی نمین به کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان کشور آلبانی

◀ مستانه، خواهر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی: لطفا هر چه زودتر تصمیم خودت را بگیر

◀ ثابت رستمی، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی: پدر و مادرتا کی باید منتظر تو باشند؟! چرا رجوی خانواده را دشمن فرقه می داند

◀ فرشته کریمی خطاب به خواهر اسیر خود در فرقه رجوی: دل ما بی نهایت برای تو تنگ شده است

◀ جمعی از خانواده های استان مرکزی خطاب به وزیر خارجه آلبانی: فرقه رجوی فرزندان ما را در یک محیط بسته شستشوی مغزی می دهد



◀ پیروز مهربانی، مادر چشم انتظار عبدالکریم کریمی: تنها تقاضایی که دارم آن است ثانیه ای با من تماس بگیری تا دیدارم به قیامت نیفتد

◀ اعتراض خانواده های خوزستانی به انتقال اجباری فرزندانشان به «اشرف ۳»
خانواده های خوزستانی اسیران دربند فرقه رجوی تصمیم انتقال اجباری فرزندانشان از شهر تیرانا به زندان مانز (کمپ اشرف ۳) از سوی رهبران این فرقه را یک تصمیم ضد انسانی دانسته و به شدت محکوم کردند.

◀ ربابه عبدعاصی، مادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی با نام محمد رضا گویا پس از سال ها انتظار رخ در نقاب خاک کشید.

◀ جمعی از خانواده های اسیران فرقه رجوی در سمنان: انتقال اسیران فرقه رجوی به خارج از آلبانی نشان وحشت از فرار است
بعد از شنیدن خبر انتقال اعضای اسیر در فرقه رجوی تنی چند از خانواده های این استان ضمن نوشتن نامه ای به مسئولین کشور آلبانی و کمیساریای حقوق بشر مراتب نگرانی خود را ابراز نمودند. انجمن نجات مرکز سمنان



◀ اعتراض شدید خانواده های عضو انجمن نجات استان اردبیل به آتش کشیدن پرچم ایران و رفتار های کثیف فرقه رجوی / خانواده ها به زودی ریشه این فرقه نفاق و تزویر را خواهند سوزاند و اسیران در چنگ این اهریمن را رها می نمایند

خانواده های عضو انجمن نجات استان اردبیل ضمن محکومیت به آتش کشیدن پرچم کشورمان، به رفتارهای کثیف فرقه رجوی در حوادث اخیر اعتراض کردند.

◀ نامه خانواده های زنجان به مدیر کل محترم کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان آلبانی،

با توجه به وجود شواهد عینی و اظهارات به روز جدا شدگان و نجات یافتگان از این فرقه، تمامی افراد حاضر تحت فشارهای روحی و فیزیکی عوامل این گروه قرار گرفتند تا به زور به این زندان جدید منتقل شوند.

خانواده های استان زنجان: صادق، کامیاب محمدی، قاسمی، محبی، قدیمی، کرمی، افشار، یگانه طارمچی، پرویزی

■ با پوزش از سایر خانواده ها و انجمن های نجات کشور که به علت محدودیت فضا نتوانستیم نامه آنها را منتشر کنیم.

فعال ترین و پرمخاطب ترین گروه رسانه ای در حوزه خانواده ها، اسیران فرقه رجوی



کانال تلگرام فرقه <https://telegram.me/feraghnews>

پست الکترونیکی: Faragngo@gmail.com

وب سایت: www.feraghnews.ir

اینستاگرام: [Feraghonline](https://www.instagram.com/Feraghonline)



www.twitter.com.com/faraghngo



www.facebook.com/faragh.ngo

سال هاست که عضوک از خانواده های اسیران فرقه رجوک به هزار حیل و ترفند از آنها جدا شده و این خانواده ها بے صبرانه منتظر حضور سبزیشان در کنار خانواده هستند

